www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

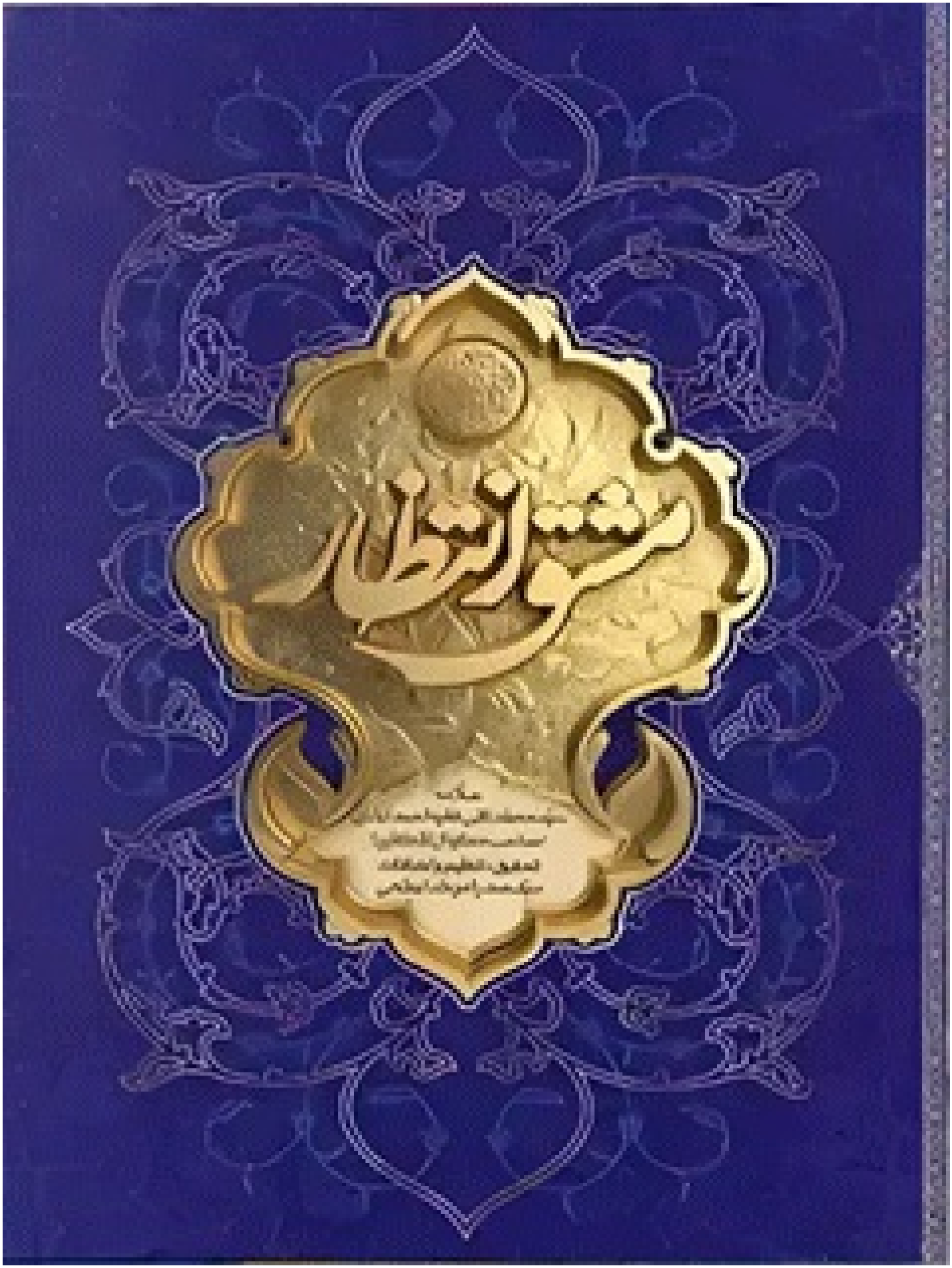

بسم الله الرحمن الرحیم

مشق انتظار

نویسنده:

محمد تقی موسوی اصفهانی (فقیه احمد آبادی)

ناشر چاپي:

موسسه امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

ناشر ديجيتالي:

مرکز تحقيقات رايانه‌اي قائميه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
مشق انتظار ----- ۱۱
مشخصات کتاب ----- ۱۱
اشاره ----- ۱۱
فهرست موضوعات ----- ۱۶
مقدمه محقّق ----- ۲۸
بخش اول : سبک زندگی مهدوی ----- ۳۲
اشاره ----- ۳۲
طلوع ----- ۳۳
استادان ----- ۳۴
کوشش و جدّیت در تحصیل، تألیف و تدریس ----- ۳۵
طبع شعر ----- ۳۷
تألیفات ----- ۳۸
فضایل اخلاقی ----- ۴۲
توسّلات و مناجات سحری ----- ۴۴
یاد و ترویج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، سبک زندگی صاحب مکیال ----- ۴۵
بنیان گذار جشن نیمه شعبان ----- ۴۹
شهادت صاحب مکیال ----- ۵۰
بخش دوم : وظایف ما در عصر غیبت ----- ۵۲
اشاره ----- ۵۲
فصل اول : وظایف فردی نسبت به امام زمان علیه السلام ----- ۵۴
اشاره ----- ۵۴
۳-۱. وظایف عقل ----- ۵۵
اول : شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و ویژگی های آن حضرت ----- ۵۵

دوم : کسب معرفت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ---- ۵۶
[سوم: شناختن علامت های ظهور و نشانه های آخر الزمان ---- ۵۸
۱۷-۴. وظایف قلب ---- ۶۰
اول: دوست داشتن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به صورت ویژه ---- ۶۰
دوم : غمگین بودن در فراق و مظلومیّت آن حضرت ---- ۶۲
سوم : منتظر ظهور حضرت بودن و تقویت روحیه انتظار ---- ۶۳
[چهارم: پیوسته خود را در محضر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دانستن ---- ۶۴
[پنجم: خیرخواهی برای امام زمان علیه السلام ---- ۶۶
[ششم : نیّت حقیقی بر یاری حضرت در زمان ظهور ---- ۶۷
هفتم : تسلیم و مطیع بودن، و نسبت به امر امام علیه السلام عجله نکردن ---- ۶۸
هشتم : نرم نگه داشتن دل ---- ۶۹
نهم : هر روز یا هر جمعه با حضرتش عهد تازه بستن ---- ۷۲
دهم: توسّل به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در امور مهم ---- ۷۴
یازدهم: روزهای جمعه خود را مهمان آن حضرت دانستن ---- ۷۵
دوازدهم : توبه حقیقی از گناهان ---- ۷۶
سیزدهم : اهتمام بر ترک گناهان و کسب صفات نیکو ---- ۷۷
[چهاردهم: مقدّم داشتن خواسته های آن حضرت بر خواسته های خود ---- ۷۸
۱۸. وظیفه چشم ---- ۸۰
در فراق آن حضرت گریستن ---- ۸۰
۱۹. وظیفهٔ گوش ---- ۸۱
[شنیدن مطالب متعلّق به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ---- ۸۱
۲۰ _ ۳۷. وظایف زبان ---- ۸۲
[اول: حفظ زبان از غیر ذکر و یاد خداوند ---- ۸۲
دوم : پرهیز از بردن نام اصلی حضرت علیه السلام ---- ۸۴
سوم : اظهار شوق به زیارت آن حضرت ---- ۸۵
[چهارم : دعا برای فراموش نکرن یاد آن حضرت ---- ۸۶

پنجم : دعا برای دیدار آن حضرت با عافیت و ایمان ---- ۸۷
ششم : قرائت قرآن و هدیه به آن حضرت ---- ۸۹
هفتم: زیارت کردن و سلام و درود فرستادن بر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ---- ۹۰
هشتم : خواندن دعاهایی که برای زمان غیبت سفارش شده ---- ۹۲
نهم: هدیه کردن ثواب نماز به آن حضرت ---- ۹۴
دهم: خواندن نماز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ---- ۹۵
یازدهم : واسطه قرار دادن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در دعا ---- ۹۷
دوازدهم : در دعا، حضرت را مقدّم داشتن ---- ۹۸
سیزدهم : با صدای بلند به حضرت دعا کردن ---- ۹۹
چهاردهم : خواندن دعای ندبه در روزهای خاص ---- ۹۹
پانزدهم : دعا برای ظهور و پیروزی حضرت ---- ۹۹
شانزدهم : دعا برای قرار گرفتن در زمره یاران حضرت ---- ۱۰۰
هجدهم : صلوات فرستادن برای سلامتی و تعجیل فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ---- ۱۰۰
۳۸ - ۴۴. وظایف سایر جوارح ---- ۱۰۱
اول : برخاستن به احترام نام یا القاب امام زمان علیه السلام بالاخص «قائم» ---- ۱۰۱
دوم: بزرگ داشت هر چیز منتسب به حضرت ---- ۱۰۲
سوم : بدن نسبت به امام خاشع باشد و در خدمت آن حضرت ---- ۱۰۴
چهارم: دیدار با علمای ربّانی و مؤمنین صالح ---- ۱۰۶
پنجم : حج رفتن به نیابت از حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف ---- ۱۰۷
ششم : طواف کعبه به نیابت از حضرت ---- ۱۰۸
هفتم: به نیابت از آن حضرت به زیارت قبور پیغمبر و ائمّه اطهار علیهم السلام به ویژه امام حسین علیه السلام و سایر مشاهده مشرّفه رفتن ---- ۱۰۹
فصل دوم : وظایف اجتماعی نسبت به امام علیه السلام ---- ۱۱۰
اشاره ---- ۱۱۰
۴۵ - ۴۹. وظایف در میان عموم مردم ---- ۱۱۱
اول : دعوت مردم به معرفت حضرت و خدمت گزاری به ایشان ---- ۱۱۱
دوم : محبوب نمودن حضرت در بین مردم ---- ۱۱۳

سوم : آموزش معارف دینی و پاسخ به شبهات ---- ۱۱۵
چهارم : ناشناس ماندن و پرهیز از شهرت ---- ۱۱۷
پنجم : سرودن شعر و خواندن اشعار فضایل آن حضرت برای مردم ---- ۱۱۸
۵۰-۵۲. وظایف در میان دوستان حضرت ---- ۱۲۱
اول : سفارش یکدیگر به صبر در زمان غیبت ---- ۱۲۱
دوم : همدلی و تلاش همگانی بر یاری امام زمان علیه السلام ---- ۱۲۲
سوم : حلّ مشکلات و خوشحال کردن مؤمنان و محبّان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ---- ۱۲۳
۵۳-۵۹. وظایف در مقابل دشمنان و مدّعیان دروغین ---- ۱۲۴
اول : تقیّه در مقابل دشمنان ---- ۱۲۴
دوم : صبر بر اذیت و آزار دشمنان ---- ۱۲۵
سوم : پرهیز از مجالسی که نام حضرت در آنجا تمسخر می شود ---- ۱۲۷
چهارم : تکذیب مدّعیان نیابت خاصّه ---- ۱۲۸
پنجم : عدم تعیین وقت ظهور و تکذیب وقت گذاران ---- ۱۲۹
ششم : ثبات در اعتقادات و دنبال گروه ها و فرقه ها نرفتن ---- ۱۳۰
هفتم : مرابطه و تهیه سلاح و اسب در انتظار ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ---- ۱۳۱
۶۰-۷۰. وظایف مالی ---- ۱۳۶
اشاره ---- ۱۳۶
اول : صدقه دادن به قصد سلامتی حضرت. ---- ۱۳۶
دوم : قربانی کردن به نیابت از حضرت ---- ۱۳۶
سوم : هدیه دادن به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ---- ۱۳۷
چهارم : هدیه دادن به شیعیان و دوستان صالح ائمه علیهم السلام ---- ۱۴۰
پنجم : پرداخت حقوق مالی واجب ---- ۱۴۱
ششم : پول دادن به کسی تا به نیابت حضرت حجّت علیه السلام حج به جا آورد ---- ۱۴۱
هفتم : پول دادن به کسی تا به نیابت از حضرت طواف نماید ---- ۱۴۱
هشتم : پول دادن به کسی تا به نیابت از حضرت به زیارت قبور پیغمبر و ائمه اطهار علیهم السلام به ویژه امام حسین علیه السلام و سایر مشاهد مشرّفه برود. ---- ۱۴۱
نهم: پول دادن به کسی برای قرائت قرآن و هدیه کردن به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ---- ۱۴۱

[دهم: برگزاری مجالس ذکر فضائل و مناقب و توسّل به آن حضرت ---- ۱۴۲
[یازدهم : تأسیس و ساخت اماکن خیریّه و عام المنفعه ---- ۱۴۲
بخش سوم : گنجینه فواید دعا برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ---- ۱۴۳
اشاره ---- ۱۴۳
مطلب اوّل : ادای حقّ مؤمن برترین اعمال است ---- ۱۴۵
اشاره ---- ۱۴۵
طریق ادای حقوق امام زمان علیه السلام ---- ۱۴۷
مطلب دوّم : عدم منافات دعای به امام زمان علیه السلام با مقام و شأن بلند ایشان ---- ۱۴۸
مطلب سوّم : اهتمام ائمه علیهم السلام در دعا به امام دوازدهم علیه السلام ---- ۱۵۰
مطلب چهارم : سرّ اهتمام زیاد أئمّه طاهرین علیهم السلام در دعای به صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ---- ۱۵۴
مطلب پنجم : فواید دنیوی دعا برای حضرت علیه السلام ---- ۱۵۵
مطلب ششم : فواید اخروی دعا برای حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف ---- ۱۶۲
مطلب هفتم : شرایط فائز شدن به نحو کمال به تمام فوایدی که ذکر شد ---- ۱۷۰
[مطلب هشتم چگونگی دعا به ویژه برای تعجیل فرج و ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ---- ۱۷۵
مطلب نهم اوقات و حالات دعا برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ---- ۱۷۹
مطلب دهم دعاهای ائمهٔ معصومین علیهم السلام برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ---- ۱۸۲
خاتمه : عریضه نویسی به محضر حضرت ولیِ عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ---- ۱۸۷
«ذکر صحیح» ---- ۱۸۹
بخش چهارم : ثواب و فضیلت انتظار ظهور ---- ۱۹۴
اشاره ---- ۱۹۴
مقدّمه مفهوم تعجیل در فرج حضرت مهدی علیه السلام ---- ۱۹۶
بعضی نشانه های ظهور و کیفیت دوران حضور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ---- ۱۹۸
مقصد اوّل ثواب و فضیلت انتظار ---- ۲۰۲
اوّل : بهترین عبادت ها ومحبوب ترین اعمال نزد خداوند ---- ۲۰۲
دوّم : جهاد در رکاب پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم و شهادت در راه خدا ---- ۲۰۲
سوّم : اجر شهدای جنگ بدر و احد ---- ۲۰۳

چهارم : حضور در خیمه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و خدمتگذاری به حضرتش ---- ۲۰۴
پنجم : ثواب روزه دارِ شب زنده دار ---- ۲۰۴
ششم : زنده شدن هنگام ظهور و دعوت به حضور در رکاب حضرت علیه السلام ---- ۲۰۴
هفتم : جهاد در رکاب حضرت بقیهٔ الله عجل الله تعالی فرجه الشریف و شهادت در راه ایشان ---- ۲۰۵
هشتم : بهره مندی از ثواب کامل عبادات و احکام صحیح واقعی در قیامت ---- ۲۰۷
نهم : محشور شدن در زمره آل محمد ---- ۲۰۷
دهم : قرار گرفتن در زمره اولیاء و نداشتن حزن و ترس در روز قیامت ---- ۲۰۹
مقصد دوّم وجوب انتظار و شرط آن در قبولی اعمال ---- ۲۱۰
مقصد سوّم معنای انتظار و مقدار واجب آن ---- ۲۱۳
خاتمه : آثار درجه کمال انتظار ---- ۲۱۶
بخش پنجم : اشعار فارسی و عربی از شهید انتظار، آیت الله سید محمّد تقی فقیه احمدآبادی رحمه الله ---- ۲۱۸
اشاره ---- ۲۱۸
مقدّمه ---- ۲۲۰
رباعیات در فراق حضرت بقیهٔ الله عجل الله تعالی فرجه الشریف ---- ۲۲۲
رباعیات در مصائب حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام ---- ۲۲۸
غزلیات در فراق حضرت بقیهٔ الله عجل الله تعالی فرجه الشریف ---- ۲۲۹
قصیدهٔ شعبانیه در میلاد پر سرور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ---- ۲۴۰
قصیده غدیریّه در مدح حضرت امیرالمومنین علیه السلام ---- ۲۴۲
سایر اشعار ---- ۲۴۶
اشعار عربی در فراق حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ---- ۲۵۸
فهرست منابع و مآخذ ---- ۲۶۷
درباره مرکز ---- ۲۷۱

مشق انتظار

مشخصات کتاب

سرشناسه : موسوی اصفهانی، سیدمحمدتقی،

عنوان : مشق انتظار – نویسنده : سید محمدتقی موسوی اصفهانی (فقیه احمدآبادی) ؛ تحقیق ، تنظیم و اضافات: سید محمد صدرا موحد ابطحی.

مشخصات نشر : نوبت اول ، 1404 ش ، دارالامام المهدی منتصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

موضوع : امام دوازدهم ، مهدویت ، غیبت ، انتظار ، دعا ، وظایف منتظران

Muhammad ibn Hasan, Imam XII -- Occultation

مشخصات ظاهری : 240 صفحه

شابک : 978-622-87771-4-6

رده بندی کنگره : BP224/4

رده بندی دیویی : 297/462

ش کتابشناسی ملی : 10087089

خیراندیش دیجیتالی: کانون فرهنگی اندیشه اصفهان

ویراستار کتاب : خانم نرگس قمی

ص: 1

اشاره

سرشناسه : موسوی اصفهانی، سیدمحمدتقی،

عنوان : مشق انتظار - نویسنده : سید محمدتقی موسوی اصفهانی (فقیه احمدآبادی) ؛ تحقیق ، تنظیم و اضافات: سید محمد صدرا موحد ابطحی.

مشخصات نشر : نوبت اول ، 1404 ش ، دارالامام المهدی منتصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

موضوع : امام دوازدهم ، مهدویت ، غیبت ، انتظار ، دعا ، وظایف منتظران

Muhammad ibn Hasan, Imam XII -- Occultation

مشخصات ظاهری : 240 صفحه

شابک : 978-622-87771-4-6

رده بندی کنگره : BP224/4

رده بندی دیویی : 297/462

ش کتابشناسی ملی : 10087089

مشق انتظار

آیت الله سید محمد تقی فقیه احمدآبادی (صاحب مکیال)

تحقیق ، تنظیم و اضافات : سید صدرا موحد ابطحی

ناشر: دارالامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

مسئول امور هنری: علی عباسی نژاد

نوبت و سال چاپ : اول / 1404 ش 1447ق

تیراژ : 1500 نسخه

قیمت: 300 هزار تومان

شابک: 978-622-87771-4-6

مرکز پخش: 09361202133

جهت نشر بیشتر معارف مهدویت، این کتاب فعلا با 50 درصد تخفیف به مبلغ 150 هزار تومان عرضه می گردد.

ص: 2

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 3

اللّهُمَّ صَلِّ علی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

اَللهمّ کُن لولیّک الحُجةِ بنِ الحَسَنِ صَ لَواتُکَ عَلَیهِ وَ عَلی ابائهِ فی هذهِ السّاعةِ وَ فی کُلّ ساعَة وَلیّا وَ حافظاً وقائِداً وَ ناصِراً وَ دَلیلاً وَ عَیناً حَتّی تُسکِنَهُ اَرضَکَ طَوعاً وَ تُمَتّعَهُ فیها طَویلاً

ص: 4

فهرست موضوعات

مقدمه محقّق ... 11

بخش اول: سبک زندگی مهدوی

طلوع ... 16

استادان ... 17

کوشش و جدّیت در تحصیل، تألیف و تدریس ... 18

طبع شعر ... 20

تألیفات ... 21

فضایل اخلاقی ... 25

توسّلات و مناجات سحری ... 27

یاد و ترویج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، سبک زندگی صاحب مکیال ... 28

بنیان گذار جشن نیمه شعبان ... 32

شهادت صاحب مکیال ... 33

بخش دوم: وظایف ما در عصر غیبت

فصل اول: وظایف فردی نسبت به امام زمان علیه السلام ... 37

1 _ 3. وظایف عقل ... 38

اول: شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و ویژگی های آن حضرت ... 38

دوم: کسب معرفت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ... 39

]سوم: شناختن علامت های ظهور و نشانه های آخر الزمان ... 414

4-17. وظایف قلب ... 43

اول: دوست داشتن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به صورت ویژه ... 43

دوم: غمگین بودن در فراق و مظلومیّت آن حضرت ... 45

سوم: منتظر ظهور حضرت بودن و تقویت روحیه انتظار ... 46

[چهارم: پیوسته خود را در محضر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دانستن ... 47

[پنجم: خیرخواهی برای امام زمان علیه السلام ... 49

[ششم: نیّت حقیقی بر یاری حضرت در زمان ظهور ... 50

هفتم: تسلیم و مطیع بودن، و نسبت به امر امام علیه السلام عجله نکردن ... 51

هشتم: نرم نگه داشتن دل ... 52

نهم: هر روز یا هر جمعه با حضرتش عهد تازه بستن ... 55

دهم: توسّل به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در امور مهم ... 57

یازدهم: روزهای جمعه خود را مهمان آن حضرت دانستن ... 58

دوازدهم: توبه حقیقی از گناهان ... 59

سیزدهم: اهتمام بر ترک گناهان و کسب صفات نیکو... 60

[چهاردهم: مقدّم داشتن خواسته های حضرت بر خواسته های خود ... 61

18. وظیفه چشم ... 63

در فراق آن حضرت گریستن ... 63

19. وظیفهٔ گوش ... 64

[شنیدن مطالب متعلّق به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ... 64

20 _ 37. وظایف زبان ... 65

[اول: حفظ زبان از غیر ذکر و یاد خداوند ... 65

دوم: پرهیز از بردن نام اصلی حضرت علیه السلام ... 67

سوم: اظهار شوق به زیارت آن حضرت ... 68

[چهارم: دعا برای فراموش نکرن یاد آن حضرت ... 69

پنجم: دعا برای دیدار آن حضرت با عافیت و ایمان ... 70

[ششم: قرائت قرآن و هدیه به آن حضرت ... 72

هفتم: زیارت کردن و سلام و درود فرستادن بر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ... 73

هشتم: خواندن دعاهایی که برای زمان غیبت سفارش شده ... 75

[نهم: هدیه کردن ثواب نماز به آن حضرت ... 77

[دهم: خواندن نماز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ... 78

یازدهم: واسطه قرار دادن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در دعا ... 80

دوازدهم: در دعا، حضرت را مقدّم داشتن ... 81

سیزدهم: با صدای بلند به حضرت دعا کردن ... 82

چهاردهم: خواندن دعای ندبه در روزهای خاص ... 82

پانزدهم: دعا برای ظهور و پیروزی حضرت ... 82

شانزدهم: دعا برای قرار گرفتن در زمره یاران حضرت ... 83

هفدهم: دعا برای یاران

حضرت و نفرین بر دشمنان حضرتش ... 83

هجدهم: صلوات فرستادن برای سلامتی و تعجیل فرج امام عجل الله تعالی فرجه الشریف ... 83

38 _ 44. وظایف سایر جوارح ... 84

اول: برخاستن به احترام نام یا القاب امام زمان علیه السلام بالاخص «قائم» ... 84

[دوم: بزرگ داشت هر چیز منتسب به حضرت ... 85

سوم: بدن نسبت به امام خاشع باشد و در خدمت آن حضرت ... 87

[چهارم: دیدار با علمای ربّانی و مؤمنین صالح ... 89

پنجم: حج رفتن به نیابت از حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف ... 90

ششم: طواف کعبه به نیابت از حضرت ... 91

هفتم: به نیابت از آن حضـرت به زیارت قبور پیغمبر و ائمّه اطهار علیهم السلام به ویژه امام حسین علیه السلام و سایر مشاهده مشرّفه رفتن ... 92

فصل دوم: وظایف اجتماعی نسبت به امام علیه السلام ... 93

45 _ 49. وظایف در میان عموم مردم ... 94

اول: دعوت مردم به معرفت حضرت و خدمت گزاری به ایشان ... 94

دوم: محبوب نمودن حضرت در بین مردم ... 96

سوم: آموزش معارف دینی و پاسخ به شبهات ... 98

چهارم: پرهیز از شهرت و ناشناس ماندن ... 100

[پنجم: سرودن شعر و خواندن اشعار فضایل آن حضرت برای مردم... 101

50 _ 52. وظایف در میان دوستان حضرت ... 103

[اول: سفارش یکدیگر به صبر در زمان غیبت ... 103

دوم: همدلی و تلاش همگانی بر یاری امام زمان علیه السلام ... 104

[سوم: حلّ مشکلات و خوشحال کردن مؤمنان و محبّان امام عجل الله تعالی فرجه الشریف ... 105

53 _ 59. وظایف در مقابل دشمنان و مدّعیان دروغین ... 106

اول: تقیّه در مقابل دشمنان ... 106

[دوم: صبر بر اذیت و آزار دشمنان ... 107

[سوم: پرهیز از مجالسی که نام حضرت در آنجا تمسخر می شود ... 109

چهارم: تکذیب مدّعیان نیابت خاصّه ... 110

پنجم: عدم تعیین وقت ظهور و تکذیب وقت گذاران ... 111

ششم: ثبات در اعتقادات و دنبال گروه ها و فرقه ها نرفتن. 112

هفتم: مرابطه و تهیه سلاح و اسب در انتظار ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ... 113

60 _ 70. وظایف مالی ... 118

اول: صدقه دادن به قصد سلامتی حضرت ... 118

دوم: قربانی کردن به نیابت از حضرت ... 118

سوم: هدیه دادن به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ... 119

چهارم: هدیه دادن به شیعیان و دوستان صالح ائمه علیهم السلام ... 122

پنجم: پرداخت حقوق مالی واجب ... 123

ششم: پول دادن به کسی تا به نیابت حضرت علیه السلام حج به جا آورد ... 123

هفتم: پول دادن به کسی تا به نیابت از حضرت طواف نماید ... 123

هشتم: پول دادن به کسی تا به نیابت از حضرت به زیارت قبور پیغمبر و ائمه اطهار علیهم السلام به ویژه امام حسین علیه السلام و سایر مشاهد مشرّفه برود ... 123

نهم: پول دادن به کسی برای قرائت قرآن و

هدیه کردن به امام علیه السلام ... 123

[دهم: برگزاری مجالس ذکر فضائل و مناقب و توسّل به آن حضرت ... 124

[یازدهم: تأسیس و ساخت اماکن خیریّه و عام المنفعه ... 124

بخش سوم: گنجینه فواید دعا برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

مطلب اوّل: ادای حقّ مؤمن برترین اعمال است ... 127

طریق ادای حقوق امام زمان علیه السلام ... 129

مطلب دوّم: عدم منافات دعای به امام زمان علیه السلام با مقام و شأن بلند ایشان .. 130

مطلب سوّم: اهتمام ائمه علیهم السلام در دعا به امام دوازدهم علیه السلام .. 132

مطلب چهارم: سرّ اهتمام زیاد أئمّه علیهم السلام در دعای به صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ... 136

مطلب پنجم: فواید دنیوی دعا برای حضرت علیه السلام ... 137

مطلب ششم: فواید اخروی دعا برای حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف ... 144

مطلب هفتم: شرایط فائز شدن به نحو کمال به تمام فوایدی که ذکر شد ... 149

[مطلب هشتم: چگونگی دعا به ویژه برای تعجیل فرج و ظهور امام عجل الله تعالی فرجه الشریف 154

مطلب نهم: اوقات و حالات دعا برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ... 158

مطلب دهم: دعاهای ائمهٔ معصومین علیهم السلام برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ... 161

خاتمه: عریضه نویسی به محضر حضرت ولیِ عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ... 166

ذکر صحیح ... 168

بخش چهارم: ثواب و فضیلت انتظار ظهور

مقدّمه مفهوم تعجیل در فرج حضرت مهدی علیه السلام ... 175

بعضی نشانه های ظهور و کیفیت دوران حضور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ... 177

مقصد اوّل ثواب و فضیلت انتظار ... 181

اوّل: بهترین عبادت ها ومحبوب ترین اعمال نزد خداوند ... 181

ص: 9

دوم: جهاد در رکاب پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم و شهادت در راه خدا ... 181

سوم: اجر شهدای جنگ بدر و احد ... 182

چهارم: حضور در خیمه امام عجل الله تعالی فرجه الشریف و خدمتگذاری به حضرتش ... 183

پنجم: ثواب روزه دارِ شب زنده دار ... 183

ششم: زنده شدن هنگام ظهور و دعوت به حضور ... 183

هفتم: جهاد در رکاب حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه الشریف و شهادت ... 184

هشتم: بهره مندی از ثواب کامل عبادات و احکام صحیح واقعی ... 186

نهم: محشور شدن در زمره آل محمد ... 186

دهم: قرار گرفتن در زمره اولیاء و نداشتن حزن و ترس در روز قیامت ... 188

مقصد دوّم وجوب انتظار و شرط آن در قبولی اعمال ... 189

مقصد سوّم معنای انتظار و مقدار واجب آن ... 192

خاتمه: آثار درجه کمال انتظار ... 195

بخش پنجم اشعار فارسی و عربی از آیت الله سید محمّد تقی فقیه احمدآبادی رحمه الله

مقدّمه ... 199

رباعیات در فراق حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه الشریف ... 201

رباعیات در مصائب حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام ... 205

غزلیات در فراق حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه الشریف ... 206

قصیدهٔ شعبانیه در میلاد پر سرور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ... 217

قصیده غدیریّه در مدح حضرت امیرالمومنین علیه السلام ... 219

سایر اشعار ... 223

اشعار عربی در فراق حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ... 230

مقدمه محقّق

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله ربّ العالمين وصلّى الله على سيّدنا محمّد وآله الطاهرين

اين كتاب مشتمل بر سه اثر يكى از مدافعان راستين حريم امامت و مهدويّت، مرحوم علّامه، آيت الله سيّد محمد تقى فقيه احمدآبادى است. اگرچه عمدهٔ شهرت ايشان مرهون تأليف كتاب سترگ و كم نظير «مكيال المكارم في فوائد الدعاء للقائم عليه السلام» است كه نزديک به هجده سال از عمر شريف خود را (1330 _ 1348 ه.ش) صرف نوشتن و تكميل آن كرده اند، امّا پيش از اين نيز با قلم شيواى خود آثار ارزشمند ديگرى در باب «مهدويّت» نگاشته اند.

ايشان رساله اى به نام «وظيفة الأنام في زمن غيبة الإمام» به فارسى نوشته و آن را در دو جزء در سال 1331 و 1332 ه-.ق منتشر نمودند، پس از آن نيز از ايشان سه رسالهٔ فارسى ديگر به نام هاى: «كنز الغنائم في فوائد الدعاء للقائم»، «نور الابصار في فضيلة الانتظار» و «سراج القبورفي فضيلة صلاة الليل» در يک مجلّد در سال 1333ه-.ق به طبع رسيده است كه بر آنها مرجع عالى قدر آن دوران، آيت الله العظمى دهكردى قدس سره تقريظ نگاشته اند.

اين چهار رساله به همّت علّامه محقّق، آيت الله سيّد محمّدباقر موحد ابطحى رحمه الله و تحت اشراف ايشان در مؤسسة الامام

تحقیق، و در یک جلد با نام «چهار رساله» در سال 1387 ه.ش منتشر شد.

از آن جا که سال ها پیش نسخه های این کتاب تمام شده و جای خالی آن برای تشنگان مباحث مهدویّت احساس می شد، علاقه مند شدم تا سه رسالهٔ این کتاب را که در موضوع «مهدویّت» است، به مناسبت ایّام شعبان و میلاد سراسر نور سرور عالم هستی، مولا یمان حضرت بقیةالله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف منتشر کنم؛ امّا با مطالعهٔ دقیق این سه رساله دریافتم که به واسطه تألیف این رساله ها به صورت مستقل و در فواصل زمانی گوناگون، بایستی برای استفاده بیشتر علاقه مندان، هر یک از آن ها را به عنوان بخشی از یک کتاب جدید قرار دهم و علاوه بر ویرایش و تکمیل منابع و مصادر آن، با جابه جایی بعضی مطالب و حذف مکرّرات، سیری منظّم بین مباحث بخش ها و فصل های این کتاب ایجاد کنم.

لذا برخی از فصل های رسالهٔ «وظیفة الأنام» را که درباب دعا و زیارت بود و یا مطالب آن مشترک و تکراری یا مرتبط با موضوع فصل هایی از رسالهٔ «کنز الغنائم» هست به آنجا منتقل شده و یا در مباحث آن ادغام گردید، و نیز فصل هایی از این دو رساله که مرتبط با موضوع انتظار بود در رسالهٔ «نور الابصار» قرار گرفت.

همچنین بعضی ادعیه و زیارات مثل: «زیارت آل یاسین»، «دعای عهد» و «صلوات ضرّاب» که در رسالهٔ «کنزالغنائم» به صورت کامل ذکر شده و طولانی است و شاید خارج از حوصله خواننده باشد، به ذکر ابتدای آن بسنده گردید و ادامه آن به «مفاتیح الجنان» ارجاع داده شد.

علاوه بر این با مقایسه ای که بین این سه رساله با کتاب کم نظیر

«مکیـال المکـارم» از دیگر آثار مهـدوی مرحوم مؤلّف انجام شـد، مطالبی که در موضوعات «وظایف مردم در زمان غیبت»، «فضـیلت و فواید انتظار» و «فواید دعا برای امام زمان علیه السلام» در این دو کتاب آمده بود و مؤلّف، آن ها را در این رساله ها نیاورده بودند، در کتاب حاضـر به صورت خلاصه بیان گردید، و برای مطالبی که تیتروار بیان کرده بودند به ویژه در بخش وظایف و تکالیف شـیعیان، توضیحاتی از «مکیال المکارم» آورده شد که تماماً درعلامت [ ] آمده است؛ لذا می توان این کتاب را خلاصه ای از «مکیال المکارم» برشمرد.

گفتنی است؛ از جمله آثار صاحب مکیال دیوان شعری بوده که متأسفانه مفقود شده است، لذا تمام اشعار فارسی و عربی را که در تألیفات مطبوع و خطی ایشان یافتم ـ که غالباً در فراق حضـرت بقیـة الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشـریف سـروده اند ـ در بخش پنجم این کتاب گرد آمده است.

امیدوارم این اثر که آن را «مشق انتظار» نام گذاردم، مورد توجه و استفاده علاقه مندان به مباحث مهدویّت قرار گیرد.

بر خود لازم می دانم از جناب اقای دکتر محمد حسین ترابیان، استاد ادبیات دانشگاه قم که بنده را در ویرایش بهتر این کتاب یاری نمودند، صمیمانه تشکر نمایم.

در پایان این اثر ناچیز را به حامل پرچم امامت، امید همه انبیا و اوصـیا، مولایم حضـرت بقیة الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشـریف تقدیم می کنم و از پیشگاه رفیعشان عذر خواهم که "إنّ الهدایا علی قدر مُهدیها".

سیّد صدرا موحد ابطحی

قم مقدّس، مدرسة الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، 1446ه-.ق 1404ه-.ش.

دو تفریظ از مرجع عالیقدر آن روزگار

آیة الله العظمی حاج سید ابوالقاسم دهکردی رحمه الله (1353 _ 1372 ه ق)

تقریظ بر کتاب وظیفه الأنام فی زمن غیبة الإمام

بسم الله الرحمن الرحیم

این رسالهٔ شریفه در کمال اعتبار و اتقان است، رجاء واثق آن که عموم شیعیان از انتفاع به آن مسامحه نفرمایند که موجب رضای امام عصر حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا له الفداء است.

السید ابوالقاسم الدهکردي 1331 ه ق

تقریظ بر سه کتاب «کنز الغنائم در فوایـد دعا برای حضـرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشـریف» و «نورالأبصار في فضـیلت الإنتظار» و «سراج القبور»

بسم الله الرحمن الرحیم

این مجموعهٔ شـریفه که مأخوذ از اخبار معتبرهٔ مأثوره از اهل بیت عصمت و طهارت صلوات الله علیهم اجمعین است،بسیار مفید و نافع، و امید است که عامل به آن منظور نظر امام عصر ارواحنا له الفداء باشد.

السید ابوالقاسم الدهکردي 1333 ه ق

بخش اول : سبک زندگی مهدوی

اشاره

گذری بر حیات دلباخته امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

شهید انتظار علامه سید محمد تقی فقیه احمد آبادی رحمه الله

ص: 15

طلوع

آیت الله، علّامه، میر سـیّد محمّد تقی فقیه احمدآبادی ملقّب به افتخار الدین مکنّی به ابوعبدالله در ماه جمادی الأولی سال 1301 ه ق در شهر اصفهان و در خاندانی اصیل که نسل در نسل از رجال و شخصیت های علمی ـ مذهبی بودند، دیده به جهان گشود.

پدرش آیت الله میرزا سـیّد عبدالرزاق فرزند میرزا سـیّد عبدالجواد بن میر سـیّد محمد مهدی بن میر سـیّد قاضـی بن میر سیّد محمد نائب الصدر بن میر محمد تقی موسوی اصـفهانی خراسانی ـوزیر شاه صـفی صـفوی مشهور به شاه سلیمانـ بوده است. میرزا سیّد عبدالرزاق یکی از علمای معروف به اجتهاد و تقوا و از شاگردان شـیخ محمـد باقر نجفی، شـیخ محمد باقر فشارکی و علامه شـیخ محمد تقی هروی بود، و در مسـجد سـراج الملک در محله احمدآباد و مسـجد حرم امامزاده سـیّد اسماعیل ـنواده امام حسن مجتبی علیه السلامـ نیز اقامهٔ نماز جماعت می کرد.(1)

مـادرش فاطمه سادات، بانویی پرهیزگار از سادات خواجویی بود که هنگام زایمانِ سـیّد محمّـد تقی در هجـده سالگی از دنیا رفت و روی سنگ قبرش نوشته شد: «شبیهة جدّتها إسماً وعمراً».

سیّـد عبـدالرزاق سـپس با بانویی پرهیزگار که از سادات خاتون آبادی و فرزنـد میرزا حسـین نائب الصـدر خاتون آبادی (از علمای نامـدار اصـفهان و از شاگردان شیخ مرتضیانصاری و ملّا علی کَنی) بود، ازدواج کرد، و سیّد محمّد تقی در دامان این بانو که از خاندان علم و تقوا بود رشد نمود.

1- . سیّدعبدالرزاق صبح جمعه 28 محرم 1319 ه ق به مرض حصبه رحلت نمود .

استادان

علامه میر سـیّد محمّد تقی در دو خاندان اصـیل احمدآبادی و خاتون آبادی پرورش یافت، و نزد بسـیاری از علمای بزرگ اصفهان و نوابغ علمی نامدار زمان خود تلمّذ کرد و از آن ها اجازه اجتهاد و روایت گرفت، که برخی از آن ها عبارت اند از:

1_ پدر بزرگوارش، آیت الله سیّد عبدالرزاق موسوی،

2 _ فقیه و حکیم نامدار، ملّا محمّد کاشانی معروف به آخوند کاشی، صاحب کشف و کرامات عجیب و اسوهٔ زهد،

3 _ آیت الله آقا شیخ عبدالکریم گزی (جزی)، مجتهد و محقق نامدار و اسوه اخلاق و تواضع،

4 _ آیت الله آقا سیّد ابوالقاسم دهکردی، از مراجع بزرگ تقلید و شاگرد میرزای بزرگ شیرازی و شیخ زین العابدین مازندرانی،

5 _ سیّد محمود حسینی گلشادی، علّامه و ادیب نامدار عصر خویش،

6 _ آیت الله آقا سیّد محمد صادق مدرّس خاتون آبادی،

7_ آیت الله ملّا محمدحسین فشارکی، از مراجع وقت آن دوره،

8 _ آیت الله سیّد محمدباقر درچه ای، از مفاخر حوزه اصفهان و از شاگردان میرزای شیرازی و میرزا حبیب الله رشتی در نجف،

9 _ آیت الله حاج آقا منیر الدین بروجردی، از مراجع دینی و اسطوانه های علمی و از شاگردان میرزای بزرگ شیرازی،

10 _ فیلسوف وعلّامه نامدار، میرزا جهانگیرخان قشقایی،

11 _ آیت الله میرزا بدیع درب امامی،

12 _ آقامیرزا سیّد اسد الله، عمّه زاده و استاد ادبیات ایشان.

کوشش و جدّیت در تحصیل، تألیف و تدریس

از اشـعار ایشان، تاریخ تألیف کتاب ها، اسـتنساخ کتاب های کمیاب، تقریرات دروس اسـتادان و آثار علمی و تألیفاتی که از آیت الله فقیه احمدآبادی به زبان فارسـی و عربی بر جای مانده، به خوبی جدّیّت، کوشش و تلاش خستگی ناپذیر آن بزرگوار در فراگیری دروس مختلف ادبیـات، بلاـغت، فقه، اصول و... و پیمودن مسـیر علم، اجتهاد و تحقیق معلوم می شود، به گونه ای که از همان نوجوانی بسـیاری از متون مشـکل ادبی و غیر آن را می خواند و می فهمید. ایشان در پایان یکی از آثار مخطوط خود به نام «تحفة المتأدّبين في شـرح هداية الطالبين» می نویسند:

«پس از اسـتفاده از محضـر برخی علما در فنون ادبی، هرچه را در کتب مختصـر و مفصّل این فنّ می دیـدم، می فهمیـدم و دیگر نیازی به تعلّم و تلمّذ و تدرّس نمی دیدم.»

شاهـد صـدق این نوشـتار، تاریخ تألیف آثار ایشان است که آن را ثبت کرده اند، چنان که کتاب «شـرح نصاب الصّبيان» را در ده سالگی، «ایضـاح الشّـبهات فی الفروق بین المشـتبهات» را در پـانزده سـالگی، «أنيس المتفرّدين» را در هفـده سـالگی، «محاسن الأدب في دقائق الأعـاريب» را در نوزده سـالگی و کتـاب بی نظیر «ابواب الجنان في آداب الجمعات» را در 25 سالگی نگاشـته اند، و پس از تألیف کتاب های دیگری، در سی سالگی شروع به نوشتن کتاب بی بدیل «مكيال المكارم» نموده اند.

همین جدّیت، پشتکار و کوشش فراوان در فعالیت های علمی سبب گردید در سال 1334ه .ق، در 33 سالگی، مرجع تقلید وقت، مرحوم آیت الله العظمی سیّد ابوالقاسم دهکردی به ایشان اجازه اجتهادی

بسیار بلند و نیز اجازه روایت دهند و آن مرد الهی را با چنین القاب برجسته ای خطاب نمایند:

«وممّن وجدناه في قرننا هذا سالكاً مسلک الرشاد، وناهجاً منهج السداد، ناشر الأخبار الائمّة المعصومين، متفقّهاً في الدين، جناب العالم العامل، والفاضل الكامل، الجامع للكمالات النفسانيّة، والحائز للمراتب الإيمانيّة، المهذّب الصفّي، والألمعي الزكي، أخونا وصديقنا «الحاج ميرزا محمّد تقي» أدام الله تأييده، فإنّا قد وجدناه بعد قرائة علينا شطراً من المباحث الأصولية والمسائل الفقهيّة صاحب الذّهن الوقّاد والفهم النقّاد، وجودة القريحة، والسليقة المستقيمة، خارجاً عن ذلّ التابعة إلى عزّ الإستقلال، وبالغاً مرتبة الإجتهاد، مروّجاً للدين، ناشراً للأحكام سيّد المرسلين، مفخراً للسادة العلويّة، إفتخاراً للشيعة الإماميّة، لازال سحاب فضله ممطاراً على المستفيدين والمستهدين، ثمّ إنّي أجزته أدام الله أيّامه أن يروي عنّي الكتب الأربعة التّي...»

از دیگر فعّالیّت های علمی صاحب مکیال تدریس ایشان است که با هوش و ذکاوت سرشار خویش از ابتدای جوانی با تدریس در رشته های حدیث، فقه، اصول و ادبیات به تربیت طلّاب پرداخته و فضلای بسیاری را تربیت کرده اند که از آن جمله می توان به میرزا محمّد علی حبیب آبادی، آیت الله سیّد مرتضی موحّد ابطحی، آیت الله شیخمصطفی موحد محمّدی، آیت الله شیخ محمد یزدی، حسین عمادزاده و ... اشاره کرد.

ص: 19

طبع شعر

علّامه فقیه احمدآبادی دارای طبع شعر ملیح بود، و از همان جوانی به زبان فارسی و عربی اشعاری پر مغز می سرود و دیوان شعر ایشان از یادگار های آن بزرگ مرد می باشد (1).

ایشان در سوگ پـدرشان که در هجده سالگی او را از دست داده اند، در پایان کتاب «توضـیح الشواهد» به تاریخ ماه رجب 1319ه .ق می نویسند:

«در اینجا ختم می نمایم کلام را و قطع می کنم مرام را در حالتی که کوه های انـدوه و غم های انبوه، مصـیبت بر مصـیبت افزایـد و چیزی عقده دل نگشاید. فراق دوستان، غم افزای جان و مرگ پدر مهربان، درد بی درمان، و اینچند بیت شعر را در این مصیبت عُظمی گفته ام:

دریغ و درد ز رفتار چرخ کج رفتار *** که نیست شیوهٔ او جز جفا و جز آزار

دلی نماند که نشکست از غم و اندوه *** گُلی نماند که مقرون نشد به صد خس و خار

هزار جان مقدّس، حزین نمود ز هجر *** ز ماتم و غمِ آن فخر جملهٔ اخیار

خدای صبر دهد، ز آن که دل ندارد تاب *** خدای اجر دهد، هر که شد بر او غم خوار

1- . این دیوان مشـتمل بر اشـعاری در موضوعات اخلاقی، تفسیری و فضایل و ذکر مصائب خاندان عصمت و طهارت است، لکن عمده اشـعارشان در سوز و فراق امام زمان علیه السـلام می باشد. تلخّص شعری ایشان «تقی» و «شرعی» بوده، و بعضی از این اشعار در بخش پنجم این کتاب ذکر شده است.

تألیفات

1. ابواب الجنّات في آداب الجمعات (فارسی): مؤلّف هدف از نگارش آن را غفلت اهل زمان از فضایل، وظایف و اعمال شب و روز جمعه برشمرده، و چون اعمال و روایات این روز در کتب قدما متفرّق بوده، خواسته آنها را در این کتاب با اسلوبی بدیع جمع نماید.

2. ایضاح الشبهات في الفروق بین المشتبهات (فارسی): در این کتاب به تفاوت کلماتی که از حیث معنا شباهت دارند پرداخته شده؛ مثل: نیّت، عزم و اراده.

3. تذکرة الطّالبین في آداب المتعلّین (فارسی): دربردارندهٔ بیش از دویست بیت مثنوی است که در 1319ه-.ق بنا بر درخواست میرزا احمد ادیب جواهری کتاب «آداب المتعلّمین» خواجه نصیر طوسی را به نظم در آورده است.

4. توضیح الشواهد (فارسی): در شرح اشعار کتاب «بساتین الجنان».

5. شرح مختصر بر کتاب تصریف (فارسی): در علم صرف.

6. شرح کتاب نصاب الصبیان (فارسی): در علم لغت.

7. ضیاء المنیر في شرح صرف میر(فارسی).

8. کتاب المنابر(فارسی): شامل بحث های اعتقادی و دینی.

9. أنیس المتفرّدین و مصاحب المتجرّدین (فارسی): این رساله، کشکول یا جُنگی است که در بردارندهٔ نکات مهم علمی، ادبی و تاریخی می باشد.

10. مراد الطالب في المواعظ و المصائب (فارسی): مشتمل بر مواعظ و مصائب ائمّه اطهار علیهم السلام که مجلس مجلس است.

11. کنزالغنائم في فواید الدعاء للقائم (فارسی).

12. وظيفة الانام في زمن غيبة الامام (فارسی).

13. نورالابصار في فضيلة الانتظار (فارسی).

14. سراج القبور در آداب نماز شب (فارسی).

15. ديوان اشعار (فارسی و عربی).

16. آداب صلاة الليل (عربی).

17. بساتين الجنان في المعاني و البيان (عربی): در علم معانی و بيان.

18. تحفة المتأدّبين في شرح هداية الطّالبين (عربی): در علم نحو.

19. ترغيب الطّلّاب في شرافة علم النّحو (عربی): در علم نحو.

20. تعادل و تراجيح (عربی): در علم اصول فقه.

21. رساله ای در تفسير آياتی از قرآن (عربی).

22. حواشی بر كتاب مطوّل (عربی): در علم معانی و بيان.

23. محاسن الأديب في دقايق الأعاريب (عربی): در علم نحو.

24. تعليقات بر كتاب خصائص الحسينيّه مرحوم شوشتری (عربی).

25. مكيال المكارم في فوائد الدّعاء للقائم (عربی):

مشهورترين و مبسوط ترين كتاب مؤلّف است به گونه ای كه همه او را به «صاحب مكيال» می شناسند. ايشان در مقدّمه اين كتاب در انگيزۀ تأليف آن می نويسند:

«بهترين امور در زمان غيبت آن حضرت، انتظار فرج آن بزرگوار و دعا كردن برای تعجيل فرج او و اهتمام به آن چه مايه خشنودی آن جناب و مقرّب شدن در آستان اوست.

در باب هشتم كتاب «ابواب الجنات في آداب الجمعات» هشتاد و چند فايده از فوايد دنيوی و اخروی دعا كردن برای فرج حضرت را

ذکر کرده ام، پس به فکر افتـادم کتاب دیگری در این باره بنگارم که آن فوایـد را در بر گیرد ولی حوادث زمان و ناراحتی های پی در پی مانع از انجام این کار می شد تا این که کسـی را در خواب دیدم که با قلم و سـخن نتوان توصیف کرد؛ یعنی مولا و حبیبِ دلِ شکسته ام و امامی که در انتظارش هستم، او را دیدم که با بیانی روح افزا و هیجان انگیزتر از صدای بلبل به من چنین فرمودند:

"این کتاب را بنویس، عربی هم بنویس و نام آن را بگذار: مکیال المکارم في فوائد الدّعاء للقائم".

همچون تشنه ای از خواب بیدار و در پیِ اطاعت امرش شدم ولی توفیق یاری ام نکرد تا این که در سال گذشته (1330 ه.ق) به مکّه معظّمه سفر کردم و چون آن جا را مرض وبا گرفت، با خداوند عهد کردم، هرگاه مرا از مهلکهنجات دهد و سالم به وطن بازگردم، تألیف این کتاب را شروع کنم، پس خداوند بر من منّت نهاد و مرا به سلامت باز گرداند.»

مرحوم علاّ مه در این کتـاب بـا صـدها دلیل عقلی و نقلی ثابت کرده که دعا برای امام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشـریف از مهم ترین وسایل رسیدن به مراحل عالی کمال، و نیل به درجات برجسته معنوی، افزون بر آثار دنیوی است.

ایشان صدها حدیث مسـتند از منابع معتبر پیرامون ضرورت شناخت حضرت بقیّة الله، غیبت، ظهور، انتظار، سیره و سایر شؤون مربوط به آن حضـرت را آورده، و بیش از یکصـد و بیست علّت برای لزوم دعـا برای آن حضـرت ذکر کرده است، به گونه ای که چنین کتـابی در این موضوع در باب معارف امامت و مهدویّت بی سابقه و بی نظیر است، لذا مورد توجّه علما و دانشمندان و عموم اقشار مؤمنان امام

زمـان عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف قرار گرفته است که نوشـتار و بیانـات صاحب نظرانی چون: مرحوم آیت الله حاج آقا بزرگ تهرانی (صاحب الذّریعه)، مرحوم آیت الله العظمی صافی گلپایگانی و دیگر شخصیّت های علمی دربارهٔ این کتاب تأیید این مطلب است. و این موفقیّت نیست مگر به برکت عنایتِ حضـرت بقیّة الله الأعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف به مرحوم علّامه وفرمانی که آن حضرت برای نوشتن کتاب «مکیال المکارم» صادر کرده بودند.

مؤلّف از 1331 تا 1348 ه.ق مشـغول نوشـتن این کتاب بوده، امّا موفق به تمام کردن آن نمی شوند و نوشـتن بخش خاتمهٔ کتاب باقی می ماند (1).

ایشان در آخرین صفحه این کتاب می نویسند:

«و در این هنگام؛ یعنی ماه جمادی الثّانیـهٔ سال هزار و سـیصد و چهل و هشـتم از هجرت مبارک نبوی تصـمیم گرفته ام، به منظور زیارت مشاهـد ائمّه اطیـاب علیهم السـلام به عراق سـفر کنم، و از خداونـد می خواهم که مرا در راه مقصودم به طور کامل توفیق دهـد، و پس از بازگشت از سفر، مرا برای تمام کردن این کتاب موفّق گرداند، بمنّه وکرمه إنّه هو العزیز الوهّاب.»

این جمله هـا، آخرین نوشـتهٔ مؤلّف است، زیرا در اواخر شـعبان همان سال از سـفر برگشـته و در رمضان با زهر کین دشـمنان به شـهادت رسیدند.

1- . صاحب مکیال، همانگونه که در لا به لای بخش های هشـتگانه این کتاب اشاره دارند، قصد داشته اند مباحثی چون: فضلیت زیارت کردن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و چگونگی آن، عریضه نویسی وعرض حاجت به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و اجابت خواسته های مردم با این کار، امکان تشرف به محضر حضرت در زمان غیبت و قضایای افرادی که توفیق تشرف یافته اند، و وجوه تشبیه امام در زمان غیبت به خورشید پشت ابر و... را در بخش خاتمه بیاورند.

فضایل اخلاقی

صاحب مکیال علاوه بر هوش سرشار و پشتکار و جدّیّت در تحصیل، تألیف، تدریس و امامت جماعت و هدایت مردم دارای حُسن خُلق، طبع بلند، سجایا و فضایل اخلاقی والایی بودند که شخصیّت ایشان را ممتاز کرده بود.

زندگی زاهدانه، بی توجّهی به زرق و برق دنیا و صبر در برابر ناملایمات از ایشان شخصیّتی مقاوم و عالمی مجاهد ساخته بود.

آیت الله میرزا محمد علی حبیب آبادی که سال ها با مرحوم علّامه حشر و نشر داشته، در کتاب «مقالات مبسوطه» درباره آن بزرگوار می نویسد:

«او از علمای بزرگ و سادات سترگ اصفهان و مجتهدی مسلّم بود. همواره از میان سایر اشتغالات به جمع اخبار و آثار وارده درباره حضرت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اشتغال داشت، و همه روزه بذر فرج و انتظار ظهور آن جناب را در مزرعه آمال و آروزی خود می کاشت. او در مدّت عمر قلیل به وضعی فقیرانه سلوک می کرد و چندین سفر که به مکّهمعظّمه و عتبات عالیات رفته بود نیابت از دیگران داشت، تا ماه رجب سال 1348ه.ق ملک جزئی هم که داشت فروخت و به کربلا رفت».

از مرحوم حاج شیخ محمّد رضا صالحی جویباره ای که ایشان را دیده، نقل شده:

«مرحوم آیت الله فقیه احمدآبادی و عدّه ای از علمای معاصر و هم دوره ی ایشان جلسه ای دوره ای داشتند که در آن مباحث علمی و

اخلاقی بیان می شد و من هم شرکت می کردم، و این جلسه هر هفته در منزل یکی از آن ها تشکیل می شد. یکی از این هفته ها، جلسه نوبت آیت الله احمدآبادی بود که پس از بحث و مذاکرات متعدّد با این که پاسی از شب گذشته بود امّا خبری از شام نشد. بعضی اشاره به این مطلب کردند، و ایشان فرمودند: به جدّم قسم هیچ چیز در خانه نیست و فقط مقداری نان خشک در طاقچه داریم، لهذا همان را آوردیم و آب زدیم و خوردیم.»

آری، این مطلب بیان شاهدی بر صبر و زهد علمای آن دوره دارد.

صاحب مکیال افزون بر آن که مادرش را به هنگام ولادت و پدرش را در جوانی از دست داده بود، به غم مرگ عزیزانش نیز مبتلا شد و سبب شد تا همسرش به ناراحتی های جسمی و روحی گرفتار شود و تا مدّت ها ازاو مراقبت بنماید؛ امّا در برابر همهٔ این مشکلات صبر کرد و دست از تدریس و تألیف و فعّالیّت های دینی و اجتماعی نکشید.

ایشان در پایان یکی از آثار خود که تاریخ تولّد سه فرزند خود را ثبت کرده، می نویسند:

«بسم الله الرّحمن الرّحیم. کلّ نفس ذائقة الموت، منّت خدای را عزّوجل که این عاصی را در زمرهٔ اهل بلا قرار داد و در هشت روز، سه فرزند ارجمند را به جوار رحمت خود واصل نمود، به تاریخ دهم شهر صفر سنه 1325ه.ق بیگم آغا از دنیا رفت، و در شب شنبه پازدهم همین ماه فرزند کوچک، معین الدّین به همشیرهٔ خود ملحق گردید، و در روز سه شنبه، هجدهم همین ماه فرزند دیگر، آقا سیّد محمّد به برادر و خواهر خود ملحق شد. اللّهم اجعلني تابعاً لمرضاتك وزدني صبراً و أجراً برحمتك يا أرحم الرّاحمين».

توسّلات و مناجات سحری

مناجات سحری، ناله ها و سوز و گدازهای شبانه، انجام ختومات، تقیّد به خواندن ادعیه و اذکار، توسّلات به ائمهٔ معصومین علیهم السلام به ویژه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیگر احوال معنوی ایشان بود، از این رو می بینیم آن بزرگوار در راستای ادای رسالت خویش برای تعلیم و تربیت مؤمنان وتشویق و تعالی آن ها، کتاب «سراج القبور» در فضایل نماز شب را نوشتند. و در دل همین شب ها و مناجات های سحری و گریه در فراق مولایش، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده که توفیق سرودن اشعاری پر مغز و دلنشین را یافت، چنان که در کتاب «مکیال المکارم» می نویسند:

«از جمله اشعاری که در بعضی از این سحری ها به نظرم افتاد در خطاب به صاحب خانه و امام منتظرِ غایب از چشم ها، در درد هجرانش، این اشعار است:

مِنْ هِجْرَ یا حَبیب قَلْبي قَدْ ذَابَ *** أُنْظُرْ نَظَراً إلَيَّ يَابْنَ الْأَطْيَاب

إنْ غِبتَ لِذَنْبِنا فتُبنا تُبنا *** أوْ خِفْتَ مِنَ الْعَدیٰ فَما لِلْأَحْبَاب

اَلْجَوْرُ فَشا عَلَى الْمُحِبّينَ فَقُمْ *** يا مُنْتَقِماً بِأمْرِ رَبِّ الْأَرْبَاب

از هجران تو ای حبیب، دلم آب شد، ای فرزند پاکان، به من نگاهی کن.

اگر به خاطر گناهان ما غایب شده ای، توبه می کنیمتوبه، و اگر از ترس دشمنان است، پس ما دوستان تو چه کنیم؟

ستم بر دوستان شیوع یافت بپاخیز، ای انتقام گیرنده به فرمان پروردگار!

یاد و ترویج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، سبک زندگی صاحب مکیال

امّا آنچه صاحب مکیال را ممتاز ساخته و به زندگی ایشان رنگ و بوی دیگری داده، عشق بی پایان به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بود که با زبان و قلم و توسّلات و حالات روحی اش، با تمام وجود به حضرتش عرض ادب و ارادت می نمود.

آن مرد شب زنده دار منتظر راستین مولایش بود، نه از آن دسته افرادی که فقط در مشکلات به حضرت متوسّل شوند، یا برای رسیدن به درجات عالی به حضرت توجّه کنند، ایشان وجود حضرت بقیّةالله عجل الله تعالی فرجه الشریف را با عمق جان دوست داشت، و شبانه روز با یاد ایشان به سر می برد و با نام آن حضرت آرام می گرفت.

از مرحوم آیت الله، حاج سیّد مصطفی مهدوی که از علما و مدرّسان بزرگ حوزه اصفهان بوده اند، نقل شده:

«هنگامی که آیت الله فقیه احمدآبادی وارد مدرسهٔ جدّه بزرگ می شدند، چهرهٔ ایشان همه را به یاد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می انداخت، و در صورت ایشان نورانیّتی امام زمانی مشاهده می کردیم.»

مرحوم میرزا محمد علی حبیب آبادی نیز که از هم دوره های ایشان است در کتاب خود به نام «مکارم الآثار» دربارهٔ ایشان می نویسد:

«سیّدی نجیب و فقیهی ادیب و از علمای برجسته اصفهان بود، خط ملیح و به غایت زیبایی داشت و شعرهای خوبی می گفت، بسیاری از مردم در نوشتن عریضه برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و خواندن زیارت عاشورا به او معتقد بودند...».

و شاید همین توسّلات و عریضه نوشتن های هفتگی ایشان به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بود که سبب شد، بارها به خدمت آن حضرت تشرّف پیدا کند و برایش مکاشفات و رؤیاهای شگفت حاصل شود که چند نمونه را عرض می کنیم:

ایشان در کتاب «مکیال المکارم» می نویسند:

برای بنده گنه کار واقعه ای وقوع یافت و آن اینکه: سه سال پیش از تألیف این کتاب، قرض های زیادی به عهده ام بود که توان پرداخت نداشتم. پس در یکی از شب های ماه رمضان به امام زمان و پدرانش علیهم السلام متوسّل شدم وحاجتم را ذکر کردم، و بعد از طلوع آفتاب که از مسجد مراجعت نمودم، خوابیدم. آن حضرت در خواب فرمودند: "قدری باید صبر کنی تا از مال دوستان خاصّ خود بگیریم و به تو برسانیم." خوشحال از خواب بیدار شدم و فضا را معطّر یافتم و چون مدّت کوتاهی نگذشت، یکی از برادران که او را به صلاح و خوبی می شناختم و از وی نسیم دل انگیز می شنیدم، به نزد من آمد و مبلغی داد و گفت: این سهم امام علیه السلام است، پس خیلی خوشحال شدم و با خود گفتم: { هذا تَأْویلُ رُؤْیایَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَها رَبِّي حَقًّا }[(1)]». [(2)]

ایشان در همین کتاب پس از نقل دعایی از امامصادق علیه السلام[(3)] _که

1- . سورهٔ یوسف، آیه100.

2- . ترجمه مکیال المکارم: 1/190.

3- . دعا این است: «اَللّهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اَللّهُمَّ اِنَّ الصّادِقَ الْأَمِینَ عَلَیْهِ السَّلَامُ [اَللّهمّ إنّ الصّادق المصدّق محمّداً صلی الله علیه وآله و سلم] قَالَ: إِنَّكَ قُلْتَ: مَا تَرَدَّدْتُ فِي شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ كَتَرَدُّدِي فِي قَبْضِ رُوحِ عَبْدِيَ الْمُؤْمِنِ يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَ أَكْرَهُ مَسَاءَتَهُ. اَللّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ لِوَلِيِّكَ الْفَرَجَ وَ الْعَافِيَةَ وَ النَّصْرَ، وَ لَا تَسُؤْنِي فِي نَفْسِي وَ لَا فِي أَحَدٍ مِنْ أَحِبَّتِي» (سپس اگر می خواهی، دوستانت را یکی یکی یا به صورت کلی و دسته جمعی نام ببر).

هر کس آن را بعد از هر نماز واجب بخواند، در عالم خواب یا بیداری به محضر حضرت بقیة الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف مشرّف می شود_ می نویسند:

«بدان که من از اوّل تکلیف، بر خواندن این دعا مداومت داشته ام و در سه نوبت تاکنون [در زمان نوشتن این بخش از کتاب] در عالم رؤیا به ملاقات آن حضرت شرفیاب شده ام و آن چنان بوده که یقین پیدا کرده ام آن حضرت، مولایم حضرت صاحب الزّمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده اند. یکی از آن سه بار این که:

شبی در خواب دیدم آن حضرت _در حالی که یکی از پیامبران بنی اسرائیل با ایشان بود_ به خانه ای که در آن ساکن هستم، وارد شدند و در آن اتاق من که به سمتقبله است تشریف آوردند و امر فرمودند که مصائب مولای شهیدمان، حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام را بخوانم.

پس امر مطاعَش را امتثال کردم، و آن جناب رو به روی من درحالی که گوش می دادند، نشستند، و چون ذکر مصیبت را به پایان بردم، رو به سوی کربلا کردم و زیارت نامه حضرت سیّد الشهداء علیه السلام را خواندم، سپس به سمت طوس زیارت نامه حضرت ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیهما السلام را خواندم، آن گاه رو به سوی حضرتش کردم و زیارت مولایم حضرت بقیة الله الاعظم را خواندم.

چون تمام این ها را به پایان بردم و آن حضـرت خواستند تشریف ببرند، آن پیامبری که با آن جناب بود از سوی آن بزرگوار وجهی به من داد که مبلغ آن را نمی دانم و از نظر غایب شدند.

فردای آن شب که از روز بهـتر بـود و از خورشـید درخشـنده تر، یکی از علمـای بزرگـوار را ملاقـات کردم و او مبلـغ خـوبی به من داد که همچون باران بهاری پر برکت بود، پس گفتم: این است تأویل خوابی که پیش تر دیـدم و خداوند آن را تحقّق بخشـید. علاوه بر این، پس از این خواب آن قـدر برکت هـای بـاطنی و علوم کامـل پنهـانی و مـدارک ایمـانی و الطـاف ربّـانی به من عنایت شـد که زبانم از بیانآن قاصـر است».(1)

مرحوم علاّ مه در ضـمن عباراتی، اشا راتی لطیف به تشـرّفات خود در بیـداری نیز دارنـد، چنان که در جلـد دوّم «مکیال» در بخش امکان تشـرّف در عـالم بیـداری خـدمت آن حضـرت و نقـل دعاهـایی در این زمینه، می نویسـند: «وقـد اتّفـق لي و لبعض الأخیـار مـا هو من الأسرار»(2) یعنی به یقین اتّفاق افتاده است برای من و بعضی از نیکان آن چه را که از اسرار است.

1- . مکیال المکارم: 1/426.

2- . مکیال المکارم: 2/424.

بنیان گذار جشن نیمه شعبان

از دیگر فعالیت های آن مرحوم، فرهنگ سازی برپایی جشن و سرور عمومی به مناسبت ایّام ولادت حضرت ولیّ عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بود و در این مسیر بسیار تلاش نمودند. بامردم و بازاری ها و کسبه صحبت می کردند تا نیمه شعبان مقابل خانه ها و مغازه های خود پارچه های رنگی نصب کرده و آذین بندی و چراغانی کنند و در حدّ توان خود نُقل و شیرینی پخش نمایند تا بدین وسیله شهر نورانی شود و رنگ شادی و جشن بگیرد و شمع امید به وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در دل مردم روشن بماند.

از ایشان نقل شده که فرموده بودند: «چراغانی نیمه شعبان را من رواج دادم و به همه گفته ام: چرا حکومت برای تولّد شاه مملکت جشن بگیرند ولی ما برای تولّد حجّت خدا، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که همه کارهٔ عالم هستند، جشن نگیریم؟»

از این رو، ایشان در مجموعه تاریخی _ مذهبی مسجد شعیای نبی علیه السلام و آستان مقدس امامزاده اسماعیل علیه السلام و مدرسهٔ جنب آن _ که محلّ اقامهٔ نماز جماعت و تدریس و سخنرانی ایشان بود _ جشن می گرفت و علما و مؤمنان را دعوت می نمود، و شب ها دربارهٔ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف سخنرانی می کرد و منبرها و فعّالیّت هایش، همه بر محور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بود، و به طلبه ها و شاگردان و اطرافیان خود سفارش می کرد تا محور منبرهایشان را امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار دهند، نه آن که فقط در آخر به یک دعا یا اشاره ای بسنده کنند. از این نظر می توان ایشان را بنیانگذار جشن های نیمه شعبان دانست.

ص: 32

شهادت صاحب مکیال

سرانجـام آن عـالـم و فقیه بزرگ و فرزانه در 1348 ه.ق هنگـامی که از سـفر عتبـات باز گشت، دچار بیماری فتق شـده و برخلاف میل آن بزرگوار، بنا به اصـرار عدّه ای به بیمارستان انگلیسی ها در اصفهان که از نظر امکانات درمانی مجهّز بوده، برده می شوند، امّا متأسّفانه بعداً معلوم می گردد که رئیس بیمارستان، شخصی بهایی و ضدّ امام زمان علیه السلام، مشهور به سرّ الله خان بوده است.

از فرزنـدان و دامـاد وارسـتهٔ ایشـان، مرحوم آیت الله حاج سـید مرتضـی موحّـد ابطحی رحمه الله نقل شـده: «در شب بیست و پنجم ماه رمضـان به یکبـاره سـرّ الله خان وارد شـد و همه دامادها و فرزنـدان را که دور ایشان بوده انـد از اتاق بیرون کرد، و با این که بیماری ایشان خطرناک نبود و حال عمومی ایشان خوب بود، بعد از خروج سرّ الله خان وقتی به اتاق مراجعه می کنند، می بینند حال آن بزرگوار دگرگون شده است.

در این هنگام صدای ایشان شـنیده می شود که می فرمودند: قرار است امیرالمؤمنین علیه السلام تشریف بیاورند در حالی که این شعر خود را دربارهٔ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف زمزمه می کردند:

گر بشنوم ظهور تو را بعدِ مُردنم *** از شوق زیر خاک بِدرَّم به تن کفنم

و در آخرین لحظات حیاتشان از ایشان شنیده شد که مرتّب می گفتند:

حبيبي يا حسين، نور عيني يا حسين».(1)

1- . شهدای روحانیّت شیعه در یکصد سال اخیر: 2/ 62 _ 64.

و سـرانجام آن عـالم ربّانی و دلباخته امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف در شب سه شـنبه 25 رمضان 1348 ه.ق، مصادف با 16 اسفند 1308 ه- .ش دو ساعت و نیم بعد از مغرب ندای {يا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّة * ارْجِعي إِلى رَبِّكِ راضِيَةً مَرْضِيَّةً * فَادْخُلي في عِبادي * وَ ادْخُلي جَنَّتي} را لبّیک گفته و در مسـیر خدمت به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و انتظار مولایشان به شهادت رسیدند، و در قطعهٔ لسان الأرض قبرستان مشهور تخت فولاد اصفهان نزدیک قبر پدر بزرگوارشان به خاک سپرده شدند.(1)

1- . در نوشـتن این زندگی نامه علاوه بر مطالعه آثار مخطوط مؤلّف، از سه اثر: دانشـنامه تخت فولاد اصفهان و رساله آثار التقوی و کتاب آشنایی با شخصیت دلباختهٔ امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، آیة الله فقیه احمدآبادی رحمه الله نیز استفاده شده است.

بخش دوم : وظایف ما در عصر غیبت

اشاره

ص: 35

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله ربّ العالمین والصلاة والسلام علی خاتم المرسلین وآله المعصومین ولاسیّما إمام زماننا خاتم الوصیّین، ولعنة الله علی أعدائهم أجمعین أبد الآبدین.

امّا بعـد، غریق آمال و امانی، محمّد تقی بن عبدالرزّاق الموسوی الاصـفهانی عفی الله تعالی عنهما به عرض برادران ایمانی می رساند که: حقیر در این مختصـر، جمله ای(1) از اعمـالی را که وظیفه مؤمنین است در زمـان غایب بودن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف، حضـرت حجّة بن الحسن العسـکری صـلوات الله علیه ، جمع نمودم. سـزاوار است مؤمنین مواظبت به آن ها داشته باشند و دستورالعمل خود قرار دهند.

و آن را کتاب «وظیفة الأنام في زمن غیبة الإمام»(2) نامیدم.

امید که منظور نظر مبارک آن سَرور گردد ان شاءالله.

1- . مرحوم علامه، در کتاب «وظیفـة الأنام» پنجاه و چهار وظیفه را به صورت خلاصه و گاهی تیتروار بیان کرده و هیچ توضـیحی برای آن نداده اند که با مراجعه به کتاب «مکیال المکارم» توضیحات کامل در عین حال مختصر و مفیدی را اضافه نمودیم، و سایر وظایفی را که در کتاب مکیال المکارم بیان نموده اند در اینجا ذکر کرده و آن ها را به هفتاد وظیفه رساندیم و برای فهم بهتر، آن ها را دسـته بندی کرده و ذیل یک عنوان شاخص و در دو فصل وظایف فردی و وظایف اجتماعی آورده ایم.

2- . در این کتاب، ترجمه فارسی آن «وظایف ما در عصر غیبت» به عنوان نام این بخش قرار داده شد.

فصل اول : وظایف فردی نسبت به امام زمان علیه السلام

اشاره

ص: 37

3-1. وظایف عقل

اول : شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و ویژگی های آن حضرت

[دلیل عقلی بر وجوب این تکلیف: آن حضرت علیه السلام امامی است که اطاعت از او واجب است، و هر کس اطاعت از او واجب شد، بـایستی او را به نـام و نسب شـناخت، و نشـانه ها و ویژگی های خاصّ او را که در روایات آمـده، دانست تا بـدین وسـیله مـدّعیان دروغین مهدویّت و نیابتِ از آن حضرت را بشناسد، و هلاک و گمراه نگردد.

اما دلیل نقلی: امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«همانـا بهترین، واجب ترین و مهم ترین فرایض، شـناخت پروردگار و اقرار به بنـدگی اوست... سـپس شـناخت فرسـتاده اش و گواهی به پیامبرانش و... و بعد از آن شناخت امام است با نعت و صفت ونامش، زیرا اوست که در حالِ سختی و راحتی به او اقتدا می کنی.»(1)

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام به زراره فرمودند:

امام خودت را بشناس، که اگر او را شناختی به تو زیان نرسد.(2)

شیعه و سنّی نیز از پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم به صورت متواتر نقل کرده اند و بر صحّت آن اجماع دارند که آن حضرت فرمودند:

«هرکس بمیرد در حالی که امام زمان خود را نشناخته باشد، به مرگ جاهلی مرده است». (3)]

1- . تفسیر البرهان: 2/ 34 ح 3.

2- کافی: 1/371.

3- . کافی: 1/371.

دوم : کسب معرفت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

[همانا بر شیعیان لازم است به دنبال کسب معرفت حضرت حجت علیه السلامباشند، و دائماً از خداوند بخواهند، معرفت امام زمانشان را به آنان روزی نماید، و این از مهم ترین وظایف است.

ابوبصیر می گوید:

از امام صادق علیه السلام دربارهٔ آیه {وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا}(1) «هر کس به او حکمت داده شود، خیرِ بسیار به او داده شده» سؤال کردم که منظور از حکمت چیست؟

حضرت فرمودند: «طاعت خداوند و معرفت امام علیه السلام.»(2)

پس معرفت امام، کلید تمام ابواب خیر، سعادت و رحمت است و خداوند بندگان را امر فرموده، معرفت او را تحصیل نمایند. البته معرفت امام علیه السلام وسایل و مقدّماتی دارد؛ مانند: بررسی معجزات، سیرهٔ رفتاری، سبک زندگی و اخلاق، شناختِ صفات، مقامات، درجات و علوم امام و یادگیری روایات آن ها؛ لکن معرفت حقیقی به امام علیه السلام ازساخته های خداوند است، یعنی حضرت حقّ به هر کس به اندازه ظرفیتش معرفت امام را عطا می کند. و منافاتی نیست بین اینکه مؤمن به دنبال مطالعه و تحصیل معرفت باشد، و در عین حال برای حاصل شدن معرفت به امامش دعا کند؛ مثل: رزقی که باید بندگان برای کسب آن تلاش کنند در عین آن که رزق را خداوند عطا می کند. پس تلاش برای تحصیل معرفت وظیفهٔ بنده و به ثمررساندن آن بر عهدهٔ خداوند است.]

1- . سوره بقره: آیه269.

2- . اصول کافی: 1/ 185.

و بسیار سفارش شده، این دعا که در کسب معرفت امام زمان علیه السلام از حضرت صادق علیه السلام روایت گردیده، خوانده شود:

زراره می گوید: شنیدم از امام صادق علیه السلام که می فرمودند:

«برای قائم ما پیش از آن که قیام کند غیبتی خواهد بود. اوست مُنتَظَر (انتظار کشیده)، اوست که مردم در ولادتش شک کنند. بعضی از مردم می گویند: او در شکم مادر مرده است، بعضی می گویند: اصلاً متولّد نشده، این نیست مگر آن که خداوند می خواهد شیعیان را امتحان کند و در آن هنگام است که مردم به تردید می افتند.»

پرسیدم: اگر آن زمان را درک کردم، چه کنم؟

حضرت فرمودند: «بر این دعا مداومت کن»:

اَللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَ فَإِنَّ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَکَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّ.

اَللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَ فَإِنَّ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَکَ.

اَللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَ فَإِنَّ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي.(1)

یعنی: خدایا، خودت را به من بشناسان، زیرا اگر خودت را نشناسانی، پیامبرت را نخواهم شناخت. خدایا، فرستاده ات را به من بشناسان، زیرا اگر پیامبرت را به من نشناسانی، حجّت و ولیّت را نخواهم شناخت. خدایا، حجتت را به من بشناسان، زیرا اگر حجّتت را به من نشناسانی، از دین خود گمراه شوم.

1- . کمال الدین: 2/342.

[سوم: شناختن علامت های ظهور و نشانه های آخر الزمان

بنابر دلایل عقلی و نقلی، شناختن علامت های ظهور به ویژه علائم حتمی، از دیگر وظایف شیعیان است، زیرا روی آوردن به آن حضرت و بیعت با ایشان هنگام ظهورشجز با علم به ظهور امکان پذیر نیست، و این علم به سبب آشکار شدن علامت های حتمی که ذکر شده، حاصل می شود. ائمه طاهرین علیهم السلام نیز این علائم را بیان کرده اند تا مدّعیان دروغین معلوم شوند و افراد به دنبال گمراه کنندگانِ ملحد نروند و مرتد و گمراه نگردند.

امام صادق علیه السلام به عمر بن ابان فرمودند:

«علائم را بشناس، پس هرگاه آن ها را شناختی پیش افتادن یا تأخیر آن به تو ضرر نمی رساند».(1)

مختصری از علامت های حتمی که در روایات آمده، عبارتند از: خروج سفیانی، یمانی و شعیب صالح، صیحهٔ آسمانی در ماه رمضان، کشته شدن نفس زکیّه، فرو رفتن ارتش سفیانی در بیداء (بین مکه و مدینه)، پدیدار شدن آتشی بسیار عظیم از سمت مشرق، پدیدار شدن کف دست در آسمان در ماه رجب،و... که هریک از این علائم و بسیاری دیگر با توضیحات بیش تر در کتاب ها آمده است.

در روایات نشانه های آخر الزمان و نزدیک شدن ظهور نیز ذکر شده، از جمله پیغمبر صلی الله علیه وآله و سلم می فرمایند: «مردم به کمی فرزند خوشحال اند و کسی که فرزند ندارد، اظهار خوشحالی می کند.» (2)

1- . کافی: 1/372.

2- . فردوس الاخبار: 5/227.

از دیگر نشـانه هـای آخر الزمـان روایت امیرالمؤمنین علیه السـلام که فرمودنـد: «آن زمـانیست که: مردم، نمـاز را بمیراننـد، دروغ را جایز شمارنـد، رباخورنـد و رشوه بگیرنـد، ساختمان ها را محکم سازند، شـهادت دروغ جایز و زنا رایج شود، قرآن ها به زیور آراسـته، مساجد زینت یافته و مناره ها بلنـد ساخته شود، درحالی که دل ها از هدایت خالی است. از حرص دنیا زن ها در تجارت با شوهرانشان مشارکت کنند، صدای بی دین ها بلند گردد و به خواسته هایشان گوش داده شود، دروغگو به راستگویی و خائن به امانت داری شناخته شوند، زنان بر زین سوار شوند، زنان خود را به مردان و مردان، خویش را به زنان شبیه کنند، برای غیر خدا فقه بیاموزند، بر دل های گرگ صفتان لباس میش بپوشانند...»(1).]

1- . بحار الانوار: 52/256.

17-4. وظایف قلب

اول: دوست داشتن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به صورت ویژه

از حضرت رسول صلی الله علیه وآله و سلم روایت شده که فرمودند:

«در شب معراج از جانب حضرت حق به من خطاب شد: می خواهی اوصیای خودت را ببینی؟

گفتم: بلی. خطاب شد: نظر کن به مقابل خود.

چون نگاه کردم، اشباح دوازده وصیّ خود را دیدم و حجت قائم علیه السلام مثل ستاره درخشان میان آن ها می درخشید.

پس عرض کردم: خدایا، این ها کیستند؟

خطاب شد: اینان امام های بر حقّ اند، و آن که در میان آنان می درخشد قائم علیه السلام است که حلال مرا حلال می کند و حرام مرا حرام(1)، و انتقام می گیرد از دشمنان من.

ای محمّد صلی الله علیه وآله و سلم او را دوست بدار، زیرا من او را دوست می دارم و دوست می دارم، هر کسی که اورا دوست دارد.»(2)

چنان چه در این حدیث می بینیم، با آن که دوست داشتن جمیع ائمه علیهم السلام واجب و بخشی از ایمان و شرط قبولی اعمال است، امر خاص نمودن به دوستی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، دلیل است بر اینکه در محبّت به آن حضرت خصوصیّتی است که موجب امر حق تعالی به

1- . یعنی تقیه نمی کند و همه احکام دین را ظاهر می کند تا در زمان ظهور او مطابق آن ها عمل شود. «مؤلف»

2- . غایة المرام: 1/42.

آن شده است، و در وجود مبارک آن حضرت هم ویژگی هایی است که به دلایل عقلی و نقلی مقتضی این تخصیص گردیده است.

امّا دلیل عقلی آنکه: سرشت انسان و حتی بعضی حیوانات بر این نهاده شده است که هر کس به او نیکی کند یا واسطه رسیدن احسان و خدمتی به او شود، محبّت او در دلش قرار می گیرد، از همین روی امام حسن عسکری علیه السلام می فرمایند:

«خداوند متعال به موسی وحی فرمود که مرا نزد بندگانم محبوب کن و بالتبع آن ها را نیز نزد من محبوب گردان. موسی گفت: چگونه این کارا انجام دهم؟ خطاب رسید: نعمت ها و بخشش های مرابه آنان یادآوری کن که مرا دوست بدارند.»(1)

پس وقتی مقداری از لطف و احسان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در حقّ خودمان فهمیدیم و دانستیم تمام آن چه از نعمت های بی پایان خداوند که به ما ارزانی شده، همگی به برکت حضرتش است، پس عقل نیز حکم می کند، به صورت ویژه او را دوست بداریم.

[امّا دلیل نقلی: بر این مطلب روایات زیادی وجود دارد از جمله روایتی که پیش تر گذشت و در بعضی روایات نیز آمده: امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بعد از امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین علیهم السلام فضل و مقامشان از سایر ائمه علیهم السلام بالاتر است(2)، لذا امام صادق علیه السلام فرمودند:

اگر زمان حضرت قائم بودم در تمام عمر به خدمت او می پرداختم.]

1- . تفسیر امام عسکری علیه السلام: ص116.

2- . غایة المرام: 188، باب 23 ح 101.

دوم : غمگین بودن در فراق و مظلومیّت آن حضرت

[و این از نشانه های دوستی و اشتیاق مؤمن به آن حضـرت است. زیرا وقتی مؤمن، محبّت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف را در دل خود پرورش دهد، از شوقی که پیدا می کند وقتی نمی تواند آن حضـرت را ببیند، در فراق مولایش می سوزد. امام رضا علیه السلام می فرمایند:

«چه بسـیار زنان مؤمنهٔ جگر سوخته، و چه بسیار مردان مؤمن، افسوس کنان جگر سوخته خواهند بود آن گاه که ماء معین «یعنی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف» مفقود و غایب گردد.»(1)

همچنین از حدیث ابن ابی یعفور که از امام صادق علیه السلام نقل کرده، استفاده می شود:

«یکی از حقوق شخصی مؤمن بر مؤمن دیگر آن است که به خاطر اندوه او اندوهگین گردد.»(2)،

و وقتی مؤمنین چنین حقوقی بر گردن هم دارند، اینحق نسـبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که رکن ایمان و پیشوای مؤمنین است، به طریق اولی ثابت می باشـد. و تردیـدی نیست، غیبت و طولانی شـدن آن و سـختی ها و مصائبی که به شـیعیان می رسد، همگی برای امام عصر علیه السلام سخت است و سبب حزن و محنت بر ایشان می شود، لذا حضرت صادق علیه السلام فرمودند:

«کسی که مهموم باشد برای ما و غمناک باشد برای مظلومیّت ما، نفس کشیدن او ثواب تسبیح گفتن دارد.»(3)]

1- . کمال الدین: 2/ 371.

2- . اصول کافی: 2/ 172.

3- . اصول کافی: 2/226.

سوم : منتظر ظهور حضرت بودن و تقویت روحیه انتظار

یعنی همچون کسی که فرزندش در اسارت است یا سال هاست که مهاجرت کرده و انتظار برگشت او را می کشد، منتظر ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد.

در بعضی روایات معتبر آمده، راوی از امام علیه السلام دربارهٔ دینی که مورد قبول خداوند و پسند اهل بیت است، سؤال می کند، و آن حضرت یکی از موارد دینداری را «انتظار قائم آل محمد» برمی شمارند.

از جمله روایاتی که بر وجوب انتظار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریفدلالت دارد، روایتی است که شیخ صدوق از عبدالعظیم حسنی آورده که گفت: بر سرورم، امام محمّد تقی علیه السلام وارد شدم و می خواستم در مورد حضرت قائم بپرسم که آیا او همان مهدی امّت است یا آن ها دو نفرند؟

پس حضرت سخن آغاز کرده و فرمودند:

«قائم ما آن مهدی است که واجب است در زمان غیبتش انتظار او را کشیدن، و او سوّمین فرزند من است ... .»(1)

و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمودند:

«افضل عبادت ها انتظار فرج است».(2)

و باز از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند:

«خوشا به حال شیعیان قائم ما که در زمان غیبتش منتظر ظهور او باشند.»(3)

1- . کمال الدین: 2/377 ح1.

2- . تحف العقول: ص201.

3- . کمال الدین: 2/357 ح2.

[چهارم: پیوسته خود را در محضر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دانستن

به دلائل اخبار فراوان شکّی نیست، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ناظر و شاهد ما و اعمالمان هستند، و ما در برابر چشم حضرت قرار داریم، اگرچه ایشان را به چشم سر نمی بینیم، مانند نابینایی که در مجلس پادشاهی حضور می یابد و تمام آدابی را که شایسته بارگاه سلطانی است، همچون سایرین که در آنجا حضور دارند انجام می دهد. او اگرچه سلطان را نمی بیند، اما شکوه و بزرگی او را حس می کند. پس اگر باور کردیم در محضر امام زمان علیه السلام هستیم، البته همّت ما در جهت رعایت ادب و انجام وظایفمان و رعایت حقوق آن حضرت بیش تر خواهد شد.

بایستی هر روز با خود مرور کنیم که این زندگی به برکت امام زمان علیه السلام است، بنابراین باید شکرگزار آن حضرت باشیم.

اگر در معرض گناه قرار گرفتیم، به یاد آوریم مولایمان از جای ما و احوال ما آگاه اند و در این حالت ما را می بینند، پس به احترام حضرت از ارتکاب گناه و عملِ زشت بپرهیزیم، و اگر زمینهٔ انجام کار خوبی فراهم شد، بدانیم انجام آن رضایت قلبی و خشنودی آن حضرت را در بردارد، پس در انجام آن تعجیل کنیم و آن را به مولا و صاحب زمانمان هدیه نماییم.

هر صبحگاه و شامگاه خود را همچون غلامی در محضر امام زمان علیه السلام بدانیم و به حضرتش سلام کنیم، سلام غلامی که مشتاق دیدار آقا و مولای خود است و از فراقش در سوز و گداز بوده و اشک هایش بر گونه می ریزد و باور دارد که در محضر مولایش ایستاده است.

و هنگـام نماز، حال مولا یمان علیه السـلام را وقت ایسـتادنشان در پیشـگاه خداونـد متعال به یاد آوریم، و با حضور قلب و خشوع جسم و چشم پوشـی از مـا سوی الله به عبادت بپردازیم تا از آن بزرگوار پیروی کرده باشـیم. بایـد بـدانیم طبق روایات هر قـدر معرفت و به یاد آن حضـرت بودن و پیروی از ایشان بیش تر شود، قدر و منزلتمان نزد امام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشریف بیشتر خواهد شد و خداوند بر منزلت و پاداش و کرامت و افتخار ما خواهد افزود.

هرگاه مشـکل و عارضهٔ سـختی پیش آمد، به آن حضـرت عجل الله تعالی فرجه الشـریف عرضه کنیم و از سـرورمان بخواهیم، در پیشگاه الهی شـفیع حلّ مشـکل شوند؛ زیرا قرآن می فرماید: {وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا}(1) «و به خانه ها ازدرهای آن وارد شویـد» و آن حضـرت باب الله هستند و احادیث در این باب بسیار است.

در یکی از این سال های گذشـته، برایم امر مهمی پیش آمـد که فکر و حواسم را مشـغول به خود کرده بود، پس شبی خواب جـدّ مادری ام _که از سـادات نیکوکـار بود_ را دیـدم در حالی که در باغی بسـیار نیکو و در زیباترین وضـعیت قرار داشت، به ایشان سـلام کردم و عرض نمودم: فلان مشـکل من را از خدا بخواهید، برطرف شود. ایشان بعد از جواب سـلام به من گفت: دعای ما بالاتر از دعای امام زمان عجل الله تعـالی فرجه الشـریف نیست، پس هرگـاه پیشامـدی کنـد، آن را به حضـرتش عرضه می کنیم، اگر اجازه بفرماینـد و امضا کننـد، برای اصلاحش دعا می کنیم و گر نه، نه.(2)].

1- . سورهٔ بقره، آیه 189.

2- . مکیال المکارم: 2/352.

[پنجم: خیرخواهی برای امام زمان علیه السلام

از امام صادق علیه السلام نقل شده که پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم در مسجد خیف فرمودند:

«سه چیز است که دل هیچ مسلمانی در آن ها خیانت نکند: اخلاص عمل برای خدا، خیرخواهی و خیراندیشی برای امام و پیشوای مسلمین، و نیّتهمراهی و ملازمت با جماعت همراه با امام علیه السلام. (1)

این حدیث ابتدا در صدد بیان تکلیف قلبی فرد مکلّف است، و به تبع آن، یاری کلامی و بدنی و فعلی و مالی برای امام علیه السلام که متوقّف بر نیّت می باشد، انجام پذیرد، بنابر این هر کسی که خیرخواه امام زمان علیه السلام است و قصد یاری و کمک به آن حضرت را در زمان غیبت دارد، باید در فکر و قلبش به دنبال این باشد که ببیند چه کاری به نفع مولایش است، و به تعبیری خیراندیش و خیرخواه حضرت باشد، و پیوسته مراقبت و مواظبت نماید که نیّات و افعالش راجع به امام زمان علیه السلام از هرچه مایهٔ هتک حرمت و نارضایتی آن حضرت است، برکنار و خالص باشد و رضایت و خشنودی آن بزرگوار را فراهم کند.

به سند صحیح امام باقر علیه السلام از پیغمبر صلی الله علیه وآله و سلم نقل کرده اند:

«خداوند عزّوجل بر کسی که جانش را به اطاعت و خیرخواهی امامش به زحمت انداخته نظر بیفکند، او را در ملأ اعلی (یعنی در رسته پیامبران وصدیقین و شهدا و صالحین که در بهشت قرین هم باشند) با ما قرار دهد.»](2)

1- . کافی: 1/403.

2- . کافی: 1/404.

[ششم : نیّت حقیقی بر یاری حضرت در زمان ظهور

روایات فراوانی از معصومین علیهم السلام در فضیلت نیّت و تصمیم بر انجام کار خیر رسیده است، و اینکه برای هر کسی ثواب همان عملی نوشته می شود که نیّت کرده است.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده اند:

«هر یک از شما ثواب عمل صالحی را خواهد یافت که نیّت کرده است.»(1)

در روایت است که:

راوی از امام باقر علیه السلام پرسید: اگر پیش از آن که قائم علیه السلام را درک کنم بمیرم، چه می شود؟

حضرت فرمودند: «همانا هر کس از شما نیّت و نظرش این باشد که: هرگاه قائم آل محمد علیه السلام راببیند، یاری اش کند؛ مانند کسی است که در حضور او با شمشیر جهاد کرده باشد، و شهادت در رکاب آن حضرت دو شهادت به حساب می آید.»(2)

پس بی تردید اگر مؤمن مخلص با نیّت حقیقی از خداوند بخواهد که فرج مولایش را نزدیک کند تا در رکاب آن جناب جهاد کند و در راه حضرت شهید شود، _اگر چه قبل از ظهور از دنیا برود_ خداوند ثواب آن شهادت را به او خواهد بخشید.(3)]

1- . نهج البلاغه: خطبه 232، ص 282.

2- . الکافی: 8/80 ح 37.

3- . کافی: 2/ 85.

هفتم : تسلیم و مطیع بودن، و نسبت به امر امام علیه السلام عجله نکردن

یعنی به سبب طولانی شدن غیبت چون و چرا در امر ظهور نکند، و آن چه از جانب حضرت می رسد صحیح و مطابق حکمت بداند.

صَقرُ بن اَبی دُلَف گویـد: شـنیدم از امام محمّد تقی علیه السـلام که فرمودند:«امام بعد از من، پسـرم علی است، امر او امر من، سـخن او سخن من و اطاعت از او اطاعت از من است. همانا امام بعـد از او پسـرش حسن است، امر او امر پـدرش، قول او قول پـدرش و طاعت او طاعت پدرش می باشد.» آن گاه امام جواد علیه السلام ساکت شدند.

گفتم: یابن رسول الله! پس امام بعد از امام حسن علیه السـلام کیست؟ حضرت به شدّت گریستند، سپس فرمودند: «همانا امام بعد از امام حسن، پسر اوست، که قائم به حقّ و منتظَر است.»

گفتم: یابن رسول الله! چرا به او «قائم» گوینـد؟ فرمودند: «برای آن که قیام می کند بعد از آن که یاد او مرده باشد و بیش تر قائلین به امامتش مرتد شوند!» یعنی به علّت طولانی شدن غیبتش از دین برگردند.

گفتم: چرا او را «مُنتَظَر» نامیدند؟ فرمودند: «زیرا او غیبتی دارد که زمانش طول کشد، پس مؤمنانِ خالص به انتظار او باقی می مانند و شک کننـدگان، انکارش می نماینـد و انکارکنندگان، صـحبت از او را مسـخره می کنند، کسانی که برای ظهورش وقت معیّن می کنند، دروغگو هستند و اشخاصی کهعجله می کنند، هلاک شوند (از دین برمی گردند) و افرادی که تسلیم وفرمان بردار هستند، نجات یابند.»(1)

1- . کمال الدین: 2/378، ح3.

هشتم : نرم نگه داشتن دل

مراقب باشیم، به سبب طولانی شدن زمان غیبت، قلب ما قسیّ نشود و همچنان به یاد حضرتش نرم بماند. خداوند می فرماید:

{أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَن تَخْشعَ قُلُوبهُمْ لِـذِكرِ اللَّهِ وَ مَا نَزَلَ مِنَ الْحَـقِّ وَ لاَ يَكُونُوا كالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَاب مِن قَبْلُ فَطالَ عَلَيهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَـتْ قُلُوبهُمْ وَ كَثِيرٌ مِّنهُمْ فَاسِقُونَ}(1)

«آیا وقت آن نرسیده است که دل های مؤمنان نرم شود به یاد خدا و آن چه از جانب او نازل شده از کلمات حق، و نبوده باشند مثل اهل کتاب که پیش از این بودند، که چون طول کشید بر آن ها زمان غیبت پیغمبران آنان، پس سخت شد دل هایآن ها، و بسیاری از ایشان فاسق شدند.»

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند:

«این آیه شریفه در خصوص کسانی است که در زمان غیبت می باشند. وخداوند سپس فرموده: {اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِ الْأَرْض بَعْدَ مَوْتِهَا}(2)

«بدانید، حق تعالی زنده می کند زمین را بعد از آن که مرده شده باشد.».(3)

و امام محمّد باقر علیه السلام در ذیل این آیه می فرمایند:

«مراد از "مردن زمین" کافر شدن اهل آن است، و مراد از "زنده کردنش" احیای آن است به ظهور حضرت قائم علیه السلام که زمین را با عدل زنده می کند، و اهلش را زنده می گرداند بعد از آن که مرده باشند.»(4)

1- سوره حدید: آیه 16 و17

2- . سوره حدید: آیه 16 و17

3- . غیبت نعمانی: ص24.

4- . تفسیر برهان: 4/291.

و به سند صحیح روایت شده که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

«برای قـائم مـا غیبتی است که زمـان آن طولانـی می شود. گویـا می بینم شـیعیان را که در زمـان غیبت او به هر سـمتی می رونـد، مـانند چهارپایـانی که به طلب علف و چراگـاه می رونـد و آن را نمی یابنـد. بدانیـد، هرکس از آن هـا بر دین خود ثـابت بمانـد و قلب او به خاطر طولانی شدن غیبت امامش قسیّ و سخت نشود، چنین شخصی در درجه و مقام من در روز قیامت با من خواهد بود.»(1)

ای مؤمنان و منتظران امام زمان! دلتان خوش و چشـمتان روشن باد به این مژده و بشارت عظمی که اعظم بشارت ها است، پس سعی کنید دلتان نرم بماند در دوران غیبت امام زمان علیه السلام.

اگر بگویید: نرمی و سختی دل در اختیار ما نیست؛ عرض می کنم: راست می گویید، ولی مقدّمات آن به اختیار شماست؛ یعنی می توانید کارهایی کنیـد که دلتان نرم شود. پس اگر از سـخت شـدن دل می ترسـید،آن چه باعث قساوت است ترک نماییـد، و آن چه باعث نرمی و رقّت قلب است، مواظبت به آن کنید، چنان که در تفسیر آیه مذکور آمده:

«دل هایشان سخت شد، به سبب معصیت هاشان.»(2)

و از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمودند:

«حق تعالی کسی را برای گناهش عقوبتی نفرموده به چیزی که بدتر از قساوت قلب باشد.»(3)

1- . کمال الدین: 1/303.

2- . تفسیر مجمع البیان: 5/238.

3- . تحف العقول: ص216.

پس در اینجا حقیر اشاره به بعضی از آن ها می کنم که در کتب حدیث دیده ام برای تذکّر خودم و برادران دینی ام، ومن الله التوفیق.

عوامل نرمی دل:

حضور در مجالسی که ذکر آن حضرت وصفات و خصائص و حالات ایشان می شود، ومجالسی که در آن ها مواعظ و نصایح اهل بیت علیهم السلام ذکر می گردد، و محافلی که در آن ها قرائت قرآن می شود، به شرط تفکر و تدبّر درمعانی آن ها، و همنشینی با علمای عامل و اهل عبادت و طاعت و کسانی که همّ و غمّ آن ها عالم آخرت است که شخص از شنیدن سخنان آن ها متنبّه و دانا شود و از دیدنشان به یاد خداوند جلّ شأنه افتد و به اعمال صالح آن ها تأسّی کند و در طاعت و عبادت رغبت نماید و به دنیا و اهل دنیا بی اعتنا شود، و به قبرستان ها رفتن، و بسیار به یاد مرگ بودن، و به یتیمان مهربانی و کمک کردن.

عوامل سختی دل:

ترک ذکر خداوند کردن، و غذای حرام خوردن، و با اهل دنیا نشستن، و پر خوری کردن، و بسیار خندیدن، و بسیار به فکر شکم بودن، و بسیار سخن گفتن دربارهٔ اموری که فایده برای آخرت ندارد، و آرزوهای دور و دراز داشتن، و نماز را به تأخیر انداختن، و با اهل معصیت و فسق و گناه رفت و آمد کردن، و به سخنان بیهوده گوش دادن، و برای لهو و لعب به شکار رفتن، و در امور دنیا ریاست کردن، و به منزل رؤسا رفتن، و زیادتی مال دنیا طلب کردن، و ترک توبه نمودن، و به صدای ساز و آواز گوش دادن، و شراب و هر چیز مست کننده خوردن.

نهم : هر روز یا هر جمعه با حضرتش عهد تازه بستن

بیعت؛ یعنی عهد کردن و قرارداد بستن، و مقصود ازعهد و بیعت با امام زمان علیه السلام این است که مؤمن اقرار کند به زبان و ملتزم شود به قلب که از آن حضـرت اطـاعت نمایـد، و هر وقت ظهور فرمایـد یاری اش کنـد، و جان و مال و آبروی خود را برای ایشان نثار نمایـد. و دعای عهد نامه کوچک یا دعای عهد نامه بزرگ را که به زودی اشاره می گردد، بخواند.

و مستحبّ است بیعت خود را هر روز به ویژه بعد از نماز صبح تازه کند.

و امّـا دست دادن به دست کسـی، خواه از مراجع و علما یا غیر آنان، خواه به طور اسـتقلال و خواه به عنوان نیابت عامّ آنان از امام در زمان غیبت، به عنوان اینکه بیعت با او بیعت با امام است، از جمله بدعت هاست و اصلاً در آیات و احادیث نیامده است.

بلی، در عرب رسم بود هنگام اظهار عهد و بیعت دست به دست هم می داده اند، و در بعضی از احادیث آمده، مسلمانان در مقام بیعت با حضـرت رسول صـلی الله علیه وآله و سـلم مصـافحه می کردنـد، و برای بیعت بانوان دست مبارک خود را در ظرف آبی گذاردنـد و بیرون آوردنـد و امر فرمودنـد، زن ها بیایند و دست های خود را در آن آب بزنند؛ امّا این مطلب دلیل نمی شود بر این که در هر زمان، حتی زمان غایب بودن امام علیه السـلام هم این نحو از بیعت جایز باشد، بلکهاز احادیث ظاهر می شود، در زمانی که ممکن نباشد بیعت با شـخص امام یا پیغمبر صلی الله علیه وآله و سلم باید به اقرار زبانی و التزام قلبی اکتفا نمود.

از امام محمّد باقر علیه السلام روایت شده که فرمودند:

«در روز غدیر بعد آن که حضرت رسول الله صلی الله علیه وآله و سلم حضرت امیر علیه السلام را به خلافت نصب کردند، جمله ای از فضایل او را بیان نموده، سپس فرمودند: ای مردم! چون جمعیت شما زیاد است و نمی توانید همه دست به دست من بدهید، حق تعالی به من امر فرموده از شما بیعت بگیرم، به این که اقرار کنید به زبان های خود به آن چه قرار دادم برای امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه ای که بعد از او هستند از ذرّیّه من که از صلب او می باشند، پس همهٔ شما بگویید: شنیدیم و راضی هستیم و فرمان بردار خداوندیم درباره امیرالمؤمنین و ائمه از فرزندان آن حضرت علیهم السلام ... تا آخر حدیث».(1)

پس اگر دست دادن به غیر امام به عنوان بیعت با امام جایز بود، هر آینه مردم را امر می فرمودند که بیعت کنند بایکی از بزرگان صحابه؛ مانند سلمان و اباذر و غیر آن ها، و در هیچ کتاب حدیثی هم دیده نشده که در زمان ائمّه اطهار علیهم السلام کسی به این نحو بیعت کرده باشد با احدی از بزرگان صحابه آن ها و کسانی که خود ائمه علیهم السلام آن ها را مرجع شیعیان در گرفتن جواب سؤالات فقهی و اعتقادی قرار داده بودند، مثل زراره و هشام بن حکم و ...

پس معلوم می شود که این مطلب _یعنی بیعت کردن_ مختصّ پیغمبر و امام است در زمان حضور، مثل جهاد ابتدایی که مختصّ به زمان حضور امام علیه السلام است.

1- . تفسیر برهان: 1/442.

دهم: توسّل به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در امور مهم

[از جمله فواید وجود امام علیه السلام و کارهای ایشان، کمک به بیچارگان، دادرسی مظلومان و حفاظت از پناهندگان است. از این نظر حضور و غیبتش تفاوتی ندارند، زیرا امام علیه السلام خلیفة الله وچشم و گوش خداوند است، و هیچ چیز از احوال مردم بر ایشان پوشیده نیست و کوه ها، دریاها، دوری سرزمین ها و... نمی تواند حائل و مانع حضرت باشند:

امیرالمؤمنین به عمر بن اسحاق فرمودند: «شما که دعا می کنید، ما آمین می گوییم.» عمرو به حضرت عرض کرد: چگونه وقتی ما نزد شما نیستیم و دعا می کنیم، شما آمین می گویید؟!حضرت فرمودند: «حاضر و دور شما برای ما فرقی ندارد.»(1)

شاهد دیگر، روایتی است از سید بن طاووس که نقل کرده:

شخصی در نامه ای به امام هادی علیه السلام نوشت، من از شما دورم، پس اگر کسی بخواهد حاجات و اسرارش را با امام خویش در میان بگذارد، همان گونه که با پروردگارش باز می گوید، چه کند؟ حضرت درجواب نوشتند: «اگر حاجتی داشتی، لب هایت را به شکل گفتن آن حرکت بده و حاجتت را بگو، همانا جواب به تو خواهد رسید.»(2)

اگرچه استغاثه و عرض حاجت به حضرت، زبان خاص و چگونگی و وقت معیّن ندارد و آنچه مهم است توجه کامل به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و اصلاح دل، اعتقاد راسخ و توبه از گناهان است، امّا برای توسّل و استغاثه و عرض حاجت دعاهایی وارد شده که بهتر است از آن ها استفاده شود.]

1- . بصائرالدرجات: 260.

2- . بحار الانوار: 53/306.

یازدهم: روزهای جمعه خود را مهمان آن حضرت دانستن

[روایات فراوانی داریم که اهل بیت علیهم السلام سبب خلقت آسمان ها و زمین و واسطه فیض و روزی خداوند به انسان ها و مخلوقات هستند؛ چنان که در زیارت جامعه کبیره نیز به آن ها تصریح شده است.

در حدیث امام هادی علیه السلام به «صَقر بن ابی دُلف» آمده، حضرت روزهای هفته را به نام یکی از اهل بیت علیهم السلام نام گذاری کرده اند؛

روز شنبه به نام پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم، یکشنبه به نام امیرالمؤمنین و حضرت زهرا علیهما السلام، دوشنبه به نام امام حسن و امام حسین علیهما السلام، سه شنبه به نام امام سجاد و امام باقر و امام صادق علیهم السلام، چهارشنبه به نام امام کاظم، امام رضا، امام جواد و امام هادی علیهم السلام، پنج شنبه به نام امام عسکری علیه السلام، و جمعه که به نام امام زمان علیه السلام است (1) .

در زیارت نامهٔ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در روز جمعه نیز می خوانیم:

«مولای من! امروز جمعه است و من مهمان و پناه جوی به شما هستم.(2)» (3)

1- . معانی الأخبار: 122، خصال: 2/396.

2- . جمال الاسبوع: 38.

3- . نیکوست برای آن که خود و خانواده همیشه یادآور باشیم که اهل بیت علیهم السلام به ویژه در این زمان حضرت بقیة الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف واسطهٔ رسیدن فیوضات و نعمات خداوند به ما هستند، سفرهٔ غذایی که در خانه پهن می گردد را به آن معصومینی که آن روز به آن ها تعلّق دارد هدیه کرده و به ایشان منتسب نماییم تا اهل خانه خود را مهمان آن معصومین علیهم السلام بدانند و هر روز هم ثواب هدیه به ائمه اطهار علیهم السلام در نامه عمل ما ثبت گردیده، و هم با نشستن بر سر سفره ای که به نام آن ها متبرّک شده، توجه ایشان شامل حال زندگی ما گردد، و البته این کار در روز جمعه از اهمیّت و تأکید بیشتری برخوردار است. «محقق»

دوازدهم : توبه حقیقی از گناهان

اگرچه توبه در هر زمـان بر گناهکـاران واجب است، ولی اهتمام به آن در این زمان از این جهت است که یکی از اسـباب غیبت حضـرت صاحب الامر علیه السـلام و طولانی شدن آن، گناهان کبیره و کثیرهٔ ماست، چنان که خود حضرت در توقیع شریف فرموده اند:«آن چه ما را از شیعیان حبس کرده و دور نگه داشته است، اعمال ناپسند آنهاست.»(1)

معنای توبه، پشیمانی از گناهان و عزم بر ترک آن است.

و علامت آن، قضا کردن و تلافی واجبات ترک شـده، و ادای حقوق مردم که بر ذمّه اوست، و گوشتی که از معصـیت و مال حرام در بدنش پیـدا شـده ذوب کند، و به جانش صدمه و سـختی عبادت را بچشاند به همان اندازه ای که لذّت معصـیت را چشانیده است. و با این شـش عمل توبه کامل و محقّق می شود، چنان که از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است.(2)

ملتفت خود باش و نگو بر فرض که من توبه کنم، سایرین که توبه نمی کنند و گناهان آنان مانع ظهور حضرت است.

عرض می شود: اگر همهٔ خلایق باعث غیبت حضـرت شده اند، تو در حبس و منع حضـرتش شـریک نشو، زیرا می ترسم همچون هارون شوی که امام کاظم علیه السلام را در بغداد زندانی کرد، یا متوکّل که امام هادی علیه السلام را در سامره حبس نمود.

1- . احتجاج: 2/325.

2- . نهج البلاغه: ص 540، تحف العقول: ص 210، عیون الحکم: ص20.

سیزدهم : اهتمام بر ترک گناهان و کسب صفات نیکو

اجتناب کردن از معاصی و گناهانی که در شرع مقدّس از آن ها نهی شده، و پاکسازی درون از صفات رذیله و افکار پلید، و تلاش برای تحصیل صفات حمیده و اخلاق پسندیده، و به جا آوردن طاعات و عبادات شرعیّه، از دیگر وظایف شمرده شده است؛ زیرا مراعات این امور در زمان غیبت به خاطر زیاد شدن فتنه ها و بسیاری ملحدین و مشکّکین که درصدد گمراهی مؤمنین می باشند، سخت تر از زمان ظهور است؛ لذا در حدیث نبوی وارد شده که حضرت فرمودند:

«یا علی! قومی که از همه کس یقین آن ها عظیم تر و نیکوتر است، کسانی هستند که در آخر الزمان پیدا می شوند که پیغمبر را ندیده اند و امام آن ها از نظرشان غایب است، با این وجود به احادیث ما که در کتاب ها نوشته شده ایمانمی آورند.»(1)

امام صادق علیه السلام نیز می فرمایند:

«هر کس دوست دارد از اصحاب حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد، باید در انتظار ظهور آن حضرت به سر برد، و به پرهیزگاری و نیکویی اخلاق رفتار نماید، پس اگر چنین کسی پیش از ظهور آن بزرگوار از دنیا رفت، به او ثوابی داده می شود، مثل ثواب کسانی که در زمان حضرت قائم علیه السلام حاضر باشند و یاری اش نمایند.»(2)

1- . کمال الدین: 1/288.

2- . بحار الانوار: 52/140.

[چهاردهم: مقدّم داشتن خواسته های آن حضرت بر خواسته های خود

یعنی در هر امری که می خواهی بر آن اقدامی کنی یا سخنی بگویی یا غیر آن، میل و خواستهٔ خود را در نظر نگیری، بلکه ابتدا بیندیشی آیا مورد رضایت آن حضرت علیه السلام هست یا نه؟ و اگر نزد آن بزرگوار انجام دهی تو را منعنمی کنند؟ پس اگر موافق رضای آن جناب یافتی آن را انجام دهی، نه به خاطر آن که خودت هم دوست داری بلکه از آن جهت که حضرت به آن رضایت دارند؛ و در این صورت نزد آن حضرت و اجدادش گرامی خواهی بود. شاهد این مطلب روایتی از منصور بزرج است که می گوید:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: چه بسیار از شما نام سلمان فارسی و ذکر خیر او را می شنوم؟!

حضرت فرمودند: «مگو سلمان فارسی، بلکه بگو سلمان محمدی. می دانی چرا از او بسیار یاد می کنیم؟» گفتم: نه. فرمودند: «برای سه صفت: اول: مقدّم داشتن خواسته امیرالمؤمنین علیه السلام بر خواسته خودش، که در هر سخن و کاری رضایت آن حضرت را میزان قرار می داد و اگر موافق بود انجام می داد؛ دوم: دوست داشتن فقرا و مقدّم داشتن آن ها بر اهل ثروت و مُکنت؛ سوم: دوست داشتن علم و دانشمندان».(1)] (2)

1- . بحار الانوار: 22/ 227 ح 33؛ .

2- . مرحوم آیت الله سید محمدباقر موحد ابطحی (نوه صاحب مکیال) از علمای بزرگ و دلباختگان حقیقی امام زمان علیه السلام که تمام فکر و سخن و کارهایش برای آن حضرت بود و هر بنای خیر اعمّ از مؤسسه، حسینیه، مسجد، حمام، بیمارستان، پل، تونل و... که بنیان می نهاد، به نام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و یا القاب شریف آن حضرت نام گذاری می کردند و بیش از شصت سال عریضه نویسی هفتگی به امام زمان علیه السلام و عرض حوائج خود و دوستانشان در عصرهای جمعه ترک نشد، درباره یکی از تشرّفات خود در عالم رؤیا به محضر بقیةالله الاعظم علیه السلام می فرمودند: شبی در عالم رؤیا دیدم تمام فضای بین قم و مسجد جمکران پوشیده از چمن و درختان فراوان و نهرآب بسیار است و از میان آن صدای روح بخشی شنیده می شد که به ذهنم آمد این صدای حضرت داود است، سپس در میان درختان جایگاهی را مشاهده کردم که بر روی آن مولایم حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نشسته بودند، به محضرشان شرفیاب شدم و به عربی عرض کردم: «بماذا أُوفّق؟» به چه چیزی (در کارها و برنامه های زندگی ام) موفّق خواهم شد؟ حضرت فرمودند: «الإخلاص في العمل» یعنی خلوص نیت و برای خدا و تنها رضای او کار کردن. (توضیح آن که: هر کس موفقیّت را در چیزی می بیند، یکی در به دست آوردن کرسی استادی در مجامع علمی، یکی در جمع آوری ثروت، و دیگری در به دست آوردن مقام، اما کسی موفّق است که عملش با مرگ او از بین نرود و ماندگار شود و آن وقتی است که آن عمل فقط برای رضای خدا باشد.) ایشان در ادامه می فرمودند: آن گاه به حضرت به فارسی عرض کردم: «چه کنم به شما قُرب پیدا کنم (و نزدیک شوم)؟». حضرت تبسّمی کردند و فرمودند: «عملت را عمل امام زمانت قرار بده.» ایشان می فرمود: حیا کردم تفسیر آن را بپرسم، امّا همان وقت به ذهنم رسید، هر وقت خواستی کاری کنی یا سخنی بگویی و در درستی اش شک کردی، ببین آیا این کار و گفتار تو مورد رضایت آن حضرت هست؟ و اگر در حضور ایشان بودی، از آن عمل تو را نهی نمی کردند؟ آن گاه اقدام کن؛ و اگر رضایت حضرت را ندیدی، ترک کن. «محقق»

18. وظیفه چشم

در فراق آن حضرت گریستن

[همانا گریستن در فراق امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و محنت هایی که به حضرتش می رسد، دلیل بر معرفت و محبت به آن بزرگوار است.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«به خدا قسم امام شما زمانی از روزگار غایب می شود و مردم آزموده می شوند تا آن که دربارهٔ او سخنان مختلفی گفته می شود: مُرد، هلاک شد، و به کدام وادی رفت؟ و هر آینه دیدگان مؤمنان بر او گریان می شود.»(1)

امام رضا علیه السلام نیز می فرمایند:

«هر مؤمنی یاد کند مصیبت ما را، پس گریه کند یا بگریاند کسی را به دلیل ظلمی که بر ما شده، در قیامت با ما و در درجه ما خواهد بود و روزی که چشم ها اشکبار خواهد بود، دیدگانش گریان نشود».(2)

و در کامل الزیارات و غیر آن از امام صادق علیه السلام روایت شده که حضرت در سجده دعا کردند تا آن جا که فرمودند:

«پرورگارا! رحمت فرست بر دیده هایی که برای ما اشک ریختند، و رحمت فرست بر دل هایی که برای ما بی تاب و سوزان شدند، و درود فرست بر آن فریاد و مویه کشیدنی که برای ماست.(3)]

1- . کمال الدین: 2/347.

2- . امالی صدوق: ص 73 ح 4.

3- . کامل الزایارات: ص 117.

19. وظیفهٔ گوش

[شنیدن مطالب متعلّق به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

حضور در مجالسی که به نام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تشکیل می شود، برای شنیدن فضایل و سخنان و سفارش های حضرت، از دیگر وظایف مؤمنان است؛ زیرا از لوازم ونشانه های محبّت شمرده شده، و باعث تقویت ایمان و امید به ظهور و فرج می شود، و از مصادیق خیراتی است که قرآن می فرماید: {فَاسْتَبَقُوا الْخَیْراتِ}(1) و در این باب روایات فراوانی به ما رسیده، از جمله:

از فضیل نقل شده است که گفت:

امام جعفر صادق علیه السلام به من فرمودند: «شنیده ام جلسه می گیرید و احادیث و سخنان و فضائل ما را نقل می کنید؟»

عرض کردم: بله، یابن رسول الله.

حضرت فرمودند: «همانا من این مجالس را دوست دارم، پس امر ما را احیا کنید، خداوند رحمت کند کسی که امر ما را احیا کند». (2)

همچنین برگزاری و نشستن در این جلسات، نشان دادن فراوانی دوستان و معتقدان و یاران امام زمان علیه السلام در مقابل لشکر انبوه معاندان و مخالفان است، و حقّاً چنینکاری محبوب و مورد رضایت خدا و اهل بیت علیهم السلام می باشد.]

1- . سور، بقره: آیه 148 «به سوی کارهای خیر از یکدیگر پیشی بگیرید».

2- . بحار الانوار: 44/382.

20 _ 37. وظایف زبان

[اول: حفظ زبان از غیر ذکر و یاد خداوند

در روایت است:

«حوّاریون به حضرت عیسی علیه السلام عرض کردند: ای پیامبر خدا! به ما عملی بیاموزید تا به وسیله آن راهی بهشت شویم. حضرت فرمودند: هرگز سخن نگویید! گفتند: چنین چیزی محال است و نمی توانیم. فرمودند: پس به جز سخن نیک، کلام دیگری نگویید.»(1)

امام باقر علیه السلام می فرمایند:

«همانا شیعیان ما لال ها هستند.»(2)

امام صادق علیه السلام نیز می فرمایند:«پیوسته در نامهٔ عمل بنده صالح نوشته می شود: «نیکوکار» تا زمانی که ساکت است، و هنگامی که صحبت کند، یا نیکوکار یا بدکار نوشته خواهد شد.»(3)

از این روایت و غیر آن معلوم می شود، سکوت _ جز در سخنی که خداوند به آن راضی است یا گفتن آن ضروری است_ به خودی خود عبادت مستحبّی است، چه رسد به آن که به خاطر دلیل موجّهی که به آن سفارش شده؛ مثل: تقیّه و تفکّر که واجب و لازم است.

حفظ زبان و سکوت در زمان غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف که دشمنان و فتنه ها زیادتر است و شیعیان بیش تر در معرض خطر هستند، از

1- . شرح نهج البلاغه: 10/ 137.

2- کافی: 2/113 و 116.

3- . کافی: 2/113 و 116.

مواردی است که به آن سفارش شده و از بهترین کارهای در دوران غیبت شمرده شده است. در روایت آمده:

وقتی در مجلس امام باقر علیه السلام از عصر غیبت و سختی ها و بلاها و فتنه هایی که در اثر استقامت و پایداریِ بر حق در آن دوران هست، ذکر صحبت شد، جابر بن عبدالله انصاری، صحابی رسولخدا صلی الله علیه وآله و سلم از حضرت پرسید: با فضیلت ترین عملی که مؤمن در آن عصر می تواند انجام دهد، چیست تا نجات پیدا کند؟

حضرت فرمودند: سکوت و مراقبت در صحبت.(1)

از جمله روایات زیبا که بی ارتباط با این بحث هم نیست این کلام امام صادق علیه السلام است که به جمعی از شیعیان فرمودند:

«تکونوا لنا دعاةً صامتین. با سکوت مردم را به سوی ما دعوت کنید.

پرسیدند: چگونه مردم را به سوی شما دعوت کنیم در حالی که ما سکوت اختیار کرده ایم؟

فرمودند: به دستورهای عبادی و آن چه گفتیم، عمل کنید و از گناه و آن چه ما نهی کردیم، بپرهیزید، رفتارتان بر اساس راستی و صداقت وعدالت باشد و امانت و حقّ را به صاحبانش برگردانید، مردم از شما جز خوبی چیز دیگری نشناسند و چون شما را این گونه دیدند، می گویندخدا رحمت کند جعفر بن محمّد الصادق را! چه خوب اصحاب خویش را تربیت کرده است! و بدین سان فضایل ما را شناخته و به ما علاقه مند می گردند.»(2)]

1- . کافی: 2/116.

2- . دعائم الاسلام: 1/ 16.

دوم : پرهیز از بردن نام اصلی حضرت علیه السلام

اسم اصـلی حضـرت را که اسم حضـرت رسول الله صلی الله علیه وآله و سلم است نگویند، بلکه ایشان را با لقب نام ببرند؛ مثل: «قائم»، «منتظر»، «حجّت»، «مهدی»، «امام غایب» و غیر آن ها.

روایات در این رابطه مختلف انـد؛ بعضـی آن را حرام دانسـتند، بعضـی مکروه، و برخی هم قائل به تفصـیل شده اند. ولی به اسـتناد اخبار صحیح و معتبر بلکه از لحاظ معنا در حدّ تواتر در می یابیم که گفتن نام اصـلی آن حضرت در مجالس عمومی ـ چه ترس و تقیّه باشد چه نباشد ـ حرام است، و شایسته و احتیاط آن است که حتّی در مجالس خصوصی که ترس و تقیّه ای هم نیست، حضرت با القاب شریفشان یاد کرده شوند، و این خود نوعی تعظیم و احترام به امام عجل الله تعالی فرجه الشـریف است، بلکه روش امامان و اصـحابشان نیز این گونه بودهاست.

شیخ صدوق به سند صحیح از ابوهاشم جعفری روایت می کند:

شنیدم از امام هادی علیه السـلام که می فرمودند: «جانشـین بعد از من پسرم حسن است، پس چگونه خواهید بود در زمان جانشین بعد از او؟

راوی گوید: عرض کردم: فدایتان شوم، چرا؟ فرمودند: زیرا شما شخص او را نمی بینید، و بردن نامش برای شما روا نیست.

گفتم: پس چگونه از او اسم ببریم؟ فرمودند: بگویید: حجّت آل محمد علیهم السلام».[(1)]

1- . کمال الدین: 2/ 381.

سوم : اظهار شوق به زیارت آن حضرت

[محبّت، گرچه امری قلبی است، ولی آثـار و نشـانه هـای بسـیار دارد و اظهار اشتیاق به دیـدار حضـرت، از مهم ترین نشانه های ولایت و شدّت ایمان و محبّت دوسـتان و مشـتاقان به آن حضـرت بوده و بر عظمت و خوبی بسیار محبوب دلالت دارد. و در استحباب آن تردیدی نیست وثواب ارزنده ای دارد؛ زیرا هر دوستی اشتیاق دارد، هر لحظه حبیب و معشوق خویش را ببیند، پس هر قدر در محبّت تمام تر باشد، اشتیاق و اظهار دیدار محبوب بیش تر می شود.

و از جمله دلایل فضیلت اظهار زبانی محبّت داشتن به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف وابراز علاقه به دیدار با حضرتش این است که سبب استحکام این مودّت و دوستی می شود، از این رو امام صادق علیه السلام به هشام بن سالم فرمودند:

«اگر کسی را دوست داری او را از این امر مطلع کن که به او علاقه مند هستی، زیرا دوستی شما را محکم تر می کند.»(1)

همچنین روایت شده امیرالمؤمنین علیه السـلام اشاره به سـینه خود می نمودند و آه می کشیدند و شوق به دیدار امام دوازدهم را اظهار می کردند.(2)

در روایات آمده، بارها دیده شد امام صادق علیه السـلام گریهمی کردند و شوق به دیدار آن حضـرت را اظهار می نمودند، و در روایتی می فرمایند:

«اگر در دورانش بودم، همهٔ عمرم به خدمتش مشغول می شدم.»](3)

1- . کافی: 2/644.

2- . کمال الدین: 1/291.

3- . غیبت نعمانی: ص 245.

[چهارم : دعا برای فراموش نکرن یاد آن حضرت

یکی از وظایف ماست که همیشه بالاخص در مواقع استجابت دعا از خداوند بخواهیم ما را از فراموش کردن یاد و ذکر آن حضرت محفوظ بدارد؛ زیرا در قبال حضرتش وظایفی داریم که جز با مداومت بر یاد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقّق نمی پذیرد. و دعایی از آن حضرت از طریق شیخ عمری نایب آن بزرگوار با سند صحیح و عالی به دست ما رسیده که در زمان غیبت دستور داریم آن را بخوانیم، و یک جمله اش این است:

وَ لَا تُنْسِنَا ذِكْرَهُ وَ انْتِظَارَه...

خدایا! ذکر و یاد آن حضرت و منتظر ایشان بودن را از یادمان مبر.(1)

لذا از خداوند بخواهیم، ما را از انجام گناهانی که سبب فراموشی یاد امام زمان و غفلت نمودن از حضرتش عجل الله تعالی فرجه الشریف می شود، مصون و محفوظ بـدارد، که این بزرگ ترین نقمت هـا و محنت هـاست. و در دعای کمیل می خوانیم: «اللّهمَّ اغْفِرْ لي الـذّنُوبَ الّتي تُنْزِلُ النّقَم»]

1- . کمال الدین: 2/513.

پنجم : دعا برای دیدار آن حضرت با عافیت و ایمان

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«هر کس می خواهـد حضـرت قائم علیه السـلام را ببینـد، باید از حق تعالی بخواهد، با «عافیت» او را به این فیض برساند؛ زیرا حق تعالی حضرت رسول الله صلی الله علیه وآله و سلم را برای رحمت فرستاد و حضرت قائم علیه السلام را برای نقمت می فرستد.»(1)

مؤلف گوید: یعنی از خداوند بخواهد، حضـرتش را با ایمان و عافیت از گمراهی و ضلالت های آخرالزمان ملاقات نماید تا مورد انتقام آن حضـرت واقع نشود؛ زیرا در آخرالزمان محنت ها و بلاها بسـیار است و مردم در معرض لغزش قرار دارند و افراد بسیاری گمراه و بی ایمان ومنحرف می شوند. و در شمار گمراهان و شکّاکان وحتّی منکران وجود حضرت قرار می گیرند.

[همانا دیدار آن حضرت در زمان ظهور برای مشتاقان و دعاکنندگان ممکن است بر یکی از دو وجه صورت گیرد:

1. خداوند ظهور حضرتش را نزدیک گرداند تا دعاکننده به دیدارش برسد؛

2. دعاکننده پیش از ظهور وفات کند و خداوند او را در زمان ظهور حضـرت قائم علیه السلام زنده گرداند تا به دیدار آن جناب نایل شود به خاطر اجابت دعای او و پاداش دادن به امید او، چنان که در دعای عهد آمده است.

1- . روضه کافی: ص234.

علاوه بر این ها بایـد گفت: همانطور که از جمله نشانه های یک محبّ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف آن است، برای دیـدن آن حضـرت در زمان ظهور دعا کند، همچنین نشانه عشق و علاقه یک عاشق حقیقی این است که برای دیدار با حضـرتش در خواب یا بیداری در زمـان غیبت هم دعـا کنـد، چنان که بسـیاری از صـلحا و علما به دنبال این بودنـد و چهل شب جمعه به مسـجد کوفه و یا چهل شـب چهارشـنبه به مسـجد سهله می رفتند و در آن جا شب تا صبح به عبادت و دعا و تضرّع و گریه پرداخته، و از خداوند متعال می خواستند به این فیض عظما برسـند، و البته تشـرّف یافتن به دیـدار آن حضـرت علیه السـلام در زمان غیبت کبری امکانـدارد(1) و در این باره داسـتان تشرّفات علما و صلحا و بعضی از مردم عوام به محضر امام عصر علیه السلام در کتب مختلف ذکر شده است، و برای خود من و بعضی از اخیار نیز آنچه از اسرار است اتفاق افتاده است.]

1- . به این مسأله علمایی چون شـیخ طوسـی، سید مرتضی، علامه مجلسی، سید بحرالعلوم و... تصریح دارند. سید بن طاووس در کتاب «کشف المحجّة» خطاب به پسـرش می نویسد: «و راه به سوی دیدار امام تو برای هر کسـی که خداوند عنایت و احسان به او داشـته باشد، باز است». (کشف المحجّة: 154).

[ششم : قرائت قرآن و هدیه به آن حضرت

و در فضیلت و استحباب آن، روایت مرحوم کلینی از علی بن مغیره دلالت دارد، که گوید:

به امام کاظم علیه السلام عرض کردم: هر ساله، در ماه رمضان بسیار قرآن می خوانم و چهل بار آن را ختم می کنم، گاهی کم تر یا بیش تر، پس هرگاه عید فطر شود، برای رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم یک بار، برای امیرالمؤمنین علیه السلام یک بار و برای فاطمه زهرا؟سها؟ باری دیگر قرآن را ختم می کنم، سپس برای تک تک ائمه یک ختم قرآن می خوانم، و بعد یک ختم قرآن هم برای شما می خوانم، و سال هاست این گونه است، آیا پاداشی برایم هست؟

امام کاظم علیه السلام فرمودند: «پاداش تو آن است در روز قیامت با آنان باشی.» پس با تعجّب گفت: الله اکبر! چنین پاداشی هست؟ حضرت سه مرتبه فرمودند: بله.

مؤلف گوید: این که راوی گفت: یک ختم قرآن هم برای شما خواندم در حالی که امام کاظم علیه السلام زنده بودند و حضرت کارش را تصدیق و تحسین کردند، بهترین دلیل است بر این که یکی از وظایف ما آن است که ختم قرآن بخوانیم و به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هدیه کنیم، یا از طرف آن حضرت به پدر و مادر ایشان یا هریک از پدران و اجداد طاهرینشان هدیه دهیم. همچنین از این حدیث استحباب هدیه کردن قرائت قرآن به پیامبر و امیرالمؤمنین و حضرت زهرا و فرزندانشان از ائمه اطهار علیهم السلام استنباط می شود.]

ص: 72

هفتم: زیارت کردن و سلام و درود فرستادن بر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

[زیارت آن حضرت به وسیلهٔ توجّه نمودن به آن جناب و سلام دادن بر ایشان در هر مکان و زمان بالاخص در اماکنی که منسوب به حضرتش هست یا زمان های مخصوص که متعلّق به آن جناب است امکان پذیر است. در اینجا برخی از زیارت نامه های آن حضرت را به اجمال ذکر می شود.

1_ زیارت آل یاسین؛

برای زیارت حضرتش عجل الله تعالی فرجه الشریف در هر زمان و هر مکان از بهترین زیارت نامه هاست، و روایت شده حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف در توقیع (نامه) به محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری امر فرمودند که:

«هرگاه بخواهید، مرا زیارت کنید و به خداوند متعال و ما توجه نمایید، پس چنین زیارت کنید و بگویید:

« سَلَامٌ عَلَى آلِ يس اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَ رَبَّانِيَّ آيَاتِهِ اَلسَّلَامُ...».(1)

2_ زیارت جامعه کبیره؛

زیات نامه مهمی است و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در تشرّف سیّد رشتی به محضر ایشان سفارش به خواندن این زیارت نمودند، شروع آن این است:

«اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ وَ مَوْضِعَ الرِّسَالَةِ وَمُخْتَلَفَ...».(2)

1- . متن کامل زیارت «آل یاسین» در کتاب مفاتیح الجنان در بخش زیارات تحت عنوان «زیارت های حضرت صاحب الامر» ذکر شده است.

2- . متن کامل این زیارت در کتاب مفاتیح الجنان در بخش زیارات تحت عنوان «زیارت ائمه سرّ من رأی» آمده است.

3 _ زیارت نامهٔ حضرت در روز جمعه؛

ابتدای این زیارت نامه این است،

« السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي...»(1)

4_ نماز سلام الله الکامل التام؛

این دعا، دعای استغاثه به حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است،

پس در هر جا هستی، دو رکعت نماز بخوان، سپس زیر آسمان برو و رو به قبله بایست و بگو:

«سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلُ التَّامُ الشَّامِلُ الْعَامُّ، وَ صَلَوَاتُهُ وَ بَرَكَاتُهُ الْقَائِمَةُ ...».(2)

5_ صلوات ضرّاب اصفهانی.

سید بن طاووس می نویسد: «این صلوات از مولای ما، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف روایت شده و اگر تعقیبات روز جمعه را به سبب عذری نتوانستی بخوانی، هرگز ذکر این صلوات را ترک نکن به دلیل امری که خداوند ما را از آن آگاه فرموده است. و شروع صلوات این است:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَ حُجَّةِ رَبِّ..»(3)]

1- . متن کامل زیارت در کتاب مفاتیح الجنان در بخش زیارات معصومین علیهم السلام در ایام هفته تحت عنوان «زیارت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در روز جمعه» آمده است.

2- . متن کامل این نماز، در کتاب مفاتیح الجنان در بخش ادعیه تحت عنوان «استغاثه به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف» آورده شده است.

3- . متن کامل این صلوات در کتاب مفاتیح الجنان در بخش ادعیه تحت عنوان «فضیلت و اعمال شب و روز جمعه» ذکر گردیده است.

هشتم : خواندن دعاهایی که برای زمان غیبت سفارش شده

در زمـان غیبت امـام عصـر عجـل الله تعالی فرجه الشـریف برای نجات از فتنه ها و گرداب شـبهات و انحرافات و محفوظ مانـدن از شـرّ شیاطین جنّ و انس به شـیعیان سفارش شده دعاهای مأثور را بخوانند که از بین آنها دو دعایی را که به خواندن مداوم آن بسیار سفارش شده بیان می کنیم و سایر ادعیه را در بخش سوّم همین کتاب می آوریم.

1_ دعای «اللّهم عرّفتني نفس ...»

در «کمال الدین» و «جمال الاسبوع» به سندهای صحیح و معتبر از شیخ ثقه جلیل القدر، عثمان بن سعید عمری روایت شده که امر نمود به خواندن این دعا و فرمود:

این دعایی است که باید شیعیان در زمان غیبت بخوانند.

مؤلّف گویـد: این بزرگوار اوّلین نایب از نوّاب اربعه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف در زمان غیبت صـغری بود، و آنچه ایشان به آن امر می فرمایـد از جانب صاحب الأمر روحی له الفداء است، پس هر وقت حالی داشـته باشـی، این دعای شـریف را بخوان و کوتاهی نکن، خصوصاً بعد از نماز عصر روز جمعه.

سیّـد جلیل، علی بن طاووس فرموده است: «اگر بعد از نماز عصـر روز جمعه هیچ دعایی را نتوانستی بخوانی ، حتماً این دعا را بخوان و با هیچ عذری ترک نکن، به سـبب امری که از فضل خداوند عالمیان جلّ شأنه اختصاصاً بر آن مطّلع شدیم.» و از این عبارت چنین ظاهر می شود که در این مطلب امری از حضرت صاحب الأمر عجل الله تعالی فرجه الشریف به

جناب سیّد رسیده، و این از مقامات سیّد دور نیست و دعای شریف این است:

«اَللّهُمَّ عَرِّفْني نَفْسَ، فَاِنَّ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْني نَفْسَ لَمْ اَعْرِفْ رَسُولَكَ،

اَللّهُمَّ عَرِّفْني رَسُولَ، فَاِنَّ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْني رَسُولَ لَمْ اَعْرِفْ حُجَّتَ،

اَللّهُمَّ عَرِّفْني حُجَّتَ، فَاِنَّ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْني حُجَّتَ ضَلَلْتُ عَنْ ديني،

اَللّهُمَّ لا تُمِتْني ميتَةً جاهِلِيَّةً، وَلا تُزِغْ قَلْبي بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَني...»(1)

2_ دعای غریق (حریق)

از عبدالله بن سنان روایت شده که گفت:

با پدرم محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شدیم. آن حضرت فرمودند: «چگونه خواهید بود اگر در زمانی باشید که امام هدایتگر و هدایت آشکاری نباشد و دیده نشود و از آن حیرت و سرگردانی نجات نیابد، مگر کسی که دعای غریق را بخواند؟»

راوی گفت: دعای غریق چگونه است؟ حضرت فرمودند:«یا اَللّهُ یا رَحْمانُ یا رَحِیمُ یا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلیٰ دینِكَ».(2)

1- . جمال الأُسبوع: ص552؛ این دعا در بخش ملحقات کتاب مفاتیح الجنان تحت عنوان «دعایی که باید در زمان غیبت خواند» به طور کامل آورده شده است.

2- . کمال الدین: 2/ 351؛ غیبت نعمانی: 81.

[نهم: هدیه کردن ثواب نماز به آن حضرت

سیّد بن طاووس از ابومحمّد صیمری با سند خود از ائمه اطهار علیهم السلام نقل کرده که فرمودند:

«هر کس ثواب نماز خود را به رسول خدا و امیر المؤمنین و اوصیای بعد از آن حضرت علیهم السلام هدیه نماید، خداوند ثواب نمازش را آن قدر زیاد می کند که از شمارش آن نَفَس قطع می شود، و پیش از آن که روح از بدنش خارج شود، به او گفته می شود: ای فلان بن فلان! هدیه تو به ما رسید، پس امروز، روز پاداش و تلافی نیکی های توست».

راوی گوید: به امام عرض کردم، چگونه نمازش را هدیه کند و چه بگوید؟ حضرت فرمودند: «نیّت کند ثواب نمازش را برای رسول خدا یا غیر آن حضرت و...».(1)

مقتضای این حدیث شریف، استحباب هدیهٔ ثواب نمازهای واجب و مستحب به رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم یا صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف یا سایر ائمه اطهار علیهم السلام می باشد. و نیکوست شخص مؤمن نمازهای مخصوصی که در کتب ادعیه آمده؛ مانند: نماز اول ماه یا نماز امیرالمؤمنین یا نماز حضرت زهرا یا نماز سایر ائمه علیهم السلام یا دیگر نماز های مستحبّی و حتی ادعیه و زیارات مثل دعای افتتاح، دعای ابوحمزه، زیارت عاشورا و... را بخواند و ثواب آن را به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هدیه کند، و یا از طرف آن حضرت بخواند و ثواب آن را به اجدادشان هدیه نماید.]

1- . جمال الاسبوع: 15.

[دهم: خواندن نماز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

این نماز در کتاب های متعدد به روایات معتبر آمده؛ از جمله:

در «مکارم الاخلاق» از احمد بن الدربی آمده که گفت:

«از ناحیه مقدّسهٔ امام زمان علیه السلام وارد شده: هر کس حاجتی داشته باشد، شب جمعه بعد از نیمه شب غسل کند و دو رکعت نماز به این صورت بخواند که در رکعت اول سورهٔ حمد را بخواند و چون به {إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعين} رسید، صد بار تکرارکند، و در صدمین بار سورهٔ حمد را تا آخر بخواند و سورهٔ توحید را یک مرتبه، سپس در رکوع و سجود ذکر تسبیح آن را هفت مرتبه تکرار کند، سپس رکعت دوم را به همین صورت انجام دهد و این دعا را پس از نماز بخواند، خداوند حاجت او را هرچه باشد، برمی آورد مگر قطع رحم کرده باشد. و آن این دعا است:

«اَللّٰهُمَّ إِنْ أَطَعْتُكَ فَالْمَحْمَدَةُ لَكَ، وَ إِنْ عَصَيْتُكَ فَالْحُجَّةُ لَكَ، مِنْكَ الرَّوْحُ وَمِنْكَ الْفَرَجُ، سُبْحانَ مَنْ أَنْعَمَ وَشُكِرَ، سُبْحانَ مَنْ قَدَّرَ وَغَفَرَ. اللّٰهُمَّ إِنْ كُنْتُ عَصَيْتُكَ فَإِنِّي قَدْ أَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْياءِ إِلَيْكَ وَهُوَ الْإِيمانُ بِكَ، لَمْ أَتَّخِذْ لَكَ وَلَداً وَلَمْ أَدْعُ لَكَ شَرِيكاً مَنّاً مِنْكَ بِهِ عَلَيَّ لا مَنّاً مِنِّي بِهِ عَلَيْكَ، وَقَدْ عَصَيْتُكَ يا إِلٰهِي عَلَىٰ غَيْرِ وَجْهِ الْمُكابَرَةِ، وَلَا الْخُرُوجِ عَنْ عُبُودِيَّتِكَ، وَلَا الْجُحُودِ لِرُبُوبِيَّتِكَ، وَلٰكِنْ أَطَعْتُ هَوايَ وَأَزَلَّنِي الشَّيْطانُ، فَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ وَالْبَيانُ فَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَبِذُنُوبِي غَيْرُ ظالِمٍ لِي، وَ إِنْ تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي فَإِنَّكَ جَوادٌ كَرِيمٌ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ سپس آنقدر این

کلمه «یا کریم» را تکرار کن تا نفس قطع گردد، سپس بگوید: یَا آمِناً مِنْ کُلِّ شَیْءٍ وَکُلَّ شَیْءٍ مِنْکَ خائِفٌ حَذِرٌ أَسْأَلُکَ بِأَمْنِکَ مِنْ کُلِّ شَیْءٍ وَخَوْفِ کُلِّ شَیْءٍ مِنْکَ، أَنْ تُصَلِّیَ عَلَیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعطِیَنِي أَماناً لِنَفْسِي وَأَهْلِي وَوَلَدِي وَسائِرِ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَیَّ حَتَّیٰ لَا أَخافَ وَلَا أَحْذَرَ مِنْ شَیْءٍ أَبَداً إِنَّکَ عَلَیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ، وَحَسْبُنَا اللهُ وَ نِعْمَالْوَکِیلُ، یَا کافِيَ إِبْرَاهِیمَ نُمْرُودَ، وَیَا کافِيَ مُوسیٰ فِرْعَوْنَ، أَسْأَلُکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَکْفِیَنِي شَرَّ فُلانِ ابْنِ فُلَانٍ ...».

پس بدان! اگر مرد و زن مؤمنی این نماز را بخواند و خالصانه دعا کند، درهای آسمان برای اجابت به رویش گشوده خواهد شد و دعای او به اجابت خواهد رسید».(1)

مصنّفِ ضعیفِ این کتاب، محمد تقی موسوی اصفهانی رضی الله عنه گوید: «مکرّر کارهای مهمی برایم اتفاق افتاد که این نماز را با این کیفیّت به جای آوردم، پس خدای تعالی با لطف و کرمش و به برکت مولایم، امام زمان علیه السلام آن ها را برآورده ساخت».

سید بن طاووس رحمه الله این نماز را همین گونه نقل کرده امّا گفته بعد از نماز، دعای «اللهم عظم البلاء و برح الخفاء» تا آخر خوانده شود.]

1- . مکارم الاخلاق: 339 - 340.

یازدهم : واسطه قرار دادن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در دعا

[زیرا آن حضرت «باب الله» و راه به سوی خداوند وشفیع در درگاه الهی می باشند، و ایشان اسم خداوند هستند که پروردگار عالم امر کرده، بندگانش به حضرتش متوسّل شوند.

حضرت رضا علیه السلام می فرماید:

«هرگاه سختی و گرفتاری به شما رسید، به وسیله ما از خداوند کمک بخواهید، و این است معنای آیهٔ {وَ لِلَّهِ الْأَسْماءُ الْحُسْنی فَادْعُوهُ بِها}.»(1)

روایتی را نیز سلمان فارسی از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله و سلم نقل کرده که حضرت فرمودند:

«همانا خداوند می فرمایند: ای بندگان من، آیا چنین نیست هر کس حاجت بسیار بزرگی از شما بخواهد، آن را برآورده نمی سازید مگر آن که شخص محبوبی را نزد شما واسطه کند تا آن حاجت را به گرامی داشت شفاعت کننده برآورده کنید؟ پس بدانید، گرامی ترین و برترین مخلوقات نزد من محمد و برادرش علی است و بعد از آنان امامانی که واسطه به سوی خداوند هستند، پس هر کس حاجت بزرگی دارد یا می خواهد ضرری از او دفع شود، مرا به واسطهٔ خاتم النبیین بخواند.»(2)]

1- . بحار الانوار: 94/ 22.

2- . بحار الانوار: 94/ 35.

دوازدهم : در دعا، حضرت را مقدّم داشتن

این که وقتی شخص دعا می کند، اول برای سلامتی آن حضرت و ظهورشان دعا کند و بعد برای خودش.

و این مطلب از تأمّل در دعای روز عرفه از صحیفهٔ مبارکه سجّادیه(1) بر می آید، چنان که اقتضای کمال محبّت و مراقبت در ادای حقوق آن حضرت همین است، و از بعضی از احادیث خاصّه هم استفاده می شود.

علاوه بر این که صد فایده بزرگ از فواید دنیویّه و اخرویّه برای شخص به سبب دعا نمودن به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و طلب فرج و ظهور آن حضرت را از حق تعالی نمودن حاصل می شود(2)؛ و قطعاً شخص عاقل مقدّممی کند تحصیل آن فواید فراوان را بر دعای به خودش که نمی داند مستجاب می شود یا نه.

و چه بسا همین مقدّم داشتنِ دعای به حضرت، وسیله استجابت دعاهایی می شود که بعد از آن برای خود می کند، ان شاء الله تعالی.

و نیز ذکر صلوات پیش از دعا و بعد از آن فراموش نشود و چنان که در حدیث آمده، باعث استجابت دعاست.(3)

1- . صحیفه سجادیه جامعه: دعای147.

2- . به زودی در بخش سوم: گنجینه فواید دعا برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد آمد.

3- . کافی: 2/494.

سیزدهم : با صدای بلند به حضرت دعا کردن

مخصوصاً در مجالس و محافل، زیرا علاوه بر تعظیم شعائر، از یک عبارت دعای ندبه (1) که مروی از امام صادق علیه السلام است استحباب و رجحان آن آشکار می شود.

چهاردهم : خواندن دعای ندبه در روزهای خاص

در روزهای جمعه و اعیاد غدیر، فطر و قربان دعای ندبه را که متعلّق به آن حضرت است به حالت خوش و سوز و گداز و توجّه بخواند. و شرکت کردن در مجالسی که به این منظور منعقد می شود از آن نظر که تعظیم و بزرگداشت حضرت می باشد، فضیلت بسیار دارد.

پانزدهم : دعا برای ظهور و پیروزی حضرت

برای این عمل فواید بسیار از اخبار ائمه اطهار علیه السلام جمع کرده ام،(2)

در توقیع شریف مروی از آن حضرت علیه السلام روایت شده:

«بسیار دعا کنید برای تعجیل فرج من، زیرا گشایش و فرج شما به آن است.»(3)

امام حسن عسکری علیه السلام نیز می فرمایند:

«این دعا ـ یعنی طلب فرج و ظهور آن حضرت را از خداوند عالم نمودن ـ باعث ثابت قدم ماندن برایمان است.»(4)

1- . و آن عبارت این است: «إلی متی أجار فیک یا مولاي وإلی متی» و در قاموس گفته: «جار» به معنی بلندکردن صدا است به دعا و زاری کردن. «مؤلف»

2- . در بخش سوم کتاب بیان شده است.

3- . احتجاج: 2/284.

4- . بحار الانوار: 52/23، ح16.

شانزدهم : دعا برای قرار گرفتن در زمره یاران حضرت

چنان که در دعای عهد نامه و غیره آمده است.

هفدهم: دعا برای یاران حضرت و نفرین بر دشمنان حضرتش.

یعنی برای پیروزی یاران حضرت و مصونیّت آنان از شک و شبهه و ریا دعا کند، همچنان که در دعای یونس بن عبد الرحمان به نقل از امام رضا علیه السلام آمده است.(1)

و نیز برای نابودی دشمنان و بدخواهان حضرت دعا نماید، و بر آن ها لعن فرستد.

امام حسن عسکری علیه السلام می فرمایند:

هرکس از یاری ما اهل بیت ناتوان باشد اما در خلوت خود دشمنانمان را لعنت کند، صدایش به تمام فرشتگان از زمین تا عرش خواهد رسید و او را یاری خواهند نمود وهمراه با اودشنان را لعنت کنند، آنگاه می گویند: خداوندا، بر این بنده ات درود فرست که آن چه در توان داشت بذل کرد و اگر بیش از این می توانست انجام می داد.(2)

هجدهم : صلوات فرستادن برای سلامتی و تعجیل فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

صلوات برای سلامتی حضرت و یاران ایشان نوعی دعا به آن هاست، و در دعای عرفه از صحیفه مبارکه سجادیه (3) ذکر شده، و از برخی دعاهای دیگر نیز استفاده می شود.

1- . این دعا در بخش سوم کتاب، یعنی فواید دعا برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد آمد.

2- . بحار الانوار: 27/223.

3- . صحیفهٔ سحادیهٔ جامعه: دعای 147.

38 - 44. وظایف سایر جوارح

اول : برخاستن به احترام نام یا القاب امام زمان علیه السلام بالاخص «قائم»

[همانا سیره شیعیان دوازده امامی این بوده، زیرا اینعمل تعظیم و احترام به آن حضرت می باشد و مؤیّد آن، روایتی است که نقل شده: «روزی از حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در مجلس امام صادق علیه السلام یاد شد، بس امام به منظور احترام، تعظیم و تجلیل اسم آن حضرت برخاستند.»(1)

و نیز نقل شده: امام رضا علیه السلام در جلسه ای که دعبل خزاعی قصیدهٔ معروفش در مدح اهل بیت را خواند، هنگام برده شدن لفظ «قائم» برخاستند و دست بر سر شریف گذاشته و چنین دعا کردند: «اللّهمّ عجّل فرجه وسهّل مخرجه.»(2)

می توان گفت: این برخاستن، گاهی واجب می شود به خاطر بعضی از جهات؛ مانند این که اسم شریف آن حضرت یا یکی از القاب مبارکش در مجلسی برده شود و همه حضّار به احترام آن حضرت برخیزند و کسی بدون عذر بلند نشود، اگر این برنخاستن او توهین و هتک حرمت به حضرت باشد، تردیدی در حرام بودن آن نیست؛ چه برسدبه آن که به قصد بی حرمتی و جسارت به حضرتش برنخاسته باشد؛ و هتک حرمت و توهین به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، توهین به خداوند است.]

1- . الزام الناصب: 1/249.

2- . نجم الثاقب: 523.

[دوم: بزرگ داشت هر چیز منتسب به حضرت

از دیگر وظایف شیعیان، بزرگ داشت اماکنی است که با قدوم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف متبرّک شده یا منسوب به ایشان است؛ مانند: مسجد سهله، مسجد کوفه، مسجد جمکران، سرداب مبارک در شهر سامرا و مکان هایی که بعضی صلحا آن حضرت را در آنجا دیده اند، یا در روایات آمده حضرت در آن اماکن توقّف کرده اند.

همچنین است بزرگ داشت نام ها، القاب، سخنان، نامه ها و کتاب هایی که در احوال حضرت ولیّ عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشته شده؛ زیرا تعظیم این موارد بزرگ شمردن شعائر الله است که قرآن می فرماید: {وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ}(1).

و نقل شده، امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «نحن الشعائر والأصحاب»(2) یعنی ما اهل بیت شعائرالله و اصحاب سرّ و راز خداوند هستیم.

و منظور از شعائر خداوند: هر چیزی است که انتساب خاص و ارتباط ویژه با خداوند متعال دارد، بی واسطه یا با واسطه، به گونه ای که از نظر شرع و عرف بزرگ داشتن آن، تعظیم خداوند محسوب شود و بی اعتنایی و کوچک شمردن آن، تحقیر و توهین خداوند به شمار آید.

و روایت شده است:

امام رضا علیه السلام به عیادت علیّ بن عبیدالله که بیمار شده بود، رفتند و چون از کنار او برخاستند و رفتند امّ سلمه، همسر علیّ بن عبیدالله که از پشت پرده حضرت را می نگریست، خود را بر جایگاهی انداخت

1- . سوره حج، آیه 32.

2- . ینابیع المودّة: 3/ 417.

که امام رضا علیه السلام نشسته بودند و بر آن بوسه می زد و بدن خود را بر آن می کشید، چون این خبر را به امام رضا علیه السلام دادند، حضرت کار همسر علیّ بن عبیدالله را نه تنها رد نکرده بلکه فرمودند: «او از اهل بهشت است.»(1)

زیرا تبرّک جستن، بوسیدن و بزرگداشت جای نشستن حضرت رضا علیه السلام نشانهٔ معرفتش به مقام امام علیه السلام بود.

در روایت دیگری آمده:

چون امام باقر علیه السلام شهید شدند، امام صادق علیه السلام امر فرمودند، در اتاقی که مخصوص امام باقر علیه السلام بود دائماً چراغ روشن کنند و این کار ادامه داشت تا امام صادق علیه السلام به شهادت رسیدند، پس از آن امام کاظم علیه السلام نیز همین عمل را در مورد اتاق مخصوص امام صادق علیه السلام امر فرمودند و این ادامه داشت تا حضرت را به زندان بغداد بردند.(2)

پس به استناد این حدیث مستحبّ است، روشن کردن چراغ در مکانی که توقّف گاه یا محلّ رفت و آمد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده یا وقت و زمانی که منسوب به حضرتش باشد؛ مانند: چراغانی شب تولد در نیمهٔ شعبان. و نیز مستحبّ است تمیز کردن، زینت نمودن، مفروش کردن و احیای آن اماکن و پرهیز از نجس و کثیف کردن و انجام کارهای ناروا در آنجا.]

1- . بحار الانوار: 49/222 ح15.

2- . کافی: 3/251 ح5.

سوم : بدن نسبت به امام خاشع باشد و در خدمت آن حضرت

[در دعـای امـام صـادق علیه السـلام در روز جمعه آمـده: «اَللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِقَلْبٍ خَاضِعٍ وَ إِلَى وَلِيِّكَ بِبَدَنٍ خَاشِعٍ وَ إِلَى الْأَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ بِفُؤَادٍ مُتَوَاضِعٍ...» «بار خدایا، به درگاه تو تقرب می جویم با دلی خاضع، و به سوی ولیّت با بدنی فروتن و به امامان هدایت کننده با قلبی متواضع ...»(1)

منظور از «ولیّ» در اینجا به قرینه ذکر ائمه دیگر، و این که این تعبیر در چنـدین دعا و حدیث از مولایمان، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آمده، مقصود حضرت بقیةالله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

و مقصود از خشوع بـدن آن است که بـدنت را برای خـدمت کردن به مولاـیت و برپـایی امر او به کار بگیری و در این راه کوتاهی ننمایی و خستگی را در خودت راه ندهی؛ مانند غلامی که بدنش را در خدمت و اطاعت مولایش به کار می گیرد و در این حال حتّی تصوّر نمی کند که بر مولایش احسان و منّتی دارد، بلکه می داند اگر در راه خدمت و اطاعت او سستی کند و تکبّر و گردن کشی نماید، مقصّر است.

و هرگاه حال غلامی که با چند سکه طلا خرید و فروش می شود، این گونه باید در مقابل مولایش خاضع باشد، پس وظیفهٔ ما در مقابل امام زمان علیه السلام که بر ما ولایت تامّه دارند، مشخّص است.

پس هر کس باید به قدر توان خود در ادای حقوق امام زمان علیه السلام اهتمام کند و در خدمت گزاری آن حضرت کوتاهی ننماید.

همانا یاری رساندن و خدمت به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در هر

1- . جمال الأسبوع: 230.

کاری است که شخص بداند مورد نظر و خواست آن بزرگوار است، لذا بر حسب زمان و مکان و توانایی افراد متفاوت است؛ گاهی یاری و خدمت گزاری به حضرت با دعوت مردم به سوی امام زمان علیه السلام و بیان فضایل و سفارش ها و معجزات ایشان است، گاهی با تألیف کتاب و نشر آن، گاهی با دفع شبهات و مناظره و بحث، گاهی با یاری به دوستان حضرت، گاهی با برپایی مجالس و اطعام به نام ایشان، گاهی با نظافت و نوکری برای آماده شدن مجالس آن حضرت، گاهی با انجام کارهای تبلیغاتی و استفاده از ابزارهای روز برای ترویج معارف مهدوی و... می باشد.

خلاصه آن که هر کس بایستی به اندازه توان خود درادای حقوق امام زمان علیه السلام و خدمت گزاری به آن حضرت تلاش کند و کم فروشی ننماید.]

در کتاب بحار روایت شده است:

از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا حضرت قائم علیه السلام متولّد شده؟ فرمودند: هنوز متولد نشده، بعد فرمودند:

«اگر من در زمان او می بودم تا زنده بودم به او خدمت می کردم.» (1)

مؤلّف گوید: ای مؤمن، ببین حضرت صادق علیه السلام با آن جلالت قدر چه می فرماید، پس اگر تو به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خدمت نمی کنی لااقل شب و روز قلب او را محزون و مغموم نکن، آری چو عسل نمی دهی نیش مزن.

1- . بحار الانوار: 51/148.

[چهارم: دیدار با علمای ربّانی و مؤمنین صالح

یکی از کارهای نیک که در زمان غیبت، روح انتظار و امیـد را تقویت می کنـد، آن است که به قصـد نایل شـدن به فیض زیارت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف با علمای ربّانی و مؤمنین صالح به ویژه آنان که ارتباط روحی و قلبی خاص باحضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دارند، دیدار کرده و علاوه بر جویا شدن از احوال آنان، از روحانیّت و صفای باطنی و سخنان ایشان بهره برد.

شیخ صدوق رحمه الله از امام صادق علیه السلام روایت کرده که حضرت فرمودند:

هرکس نتواند ما را صله نماید باید دوستان صالح ما را صله کند تا ثواب صلهٔ ما برای او نوشته شود،

و هر کس نتواند ما را زیارت کند، دوستان صالح ما را زیارت کند که ثواب زیارت ما برایش نوشته می شود.(1)

شیخ طوسی رحمه الله نیز از امام کاظم علیه السلام روایت کرده که حضرت فرمودند:

«هر کس نمی تواند ما را زیارت کند، پس برادران صالح خود را زیارت نماید زیرا ثواب زیارت ما برایش نوشته می شود.»(2)]

1- . ثواب الاعمال: ص124.

2- . تهذیب: 6/104.

پنجم : حج رفتن به نیابت از حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف

[نیابت حـج و طواف کعبه و زیارت در از روزگار قـدیم تا کنون بین شـیعیان رسم بوده، و در اسـتحباب آن علاوه بر نیکی و مودّت مؤمن به امام زمانش عجل الله تعالی فرجه الشریف، روایات زیادی هست که چند نمونه می آوریم.

در روایتی آمده:

معاویه بن عمر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا می توانم پدر و مادرم را در حجّ خود شریک سازم؟ فرمودند: «آری، همانا خداوند برای تو حجّی و برای آنان حجّی قرار می دهد و به سبب صله و مهربانی ات به آنان برای تو اجری خواهد بود.»(1)

و حدیث صـراحت دارد، به شـریک کردن شـخص در حج، از اوّل آن؛ نه شـریک ساختن او در ثوابش پس از آنکه آن عمل را برای خودش انجام داده است.

امام کاظم علیه السـلام نیز می فرماینـد: پـدرم به من فرمودنـد:«اگر هزار نفر را در حـج خود شـریک گردانی، برای هریک از آن ها حجّی خواهد بود، بدون آن که چیزی از حجّ تو کاسته شود.»(2)

آن چه بر صحیح بودن انجام حجّ به نیابت از امام معصوم علیه السلام دلالت دارد، روایتی است که محمد بن عیسی یقطینی گوید:

امام رضا علیه السـلام برای من و برادرم موسـی بن عبید و یونس بن عبدالرحمن لباس و پول فرسـتادند تا به نیابت از آن حضـرت حج به جا آوریم.(3)]

1- کافی: 4/315 وص317.

2- . کافی: 4/315 وص317.

3- . تهذیب: 8/ 40 ح 40.

ششم : طواف کعبه به نیابت از حضرت

[آن چه بر صـحّت و اسـتحباب طواف کردن به نیـابت از امـام معصوم علیه السـلام دلالت دارد، روایتی است از موسـی بن القاسم که می گوید:

به امام جواد علیه السـلام عرض کردم: می خواستم به نیابت شما و پدرتان، امام رضا علیه السلام طواف کنم، امابعضی به من گفتند: چنین کاری صحیح نیست.

حضرت فرمودند: «بلکه هرقدر توانستی طواف کن که جایز است.»

بعـد از مـدّتی، دوباره خـدمت آن حضـرت آمده و عرض کردم: یک روز به نیابت از رسول خدا صـلی الله علیه وآله و سـلم کعبه را طواف کردم، روز بعد به نیابت از امیرالمؤمنین علیه السـلام و روزهای دیگر، هر روز به نیابت یکی از امامان علیهم السـلام و روز دهم را به نیابت از شما طواف نمودم و اینان اند که به ولایتشان دین داری خدا را می کنم.

پس حضرت فرمودند: «به خدا قسم، دین داری می کنی.»

بعد عرض کردم: گاهی به نیابت از مادر ارجمندتان فاطمه زهرا علیها السلام طواف کردم و گاهی هم ننمودم.

حضرت فرمودند: «این طواف را بسیار انجام بده که ان شاءالله بهترین عملی است که تو انجام داده ای.»(1)]

1- . کافی: 4/314.

هفتم: به نیابت از آن حضرت به زیارت قبور پیغمبر و ائمّه اطهار علیهم السلام به ویژه امام حسین علیه السلام و سایر مشاهده مشرّفه رفتن

آنچه بر استحباب این عمل دلالت دارد، علاوه بر آنچه در بحث استحباب حج و طواف به نیابت از امام علیه السلام آورده شد، روایات دیگری است که در این خصوص آمده؛ از جمله:

در روایتی آمده:

امام هادی علیه السلام به نیابت خود شخصی را به زیارت مرقد امام حسین علیه السلام فرستادند تا برای آن حضرت دعا کند.(1)

در روایت دیگری داود صرمی گوید:

به امام هادی علیه السلام عرض کردم، مرقد پدر شما (امام جواد علیه السلام) را زیارت کردم و ثوابش را به شما هدیه کردم.

حضرت فرمودند: «همانا به سبب این کار خداوندبه تو پاداش بسیاری می دهد و ما از تو سپاس گزاریم.»(2)

چنان چه گفته شد، وقتی روایات زیادی هست که دلالت دارد بر صحّت و فضیلت انجام حج و طواف و زیارت حرم ائمه اطهار علیه السلام و امام زادگان و سایر مشاهد مشرّفه به نیابت از شخصی و یا شریک ساختن مؤمنین و مؤمنات در ثواب آن، چه زنده باشند و چه مرده مخصوصاً اگر از خویشاوندان باشند، پس در این صورت اگر هر یک از این کارها به نیابت از مولا یمان صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد، مرتبه و ثوابش بسیار بیش تر خواهد بود، زیرا مقام حضرت از همه مؤمنان بالاتر است.]

1- . بحار الانوار: 102/257.

2- . وسائل الشیعة: 10/464 ح1.

فصل دوم : وظایف اجتماعی نسبت به امام علیه السلام

اشاره

ص: 93

45 - 49. وظایف در میان عموم مردم

اول : دعوت مردم به معرفت حضرت و خدمت گزاری به ایشان

[این کار از مهم ترین و با فضیلت ترین عبادات است، و تمام آیات و روایاتی که دربارهٔ فضیلت امر به معروف و هدایت مردم آمده، مؤیّد آن است. قرآن می فرماید:

{ادْعُ إِلی سَبیلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ}(1)

«با حکمت و موعظه نیکو مردم را به راه پروردگارت دعوت کن.»

و مقصود از « سبیل ربّك» راهی است که با پیمودنشرضای خداوند حاصل می شود، و شکّی نیست که آن راه، معرفت ائمّه اطهار علیهم السلام و پیروی از ایشان است. در زیارت جامعهٔ کبیره آمده: «أنتم السبیل الأعظم و الصراط الأقوم» یعنی «شما ائمه، شاهراه بزرگ و استوارترین طریق هستید.»؛ پس دعوت به پیروی از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و خدمت به حضرتش عمل به امر خداوند است که وظیفهٔ هر مسلمانی می باشد.

امام عسکری علیه السلام در توضیح آیه 83 سورهٔ بقره درباره ثواب عظیم احسان و نیکی به یتیم می فرمایند:

«بدانید، سخت تر از یتیمی که پدراز دست داده، حال آن یتیمی است که از امامش جدا شده و نتواند به حضور او برسد و نداند احکام و معارفش چیست.

1- . سورهٔ نحل: آیه125.

آگاه باشـید، هرکس از شـیعیان که علوم ما را بداند و کسـی را که از دیدن ما محروم مانده و به شریعت و معارف و ما جاهل است، هدایت کنـد و مطالب ما را به او بیاموزد، یتیمی در دامان خود نشانده است و در اعلی مرتبهٔ بهشت با ما خواهد بود. پدرم این را از پدرش تا برسـد به رسولخدا صلی الله علیه وآله و سلم برایم نقل کرده است.»(1)

در روایت دیگری امام عسکری علیه السلام به نقل از امام سجاد علیه السلام می فرمایند:

خداوند به موسـی علیه السلام خطاب کرد: ثواب عمل کسی که امام و حجّت زمان را به مردم بشناساند، از ثواب یکصد سال عبادتِ کسی که روزها روزه دارد و شب هایش به عبادت مشغول باشد، بالاتر است.(2)

امـا دعوت مردم به شـناخت و کسب معرفت حضـرت ولی عصـر عجل الله تعالی فرجه الشـریف، گاهی از طریق حکمت علمی یعنی با سخن گفتن از فضایل و سـخنان و کرامات ایشان و حقوقی که آن حضـرت بر گردن امّت دارنـد و بیان وظایف مردم به حضـرت عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقّق می یابد؛

و گـاهی بـا حکمت عملی یعنی با مواظبت و مراقبت دعوت کننـده در اعمال و کردار و اخلاق نیک دینی وانسانی اش محقّق می شود، که مردم با نگاه به دعوت کننده و شـیوه رفتارش به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف و شـناخت حضـرت و رعایت حقوق آن بزرگوار رغبت پیدا می کند، همچنان که امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«با غیر زبانتان (با اعمالتان) مردم را به سوی ما دعوت کنید.»(3)]

1- . تفسیر امام عسکری علیه السلام: ص 339.

2- . بحار الانوار: 2/4.

3- . بحار الانوار: 78/199 ح 25. این حدیث در ص66 به تفصیل بیان شده است.

دوم : محبوب نمودن حضرت در بین مردم

[هر عقل سالمی حکم می کنـد، ولیّ نعمت و واسـطهٔ روزی و همـهٔ خیرات و برکات و تمام نعمت های خداوند به ما و سایر مخلوقات را باید دوست داشت و به او محبّت کرد.

امام عسکری علیه السلام می فرمایند:

«خداوند به حضرت موسی وحی کرد مرا نزد مردم محبوب نما!

موسی علیه السلام عرض کرد: پروردگارا! چگونه؟

ندا آمد: نعمت ها و بخشش های مرا به آنان یادآوری کن تا مرا دوست بدارند.»(1)

از این رو یکی از وظایف مؤمن آن است، مردم را دوست امام زمان علیه السلام گرداند، و این به دو صورت قابل انجام است:

یکی با ذکر فضایل و مقامات بلنـد ایشان، و بیان احسان، برکات، خیرات و محبّتی که حضـرت به مردم دارنـد، و نقل داسـتان کسانی که به خدمت آن حضرت شرفیاب شدند و کراماتی دیده اند، یا با توسّل به حضرتش گره از مشکلات آن ها باز شده است و مانند این ها.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«خداونـد رحمت کند بنده ای که ما را نزد مردم محبوب نماید و ما را در معرض دشـمنی و کینه توزی آنان قرار ندهد. همانا به خدا سوگند اگر سخنان زیبای ما را برای مردم روایت می کردند به سبب آن عزیزتر می شدند و هیچ کس نمی توانست وصله ای به آنان

1- . تفسیر امام عسکری علیه السلام: 116.

بچسباند، ولی یکی از آنان کلمه ای را می شنود، پس ده کلمه از پیشخود بر آن می افزاید.»(1)

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«خداوند رحمت کند، بنده ای که دوستی مردم را به ما جلب کند، و به آن چه می شناسند، با آنان سخن گوید و آن چه را منکرند، واگذارد.»(2)

راه دیگر محبوب نمودن امام عصر علیه السلام در جامعه آن است، سعی نماید کارهایی کند که سبب محبّت و امیدواری مردم به آن بزرگوار و آرزوی ظهور و دعا برای فرج حضرت می شود.](3)

1- . الكافي: 229 ح 293.

2- . امالی صدوق: 61.

3- . یعنی هر کس در موقعیّت اجتماعی و شغلی خود سعی نماید، خدمتی به مردم بکند و گره ای از مشکلات آنان باز نماید، و اگر امکانات مالی دارد در مسائل درمانی و معیشتی که توان بسیاری از مردم کم شده و نیازمند شده اند، کمک کند و آن گاه بگوید این کار را به عشق امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف انجام دادم و یا بگوید چون آن حضرت خدمت به شیعیان و حلّ مشکلاتشان را دوست دارند، از طرف آن حضرت و به نیّت ایشان این کار را کرده است و مانند این جملات. وقتی مردم این خوبی ها را می بینند یا می شنوند، خود را مدیون و مرهون آن حضرت می دانند و محبّت حضرتش در دل آنان زیاد می شود و به دولت کریمه و عدالت محور امیدوار گردیده و برای سلامتی و تعجیل فرج حضرت دعا خواهند کرد. (محقق)

سوم : آموزش معارف دینی و پاسخ به شبهات

از دیگر وظایف این که علما علم خود را ظاهر کننـد و به کسانی که نمی داننـد طریق جواب دادن به مخالفین را بیاموزنـد که آن ها حیران و گمراه نشوند، و اگر حیران اند از سرگردانی نجات یابند، مخصوصاً در این زمان که بدعت ها و شبهات فراوان است.

امام محمّد تقی الجواد علیه السلام در این باره می فرمایند:

«عالمی که از یتیمان آل محمّد صـلی الله علیه وآله و سـلم پرسـتاری کند، همان کسانی که از امام خود دور افتاده اند، یعنی امام آن ها از نظرشان غایب شده و حیران مانده اند، و در دست شیاطین اسیر گشته و به دست دشمنان ما گرفتار شده اند؛ پس او آنان را از حیرت نجات دهد و وسوسه های شـیاطین را از آن ها دور کند و دشمنان شان را با دلیل و برهانی که از ائمه به آنان رسیده ذلیل و مغلوب نماید، فضیلت این دسـته از دانشـمندان بر عابدان بیش تر از فضـیلت آسمان و عرش و کرسی و حجاب بر زمین است، و مثل فضیلت ماه شب چهارده بر کوچک ترین ستاره های آسمان است.»(1)

و از امام علی النقی الهادی علیه السلام نیز روایت شده که می فرمایند:

«اگر نباشد برکت علمایی که در زمان غیبت، مردم را به آن حضـرت دعوت می کنند، و با دلایل محکم شبهات ملحدین را رفع می نمایند، و مردمِ ضعیف را از دام شیطان و دشمنان دین نجات می دهند، همانا تمام مردم گمراه شوند و از دین بر می گردند، لکن

1- . تفسیر امام عسکری علیه السلام: ص 273، ح 224.

این علما زمام دل های ضعفای شیعیان را نگاه می دارند چنان که صاحب کشتی سکّان آن را نگاه می دارد، و این طائفهٔ از علما نزد خداوند جلّ شأنه از هر کسی افضل وبهترند.»(1)

از معاویة بن عمار روایت شده:

به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: شخصی که احادیث شما را روایت می کند و آن ها را در میان مردم منتشر می نماید و به سبب آن دل های شیعیان شما را محکم می کند، او بهتر است، یا عابدی که عبادت می کند و حدیث روایت نمی کند؟

حضرت فرمودند: «آن که از ما روایت می کند و دل های شیعیان ما را به آن محکم می کند بهتر از هزار عابد است.»(2)

پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم نیز می فرمایند:

«هرگاه بدعت ها در میان امّت ظاهر شد، باید عالم علم خود را آشکار کند و اگر نکند، لعنت خدا جلّ شأنه بر اوست.»(3)

رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم در جای دیگری به حضرت علی علیه السلام فرموده اند:«یا علی! اگر حقّ تعالی یک نفر را به علم تو هدایت کند از تمام آن چه آفتاب بر او می تابد برای تو بهتر است.»(4)

1- . تفسیر امام عسکری علیه السلام:273.

2- . کافی: 1/33.

3- . کافی: 1/54.

4- . بحار الانوار: 21/361، ح3.

چهارم : ناشناس ماندن و پرهیز از شهرت

زیرا شهرت، آفت است و ناشناسی، سبب در امان ماندن است. امام باقر علیه السلام می فرمایند:

«زمانی بر مردم خواهد رسـید که امامشان غایب شود. خوشا به حال آنان که بر امر ما پایدار بمانند، ...» جابر پرسید: ای فرزند رسول خدا! بهترین کاری که مؤمن در آن زمان انجام دهد چیست؟ حضرت فرمودند: «حفظ زبان و خانه نشینی.»(1)

[امیرالمؤمنین علیه السلام نیز می فرمایند:

«(آخر الزمان) زمانی است که نجات نمی یابد، مگر هر مؤمن بی نام و نشان که اگر در مجالس حضور یابد، شـناخته نشود؛ و هرگاه غایب باشد، درجستجوی او بر نیایند و سراغش را نگیرند، ...

ای مردم! زمانی بر شما خواهد رسید که اسلام آن چنان واژگون شود همچنان که ظرف واژگون گردد و آن چه در آن است، بریزد.»(2)

از امام صادق علیه السلام روایت شده:

«امیرالمؤمنین علیه السلام بر منبر شهر کوفه فرمودند: همانا پشت سر شما فتنه های تاریک و کور و بی نور خواهد آمد و از آن فتنه ها کسی نجات نیابد مگر نُوَمَه. گفته شد: نُوَمَه چیست؟

فرمودند: کسی که مردم را بشناسد ولی مردم او را نشناسند.»(3)

و این روایات بر پرهیز از شهرت در عصر غیبت دلالت دارد.]

1- . کمال الدین: 1/ 330.

2- . نهج البلاغه: خطبه 102.

3- . غیبت نعمانی: ص70.

[پنجم : سرودن شعر و خواندن اشعار فضایل آن حضرت برای مردم

سرودن یا خواندن شـعر در فضایل امام زمان علیه السـلام یاریآن حضرت است و دلیل آن، روایات فراوانی است که در ستایش شعر گفتنِ در فضایل و مناقب اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده است.

امام باقر علیه السلام به کمیت فرمودند:

«تا وقتی دربارهٔ ما شعر می گویی، پیوسته به روح القدس تأیید می شوی».(1)

امام رضا علیه السلام می فرمایند:

«هر مؤمنی دربـاره ما شـعری بسـراید، خداونـد برای او در بهشت خانه ای خواهـد ساخت که هفت برابر دنیا باشـد و در آن جا هر فرشـته مقرّب و پیامبری را دیدار خواهد کرد.»(2). (3)

1- . وسائل الشیعه : 10/467 ح4.

2- . وسائل الشیعه: 10/467 ح 2.

3- . هنر، بـا ایجـاد زیبایی می توانـد احساسات، عواطف، هیجانات، گزاره های تاریخی، مصائب و وقایع، مفاهیم، ایـده ها و ارزش های والاـ را به نحوی انتقـال دهـد که گـاهی کلمـات و جملاـت از بیـان آن هـا نـا تواننـد. عالی ترین هـدف هنر ایجاد و برانگیختن عواطف و احساسـات فردی و اجتمـاعی است تا اذهان و وجـدان ها را به هم نزدیک سازد؛ لـذا در طول تاریـخ شاهکارهای هنری در انتقال مفاهیم ماندگار شده اند؛ نظیر تابلوی عصر عاشورای استاد فرشچیان. نقاشی با گونه های خود، خطّاطی، معماری، پیکرتراشی، طراحی و گرافیک، عکاسی، فیلم سازی، تئاتر، نمایش نامه نویسی، قصّه نویسی، داستان نویسی، خاتم کاری، مینیاتور، معرّق، منبّت کاری، فرش بافی و... از مصادیق هنراند. از دیگر مصادیق بارز هنر، سـرودن شـعر در سبک ها و گونه های مختلف آن است. شعر در روح و جان انسان ها اثر می گذارد و همه از شـنیدنش لذّت می برند؛ زیرا یکی از بهترین ابزار القاء مفاهیم و نیز تحریک احساسات و عواطف است. بسـیاری از مواقع بیان مطالب علمی، اخلاقی، اجتماعی، تاریخی، فرهنگی، ادبی، دینی، مذهبی و... در قالب متن واکنش و تأثیر چندانی بر مخاطب ندارد، اما به صورت شـعر اثر گذاری اش چند برابر خواهد بود، و هیجان و احساسات او را برخواهد انگیخت، به گونه ای که گاهی یک بیت بیش تر از یـک ساعت سـخنرانی در مخاطب اثر می گـذارد؛ از این رو اهل بیت علیهم السـلام نیز وقتی شاعری؛ مثل: دعبل یا فرزدق و... در مدح و فضایل اهل بیت علیهم السـلام یا امر ولایت شـعر می سـرود، او را بسیار تشویق می کردند و هدایای فراوان می دادند و به خوانده شدن و نشـر آن ابراز علاقه می نمودند که روایات فراوانی در این باره داریم. اگر چه صاحب مکیال به مقتضای زمان خویش سـرودن شـعر برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف و در موضوع معارف مهدوی را به عنوان یکی از تکالیف برشـمرده اند، اما باید امروزه آن را تعمیم داد و این وظیفه و تکلیف را برای هر هنری دانست که بتواند در مسیر خدمت گزاری به اهل بیت علیهم السلام باشد، و احساسات و عواطف جامعه و توجّه مردم را به اهل بیت به ویژه امام زمان علیه السلام نه تنها در جوامع اسلامی، بلکه در جوامع غیر اسلامی برانگیزاند، لـذا هر هنرمنـدی که بتوانـد با هنر خود فضایل و و زیبایی های امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف، معارف مهدوی، آرزوی انبیا و اوصـیا به دیـدن ایشـان، منجی در ادیان الهی، مفاهیم انتظار و فرج، زیبایی عصـر ظهور و برپایی دولت حقیقی قسط و عـدل، تشـرّفات به

محضر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، سخنان و پیغام های حضرت و... را به مردم منتقل کند و ایجاد شوق و رغبت در طبقات مختلف جامعه برای ظهور آن حضـرت و دعای به آن بزرگوار نماید، امام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشریف را یاری کرده و این تکلیف متوجّه اوست و قطعاً اجر بسیاری خواهد داشت. (محقق)

50-52. وظایف در میان دوستان حضرت

[اول : سفارش یکدیگر به صبر در زمان غیبت

یعنی هر مؤمنی به همسر، فرزندان، نوادگان، بستگان دور و نزدیک، و دوستان و آشنایان سفارش کند، ایمان به صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و صبوری بر طولانی شدن غیبت، و این که ظلم و جور زیاد و زیادتر شود اما حضرت ظهور نکنند، و به دنبال همین صبر و دعای برای فرج، پیروزی است.(1) سفارش کند بر اثر طولانی شدن غیبت و شبه افکنی ها نا امید نشوند و منکر وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نگردند؛ زیرا ظهور حضرتش وعدهٔ همه انبیا و اوصیاست ، و انتظار فرج و صبر بر آن از اقسام فرج است، همانند کسی که در شدّت بیماری اش می داند طبیب حاذقی وجود دارد که قرار است بیاید و همین انتظار او را به زندگی امیدوار می کند و باعث تقویت روحیه و تسلّی دردهای اوست.

محمد بن فضیل می گوید :

از امام رضا علیه السلام درباره فَرَج پرسیدم. حضرت فرمودند: «آیا مگر نه این است که انتظار فَرَج خود از فَرَج است؟ خداوند می فرماید: «منتظر باشید، به درستی من هم از منتظران هستم». (2)][(3)

1- . یکی از وظایف والدین و مربّیان، تربیت فرزندان ولایی و منتظر ظهور است تا محبّت و اعتقاد به ولایت اهل بیت علیهم السلام و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، شوق دیدار حضرت ، انتظار ظهور و... به نسل های بعدی منتقل شود و آن ها را در مسیر مستقیم زندگی و خداپسندانه نگه دارد. پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم می فرمایند: «اولادتان را با محبّت من و اهل بیتم و فراگیری قرآن تربیت کنید.» (احقاق الحق: 18/498) (محقق)

2- . سورهٔ یونس: آیه 20.

3- . بحار الانوار: 52/130 ح29.

دوم : همدلی و تلاش همگانی بر یاری امام زمان علیه السلام

اگرچه یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف وظیفه هر فردی است، اما در همدلی و اتّحاد اثری است که در انفراد نیست. لذا از دیگر تکالیف اجتماعی برنامه ریزی جمعی است، به این معنی که دل های مؤمنان در یاری به حضرتش با هم متّفق باشد و هم عهد شوند در یاری آن حضرت و وفای به عهدی که با حضرتش نموده اند. در نامهٔ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به شیخ مفید رحمه الله آمده:

«اگر شیعیان ما در وفای به عهدی که بر آن هاست با هم یک دل و متّفق می شدند، هر آینه ظهور من عقب نمی افتاد و زودتر به سعادت زیارت جمال من فائز می شدند»(1) .(2)

1- . احتجاج: 2/325.

2- . رشد علمی، شغلی، اخلاقی و معنوی افراد، غالباً در سایه تشویق بوده است. و چه بسیار الگودهی کرده و سبب شده تا افراد دیگر نیز از تنبلی یا کارهای زشت دست بردارند و به حرکت در مسیر درست هدایت شوند. همچنان که تشویق یک دانش آموز یا ورزشکار او را به کسب علم یا تلاش بیشتر سوق می دهد، دیگران را نیز به جدّیت در تحصیل و شروع فعالیت های ورزشی تشویق می کند. لذا یکی از وظایف ما در زمان غیبت، تقدیر و تشویق کسانی است که در مسیر یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و ترویج معارف مهدوی و روح انتظار قدم برمی دارند. اگر از یک نوجوان، دانشجو، کارگر، کارمند، معلم، کاسب، خیر و ... به خاطر فداکاری در برگزاری جشن نیمه شعبان، ارائه شعر، مقاله، کتاب، خلق اثر هنری و... دربارهٔ مهدویت توسط اولیای هر مجموعه ای تقدیر و تجلیل به عمل آید، نه تنها عشق و علاقه و تلاش آنها را دو چندان می کند، بلکه دیگران را نیز تشویق به قدم گزاردن در این مسیر می نماید. و این کار نوعی تقویت روحیه همدلی و تلاش همگانی بر یاری حضرت است. (محقق)

[سوم : حلّ مشکلات و خوشحال کردن مؤمنان و محبّان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

از آنجا که شیعیان در زمان غیبت امام علیه السلام، ایتام آل محمد علیهم السلام شمرده شده اند، این کار مایه سرور و خوشحالی آن حضرت می باشد.

خوشحال کردن مؤمنان و حلّ مشکلات آن ها گاهی با بذل و بخشش انجام می شود، گاهی با وساطت و سفارش کردن، گاهی با احترام گزاردن، گاهی با قرض دادن یا تعویق در مطالبه قرض هایشان، گاهی با ایجاد شغل، یا کمک بدنی، یا مشورت دادن و همفکری، یا همیاری و همکاری با آنان در امر فرزندان و نزدیکان و حلّ گرفتاری هایشان، یا وساطت در ازدواج و... پس هرگاه مؤمن، با انجام این امور نیّت کند، حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف را خوشحال نماید، به آن ثواب نایل می شود و به علاوه، سایر ثواب های بزرگی که برای حلّ مشکل مؤمن هست، در نامهٔ اعمال او نوشته می شود. و بر این مطلب دلالت دارد روایتی از امام صادق علیه السلام که فرمودند:

«کسی از شما نپندارد، اگر مؤمنی را شاد کند فقط او را خوشحال کرده، بلکه والله ما را خوشحال نموده، بلکه سوگند به خداوند، رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم رامسرور ساخته، و همین طور است، هر کس مؤمنی را اندوهگین کند.»(1)

در روایت دیگری امام کاظم علیه السلام می فرمایند:

هرکس حاجتی از دوستان ما را برآورده کند گویی آن را برای همه ما اهل بیت برآورده است.(2)]

1- . کافی: 2/89.

2- . بحار الانوار: 100/122.

59-53. وظایف در مقابل دشمنان و مدّعیان دروغین

اول : تقیّه در مقابل دشمنان

تقیّه واجب است و به این معناست که: مؤمن در جایی که بیم ضرر جانی، مالی یا آبرویی هست اظهار حق نکند، بلکه اگر ناچار شد، برای حفظ جان، مال یا آبرو به ظاهر و زبان با دشمنان همراهی کرده و قلباً با آن ها مخالفت نماید.

امام رضا علیه السلام می فرمایند:

«هر کس از گناهان پرهیز نمی کند، دین ندارد وکسی که تقیّه نمی کند، ایمان ندارد. همانا بهترین شما نزد خداوند آن است که بیش تر تقیّه می نماید.»

پرسیدند: یابن رسول الله صلی الله علیه وآله و سلم! تا کی باید تقیّه کرد؟

فرمودند: «تا روز معلوم و آن روز خروج قائم ماست، پس هرکس پیش از خروج قائم ما تقیّه را ترک نماید از ما نیست.»(1)

و اخبار در خصوص وجوب تقیّه بسیار است. و آن چه در بیان معنی تقیّهٔ واجب عرض شد، همان معنای حدیثی است که از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت گردیده، و در آن سه مرتبه تأکید شده:

«مبادا ترک نمایید تقیّه را؛ زیرا ترک آن باعث ذلّت و ریخته شدن خون شما و سایر مؤمنان می شود...»(2)

1- . کمال الدین: 2/371.

2- . بحار الانوار: 75/418، ح72.

[دوم : صبر بر اذیت و آزار دشمنان

خداوند متعال بندگان خود را در زمان غیبت به انواع محنت ها و بلاها امتحان می کند تا نیکان مشخّص شوند.

از جمله امتحانات و محنت ها این که: بسیاری از اهل باطل را می بینیم در راحتی و ثروت زندگی می کنند و دارای شوکت و قدرت هستند، و از سویی بسیاری از مؤمنان و پیروان اهل بیت علیهم السلام در سختی و تنگدستی زندگی می کنند و به آنان و گفته های آنان اعتنا نمی شود، و اهل باطل آنان را از نظر اعتقاداتشان مخصوصاً ایمان به امام زمان علیه السلام و غیبت و امید به فرج و ظهور با دست و زبان اذیت و آزار می دهند و مسخره می کنند، در اینجا نفس و عقل با هم نزاع می کنند؛ نفس به پیروی از اهل باطل امر می کند تا در وسعت و رفاه زندگی و عدم تقیّد به بایدها و نبایدهای دستورات دینی زندگی کند و لذت برده شود، و عقل سلیم فرمان می دهد بر آزارهایشان صبر شود و تکذیب و سخره های آنان تحمّل گردد، وبه پیروی از اهل حق و منتظر ظهور امام زمان علیه السلام بودن، تشویق می کند.

امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم نقل کرده اند که فرمودند:

«زمانی خواهد آمد که حکومت جز با کشتن وستمگری به دست نیاید، و ثروت جز با غصب کردن و بخل ورزیدن فراهم نگردد، و محبّت جز با بیرون کردن دین و پیروی از هوای نفس حاصل نشود، پس هر کس در آن زمان بر فقر صبر کند در حالی که بتواند به ثروت رسد، و بر دشمنی مردم صبر نماید در حالی که بتواند با از

دست دادن دین و پیروی از هوای نفس --- یعنی همرنگ جماعت شـدن --- محبّت و احترام مردم را به خود جلب کند، خداوند پاداش پنجاه صدّیق به او خواهد داد.»(1)

در روایت دیگری پیغمبر صلی الله علیه وآله و سلم می فرمایند:

«روزهایی خواهد بود که صبر در آن ها مثل نگه داشتن آتش در کف دست است، پس به عامل به وظیفه اش پاداش پنجاه نفری که عمل در غیر آن روزگار انجام دهد داده خواهد شد.»(2)

باز در روایت دیگری پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم خطاب به اصحاب خود می فرمایند:

«پس از شما قومی خواهند آمد که یک نفر از آن ها اجر پنجاه نفر از شما را خواهد داشت! عرض کردند: ای رسول خدا! ما در جنگ بدر و حنین با شما بودیم و یاری تان کردیم! حضرت فرمودند: آن چه بر آن ها فرود می آید، تحمّل نمی کنید و مانند آن ها صبر ندارید.»(3)

آری، این کلام اشاره به مؤمنان صبور در زمان غیبت است(4)، چنان که اخبار زیادی شاهد بر آن می باشد.]

1- . کافی: 2/91.

2- . الصواعق: 612.

3- . غیبت طوسی: ص 456، ح 467.

4- . صبر در دوران غیبت گونه هـای مختلف دارد، همچون: صبر بر طول غیبت امام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشـریف، صبر بر اقسام بلاـ و آزمایشـات الهی، صبر بر اسـتهزاء وتکـذیب مخالفـان امـام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف، صبر بر آزار و اذیّت دشـمنان در صورتی که نتواند آن را دفع کند و....

[سوم : پرهیز از مجالسی که نام حضرت در آنجا تمسخر می شود

شرکت نکردن در مجالسی که سخن گفتن از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و مباحث مهدویّت را مسخره می کنند، یا وجود شریفش را انکار می کنند، یا مؤمنان منتظر ظهور را بهتمسخر می گیرند، از دیگر تکالیف است.

شعیب عقرقوقی گوید: از امام صادق علیه السلام درباره آیهٔ {وَ قَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتابِ أَنْ إِذا سَمِعْتُمْ آياتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِها وَ يُسْتَهْزَأُ بِها}(1) پرسیدم، فرمودند: «یعنی وقتی شنیدی کسی آیات حق را انکار می کند و آن را دروغ می شمارد و به امامان علیهم السلام ناروا می گوید، از کنارش برخیز و با او همنشینی مکن، هر کس می خواهد باشد.»(2)

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«هر کس در مجلسی بنشیند که به یکی از امامان علیهم السلام دشنام داده می شود و می تواند مجلس را ترک کند اما این کار را نکند، خداوند در دنیا لباس ذلّت بر او می پوشاند، و در آخرت عذابش می کند، و آن چه از معرفتِ ما بر او منّتنهاده شده، از وی سلب گردد.»(3)

و باز از آن حضرت علیه السلام نقل شده که فرمودند:

«هرگاه به همنشینی با کسانی که به ائمه علیهم السلام اهانت می کنند دچارگشتی، فوراً برخیز، مانند کسی که بر روی سنگ سرخ شده ای باشد و از آن در اولین فرصت برخیزد؛ زیرا خداوند آن ها را دشمن داشته و لعن می کند.»(4)]

1- . سوره نساء: آیه 140.

2- . کافی: 2/ 377.

3- . کافی: 2/ 379، ح 15.

4- . کافی: 2/379، ح 13.

چهارم : تکذیب مدّعیان نیابت خاصّه

[شیعیان معتقدند با وفات شیخ علیّ بن محمد سمری، نایب چهارم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت صغری، وکالت خاصّ از آن حضرت منقطع شده و تا زمان ظهور نایب خاصّی وجود نخواهد داشت؛ لذا اگر کسی در زمان غیبت کبری ادعای نیابت خاصّه نمود، باید او را تکذیب کرد و دروغگو نامید.

چنان چه در «کمال الدین» و «احتجاج» روایت شده، حضرت در نامهٔ شریف شان خطاب به علیّ بن محمدسمری فرمودند:

«همانا پس از فوتت کسی جانشین تو نخواهد بود و در میان شیعیان من کسی یا کسانی خواهند آمد که مدّعی شوند مرا مشاهده می کنند. آگاه باشید، هر کس قبل از خروج سفیانی و صیحهٔ آسمانی این ادّعا را کند، دروغگوی تهمت زننده است.»(1)

و مقصود از ادعای مشاهده، مشاهده ای است که مقیّد به عنوان باب-یّت و نیابت خاصّه از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، چنان چه سفرای چهارگانه حضرت در زمان غیبت صغری خدمت حضرتش شرفیاب می شدند و وکیل و نایب خاصّ حضرت بودند، نه این که صرفاً امام را مشاهده کنند؛ و البتّه بوده اند افرادی که در زمان غیبت کبری لیاقت شرفیابی محضر آن حضرت را داشته اند.]

1- . کمال الدین: 2/516 ح44 و احتجاج: 2/478.

پنجم : عدم تعیین وقت ظهور و تکذیب وقت گذاران

از دیگر تکالیف آن که وقت برای ظهور حضـرت عجل الله تعالی فرجه الشریفمعیّن نکنند، و اگر کسی وقتی را برای ظهور حضرتش تعیین کرد، او را تکذیب کنند و دروغگو شمارند.

فُضیل بن یسار می گوید:

به امام محمّد باقر علیه السلام عرض کردم: آیا برای این امر وقت معینی هست؟ حضرت سه دفعه فرمودند:

«دروغ می گویند کسانی که برای آن وقت معیّن می کنند.»(1)

امام صادق علیه السلام به محمّد بن مسلم فرمودند:

«هر کس برای شما وقت تعیین کرد، نترسید از این که او را تکذیب کنید؛ زیرا ما برای هیچ کس تعیین وقت نمی کنیم.»(2)

امام رضا علیه السلام می فرمایند:

«خبر داد مرا پدرم از پدرانش که به رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم گفته شد: قائم از ذریّه شما چه وقتی ظهور می کند؟ فرمودند:مَثَل او مثل قیامت است که هیچ کس از وقت آن خبر ندارد جز خداوند عالم جلّ شانه که او را در وقتی مقتضی ظاهر می گرداند.»(3)

و احادیث در این باب بسیار است.

1- . غیبت شیخ طوسی: ص426.

2- کمال الدین: 2/373.

3- . کمال الدین: 2/373.

ششم : ثبات در اعتقادات و دنبال گروه ها و فرقه ها نرفتن

آن که بر دینِ قویم و درست ثابت قـدم باشـند، و دنبال فرقه ها و صدا هایی که از هر گوشه ای بلند می شود نروند، زیرا تا خروج سـفیانی و صیحهٔ آسمانی و دیگر علائم حتمیّه صورت نگیرد ظهور واقع نمی شود.

[حارث بن مغیره به امام صادق علیه السلام عرض کرد: وقتی صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف غایب می شود، چه باید کرد؟

حضرت فرمودند: «به همان امر اوّلی که بر آن بوده اید، متمسّک شوید تا امر برای شما روشن شود».(1)

علاـمه مجلسـی رحمه الله پس از نقـل این روایت و چنـدین روایت دربـارهٔ لزوم ثـابت قـدم بودن و عـدم انحراف به گروه ها و نحله های مختلف می نویسد:

«مقصود از این احـادیث آن است، انسـان در عصـر غیبت دچـار تزلزل در دینش نگردد و در عمل متحیّر نشود، و بایستی در اصول و فروع دین به آنچه از ائمه اطهار علیهم السـلام رسـیده، تمسّک جست و ترک عمل ننمود تا حضـرت ظهور فرماینـد، و هرکس ادعا کرد، من امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشـریف هسـتم یا جانشین و نایب خاص اویم، به او ایمان نیاورد تا ادعایش با معجزات و براهین حقیقی روشن گردد.»(2)]

1- بحار الانوار: 52/133.

2- . بحار الانوار: 52/133.

هفتم : مرابطه و تهیه سلاح و اسب در انتظار ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

قرآن می فرماید:

{یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صابِرُوا وَ رابِطُوا وَ اتَّ-قُوا اللَّهَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُون}(1) «ای کسانی که ایمان آورده اید،صبور باشید و یکدیگر را به صبر و پایداری سفارش کنید و مرابطه کنید و خداترس باشید تا رستگار شوید.»

همانا مرابطه از رَبط به معنی «بستن» گرفته شده ، و بر سه قسم(2) است:

اول: همان که فقها در کتاب «جهاد» گفته اند، و مقصود این است، شخص در یکی از مرزها و مناطقی که نزدیک بلاد کفّار است، بماند و اسب خود را نگاه دارد، از برای آن که اگر کفّار بر مسلمانان هجوم آورند یا قصد حمله به بلاد مسلمین نمایند، مسلمانان را خبردار کند، و اگر دفاع لازم شد، شرّ کفّار را از مسلمانان دفع نماید. این عمل مستحبّ موکّد است و فرقی بین زمان حضور و زمان غیبت امام علیه السلام نیست.

حضرت رسول صلی الله علیه وآله و سلم فرموده اند:

«هر مرده ای نامهٔ عملش پیچیده می شود و از هنگام مردنش فعل او قطع می شود مگر کسی کهدر راه خدا مرابطه کرده باشد. (و در این صورت ثواب) عمل (نیک) او تا قیامت زیاد می شود، و ایمن

1- . آل عمران، آیه 200.

2- . البته مؤلّف رحمه الله در این کتاب دو قسم ذکر کرده انـد امّا در کتاب «مکیال المکارم» قسم دیگری هم بیان کرده اند که ما آن را نیز اینجا آورده ایم.

می گردد از مَلکی که در قبور مرده ها را بازجویی و امتحان می کند.»(1)

و در حدیث دیگری آن حضرت می فرمایند:

«ثواب یک شب مرابطه بیش تر از آن است که شخص یک ماه روز ها روزه باشد و شب ها به عبادت بپردازد.»(2)

این قِسم از مرابطه دو شرط دارد:

یکی آن که فرد در یکی از مرزهایی باشد، که حفظ بلاد اسلام از دست درازی اجانب بر آن توقّف دارد، به همین دلیل فرموده اند، هرگاه شخص نمی تواند در آن نقطه بماند، نایبی در آنجا بگمارد.

شرط دیگر آن که مرابطه کمتر از سه روز نباشد و این کم ترین زمان مرابطه است، و بیش ترین زمان آن چهل روزاست، و اگر بیش از چهل روز شود، شخص جزء مجاهدین است و ثواب مجاهد في سبيل الله دارد.

قسم دوم مرابطه آن است: مؤمن سلاح و اسب و مانند آن ها را مهیّا کند و نگاه دارد برای این که اگر امام علیه السلام ظهور فرماید، حضرت را یاری نماید. این قسم از مرابطه زمان و مکان معیّنی ندارد.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«باید هریک از شما برای ظهور حضرت قائم علیه السلام سلاح مهیّا کند، اگرچه یک تیر باشد؛ امید است همین که این نیّت را داشته باشد، حق تعالی عمرش را طولانی کند تا از یاران او شود.»(3)

در روضه کافی از ابوعبدالله جعفی روایت شده:

1- المنتهی: 2/902.

2- . المنتهی: 2/902.

3- . غیبت نعمانی: ص 320 ح 10.

امام باقر علیه السلام به من فرمودند: «بیش ترین زمان مرابطه نزد شما چند روز است؟» گفتم: چهل روز.

حضرت فرمودند: «لکن مرابطه ما، مرابطه ای استکه همیشه هست(1)، و هرکس در راه ما مرابطه کند؛ یعنی اسبی برای یاری ما مهیّا نماید، تا وقتی آن را نگاه داشته است برایش به اندازهٔ دو برابر وزن آن مَرکَب ثواب می نویسند(2)، و هرکس برای ما سلاحی مهیّا کند و نگاه دارد تا زمانی که آن سلاح نزد اوست، به اندازهٔ وزن آن سلاح برای او ثواب نوشته می شود.»

آنگاه حضرت فرمودند: «جزع نکنید از یک دفعه و دو دفعه و سه دفعه و چهار دفعه(3)؛ همانا مَثَلِما و شما مانند پیغمبری است که در بنی اسرائیل بود، و خداوند جلّ شأنه به او وحی فرمود قومت را به جهاد دعوت کن؛ زیرا من یاری می کنم تو را. پس آن ها را جمع کرد و همگی روی به سوی دشمن نهادند، و هنوز شمشیر و نیزه ای به کار

1- . علامه مجلسی رحمه الله در شرح این فرمایش امام علیه السلام می نویسد: یعنی بر شیعیان واجب است، خود را ملزم به اطاعت امامِ برحقّ و انتظار فرج او کنند و برای یاری کردنش آماده باشند.

2- . و در شرح این عبارت نیز می نویسد: این جمله یا تشبیه معقول به محسوس است؛ یعنی به این اندازه ثواب برای او نوشته می شود، یا ثواب انفاق طلا یا نقره به اندازه دو برابر وزن آن دابّه برایش نوشته می شود. مرآة العقول: 26/582.

3- . یعنی اگر مکرّر دیدید، ائمهٔ حقّ، مظلوم و مقهور شدند و بار ها دشمنان بر آن ها غلبه کردند، از یاری امام خود نا امید نباشید و مطمئن باشید که حق تعالی به وعدهٔ خود وفا می کند و او را یاری می نماید و غالب می گرداند، پس خود را آمادهٔ یاری نمایید و منتظر وقتش باشید. (مؤلّف رحمه الله)

نبرده بودند که دشمنان بر آن ها غلبه کرد و آن قوم پا به فرار نهادند.

دفعه دوم حق تعالی وحی فرمود به آن پیغمبر که قوم خود را به جهاد دعوت کن، همانا من یاری می کنم شما را. چون قوم خود را به جهاد دعوت نمود، گفتند: پیش از این وعده نصرت دادی و ما مغلوب شدیم. حق تعالی به آن پیغمبر وحی فرمود: اگر جهاد نکنید، مستوجب آتش عذاب خواهید بود. عرض کرد: خدایا! جهاد با کفّار بهتر است از آتش عذاب، لذا قومش را به جهاد دعوت کرد، پس سیصد و سیزده نفر از آن ها به عدد اهل بدر دعوتش را اجابت نمودند، پس آن پیغمبر با آن سیصد و سیزده نفر روی به سوی دشمن نهادند و هنوز شمشیر و نیزه ای به کار نبرده بودند که حقتعالی آنان را نصرت فرمود و فتح کردند و بر دشمنان غالب شدند.»(1) (2)

1- . کافی: ج8 ص381.

2- . شاید بتوان مفهوم مرابطه را گسترش داد؛ یعنی گاهی مرزبانی مربوط به مرزهای زمینی، دریایی و هوایی است که باید مسلمین و سرزمین شان را از تجاوز دشمن حفظ کرد، و گاهی مرزهای اعتقادی و فرهنگی است که همواره دشمن به دنبال نفوذ در آن هاست، خصوصاً امروزه که دشمن با انواع وسایل اعمّ از ماهواره و شبکه های اجتماعی و... به دنبال منحرف کردن نسل جوان و تسخیر قلب و فکر آن هاست. امام صادق علیه السلام می فرمایند: «علماء شیعتنا مرابطون بالثغر الذي يلي إبليس و عفاريته لينحرفهم، يمنحونهم عن الخروج على ضعفاء شيعتنا...» یعنی علمای شیعیان ما در مرزی هستند که در سوی دیگر آن ابلیس و دار و دسته اش می باشد و آن ها مانع می شوند از این که شیاطین به شیعیان که از نظر اعتقادی و فکری ضعیف هستند، حمله کنند و بر آن ها مسلّط شوند. (احتجاج: 1/17) از این نظر لازم است، عدّه ای خوب درس بخوانند و بر مبانی اعتقادی مسلّط باشند و دائماً شبهات و القائات دشمن را رصد کنند، و همچون مرزبانی که انواع سلاح جنگی را دارد، آن ها نیز از نظر مطالب علمی، شیوهٔ بیان و پاسخگویی مسلّح شوند و به شبهات و اتهامات آنان پاسخ دهند، و کسانی نیز با انجام امور فرهنگی و کارهای خلّاقانهٔ شرعیِ متناسب با هر نسلی روح دیانت و موضوع انتظارِ فرج و امیدِ به ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را در طبقات و نسل های مختلف مردم زنده نگه دارند. «محقق».

[قسم سوم: آن که مؤمن با امام زمانش مرابطه داشته باشد به اینکه خود را به رشته ولایت او متّصل کند، و بهپیروی و اطاعت از ایشان ملتزم باشـد و بر یاری حضـرتش مهیّا باشد. و بر این مطلب علاوه بر بحث وجوب انتظار، روایاتی که در تفسـیر آیه {یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صابِرُوا وَ رابِطُوا} آمده، دلالت دارد؛ از جمله:

امام باقر علیه السلام می فرمایند:

«بر انجام واجبات الهی تحمّل داشته و در برابر دشمنان پایداری و مقاومت کنید و مراقب امامتان که به انتظارش هستید باشید.»

نیز امام صادق علیه السلام دربارهٔ معنای «رابطوا» در این آیه می فرمایند:

«ماییم راه و رشـته ارتباط بین خداونـد و خلق او، پس هر کس در دفاع از ما جهاد کند در دفاع از پیامبر صـلی الله علیه وآله و سـلم و دین خدا دفاع کرده است.»

و در روایت دیگری به یعقوب سرّاج فرمودند:

«در دین تان استقامت کنید و در برابر دشمنان تان مقاومت کنید و بر پای امام خود بایستید و مرابطه داشته باشید.» (1)

1- . تفسیر البرهان: 1/730 _ 732، ح 4و 10 و 12.

60-70. وظایف مالی

اشاره

*60-70. وظایف مالی (1)

اول : صدقه دادن به قصد سلامتی حضرت.

[وقتی فرزندت یا کسی از عزیزانت را دوست داری و نگران سلامت او هستی، برای دفع بلا از او و به قصد سلامتی اش صدقه می دهی، پس در این کار مولای تو از هر کسی سزاواتر است؛ به علاوه آن که این عمل از اقسام موّدت به ذوی القربای پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم است که خداوند به آن سفارش کرده و فرموده: {قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى}(2). و شاهد بر این استحباب صدقه دادن، روایت از پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم است که فرمودند:

«هیچ بنده ای ایمان نیاورد تا آن که من نزد او از خودش محبوب تر باشم، و عترت من از خانواده اشدر نظر او محبوب تر باشند.»(3)][4]

دوم : قربانی کردن به نیابت از حضرت

هر شخص به اندازه توان مالی اش حیوانی، مثل: مرغ، برّه، شتر... به نیابت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و برای سلامتی آن بزرگوار قربانی کند، چنان چه در «نجم الثاقب» فرموده است(5).

1- . وظایف مالی مشترک بین وظایف فردی و اجتماعی است که همه را یکجا آوردیم.

2- . سوری شوری: آیه22.

3- . امالی صدوق: ص 201.

4- . بسیاری از علمای ما مقیّد بوده اند در مناسبت هایی مانند: عاشورا، ضربت خوردن امیرالمؤمنین علیه السلام... که قلب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدن واقعیت این مصائب عظیم در فشار است، صدقه دهند.

5- . نجم الثاقب:ص442.

سوم : هدیه دادن به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

حضرت صادق علیه السلام می فرمایند:

« نزد پروردگار چیزی محبوب تر از صرف مال و ثروت برای امام علیه السلام نیست. همانا در عوض یک درهم که مؤمن از مال خود برای امام صرف کند، به اندازه کوه اُحد در بهشت به او عطا می فرماید.همانا حق تعالی در قرآن فرموده: {مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً}(1) _یعنی «کیست آن کسی که به خدا قرض الحسنه بدهد تا خداوند چندان برابر به او عوض دهد»_ سپس فرمودند: به خدا قسم، این آیه به خصوص در صله امام به مال نازل شده است.»(2)

تذکّر: بدان که از جمله حقوق مالی بر شخص این است، هر سال مقداری از مال خود را برای امام زمان علیه السلام صرف کند و این غیر از سهم امام است که نیمی از خمس می باشد و با شرایط ویژه ای که در کتب فقهی ذکر شده است واجب می گردد، و امّا هدیه دادن به امام زمان علیه السلام شرط مخصوصی ندارد و بر همهٔ افراد چه مرد، چه زن و چه فقیر، چه غنی سزاوار است، بلکه لازم و موکّد که هر سال قسمتی از مال خود را به امامشان هدیه دهند.

مفضّل بن عمر می گوید:

روزی به محضر امام صادق علیه السلام وارد شدم در حالی که با خود هدیه ای داشتم، پس آن را در حضور محترم او گذاشتم. فرمودند:

1- . سوره بقره: آیه 246

2- . اصول کافی: 1/537.

«این چیست؟» عرض کردم: هدیه ای است از دوستان و غلامان شما. فرمودند: «ای مفضّل! من تعارفی شما را قبول می کنم، لکن نه از آن نظر که محتاج به آن هستم، بلکه به جهت آن که سبب پاکیز گی شما باشد.»

آن گاه فرمودند: «شنیدم از پدرم که می فرمودند: هرکس یک سال بر او بگذرد و چیزی از مال خود را کم باشد یا زیاد به ما هدیه ندهد، حق تعالی در قیامت نظر رحمت به او نمی کند؛ مگر آن که او را عفو فرماید.

ای مُفضّل! این فریضه ای است که خداوند عالم جلّ شأنه بر شیعیان ما در کتاب خود لازم گردانیده، آن جا که می فرماید: {لَنْ تَنالُوا البِّرَ حتّی تُنْفِقُوا ممّا تُحِبُون}(1) یعنی نخواهید رسید به مقام برتر و نیکویی مگر آن چه را دوست می دارید، در راه خدا صرف کنید.»(2)

و آن حضرت در تفسیر آیهٔ: {والّذِینَ یَصِلون ما أمرَ اللهُ بهِ أن یُوصَل} _یعنی «آن کسانی که صله می کنند آن چه را حق تعالی به صله اش امر فرموده است»_ می فرمایند:

«مراد، صله کردن امام است در هر سال از آن چه کم باشد یا زیاد؛ همانا اراده نفرموده حق تعالی از این مطلب، مگر آن که شما پاکیزه و نیکو شوید.»(3)

امام صادق علیه السلام در حدیث دیگری می فرمایند:

«ترک نکنید هدیه دادن به آل محمّد صلی الله علیه وآله و سلم را از اموالتان، هر کدام

1- . سوره آل عمران: آیه 92.

2- . تفسیر برهان: 1/297.

3- . تفسیر برهان: 2/289.

ثروتمند هستید، به قدر ثروت خود و هر کدام فقیر هستید، به اندازهٔ توان خود.

هرکس بخواهد، حق تعالی اهمّ حوائجش را روا فرماید، پس باید آن چه را بیش تر به آن نیاز دارد برای آل محمّد صلی الله علیه وآله و سلم و شیعیان آن ها هدیه کند.»(1)

و در کتاب «فقیه» از آن حضرت روایت شده که فرمودند:

«صله و هدیه دادن یک درهم به امام علیه السلام برتر است، از صرف کردن هزار هزار درهم در امور خیر دیگر.»(2)

مؤلّف گوید: از رؤیاهای صادقانه ام آن که، شبی در خواب دیدم شخص جلیلی را که فرمودند: مؤمنی که چیزی از مالش را در زمان غیبت برای امام زمانش علیه السلام صرف کند، ثوابش هزار و یک برابر ثواب شخصی است که مالش را در زمان حضور امام علیه السلام تقدیم او نماید.

و در راستی این خواب، روایت امام صادق علیه السلام است که فرمودند:

«یک نماز واجبی که مؤمن در زمان غیبت به جا آورد، ثواب بیست و پنج نماز واجبی را دارد که در زمان ظهور و استیلای امام علیه السلام به جا آورد، و یک نماز نافله که در زمان غیبت بخواند، ثواب ده نماز نافله دارد که در زمان ظهور و استیلای امام بخواند، و هر مؤمنی که عمل خیری در زمان غیبت انجام دهد، بیست برابر زمان ظهور و استیلای امام برای او عمل خیر نوشته می شود.»(3)

1- . تفسیر برهان: 2/289.

2- . من لا یحضره الفقیه: 2/73.

3- . کافی: 1/333.

پوشیده نماند، در این زمان که امام ما علیه السلام غایب است آن مالی را که مؤمن می خواهد به حضرتش هدیه کند، باید به قصد هدیه به آن حضرت در اموری صرف کند که می داند رضای ایشان در آن است، مثل: چاپ کتب مربوطه به آن حضرت، یا برپا کردن مجالسی که فضایل و مطالب مربوط به ایشان بیان شود، یا در ساخت و راه اندازی بنای خیری که به نام آن حضرت است.

چهارم : هدیه دادن به شیعیان و دوستان صالح ائمه علیهم السلام

[در این زمان که حضرت غایب هستند، مؤمن آن مالی را که می خواهد هدیه و صله به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نماید، می تواند آن را به همین نیّت به علمای ترویج کنندهٔ شرع مقدّس، یا سادات فقیر، یا به دوستان صالح و نیازمند حضرت دهد، یا برای ازدواج جوانان مؤمن بی بضاعت، یا ایتام شیعه مستحق بدهد و به آن ها بگوید، این هدیه بهبرکت مولایشان، حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است، تا بدین وسیله دل ها و ایمانشان به آن حضرت محکم تر شود.

امام کاظم علیه السلام می فرمایند:

«هر کس نتواند به زیارت ما بیاید، باید دوستان صالح ما را زیارت کند تا ثواب زیارت برایش نوشته شود؛ و هر کس نتواند به ما هدیه دهد، باید نیکان از دوستان نیک ما را هدیه دهد تا ثواب هدیه دادن به ما برایش نوشته شود.»(1)]

1- . کامل الزیارات: 319.

پنجم : پرداخت حقوق مالی واجب

اگر شـرایط واجب شـدن احکامی، ماننـد: خمس و زکات که در رساله های عملیّه بیان شـده برای کسـی محقّق شـد، پرداخت آن از دیگر وظـایف است. و این مطلب اگر چه در تمام زمان ها واجب است لکن در زمان غیبت اثر مخصوصـی دارد و به آن در همان توقیع شـریف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف سفارش شده:

«مـا بـا تو عهـد می کنیم هر یـک از برادران دینی تو از خداونـد بترسـد و حقوق مـالیه ای که بر ذمّه او است از مـال خود خارج کنـد و به مسـتحقّشبرساند، ایمن و محفوظ می ماند از فتنه های گمراه کننده و امتحان هایی که عارض می شود، و هر که بخل بورزد و آن چه را حق تعالی امر فرموده، ادا نکند و از مال عاریتی که به او داده، صله ننماید، در دنیا و آخرت زیان کار است.»(1)

ششم : پول دادن به کسی تا به نیابت حضرت حجّت علیه السلام حج به جا آورد

هفتم : پول دادن به کسی تا به نیابت از حضرت طواف نماید

هشتم : پول دادن به کسی تا به نیابت از حضرت به زیارت قبور پیغمبر و ائمه اطهار علیهم السلام به ویژه امام حسین علیه السلام و سایر مشاهد مشرّفه برود.

هشـتم : پول دادن به کسـی تا به نیابت از حضـرت به زیارت قبور پیغمبر و ائمه اطهار علیهم السلام به ویژه امام حسین علیه السلام و سایر مشاهد مشرّفه برود.(2)

نهم: پول دادن به کسی برای قرائت قرآن و هدیه کردن به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

1- . احتجاج: 2/325.

2- . اگر این پول به کسانی داده شود که توان مالی برای چنین سـفرهایی ندارند و این کار سـبب تقویت ایمان آن ها می گردد، اجر و ثواب ویژه ای خواهد داشت.

[دهم: برگزاری مجالس ذکر فضائل و مناقب و توسّل به آن حضرت

برپایی مجالس برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که ذکر فضایل و سخنان ایشان و داستان تشرّف یافتگان به خدمت حضرت بیان گردیده و توجّه و توسّ ل و دعای به آن بزرگوار انجام شود، تا مؤمنین در این مجالس همدیگر را دیدار کرده ودل هایشان به وجود حضرتش گرم شود و ایمانشان در دوران غیبت قوی تر گردد، از دیگر وظایف کسانی است که توانایی مالی و شرایط تشکیل چنین مجالسی را دارند، و حتّی در جایی که مردم در معرض گمراهی و انحراف عقیده و تزلزل در ایمان به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند و برپا ساختن این مجالس سبب جلوگیری از آن می شود، بر چنین کسانی واجب است.](1)

[یازدهم : تأسیس و ساخت اماکن خیریّه و عام المنفعه

از دیگر تکالیف برای کسانی که توانایی مالی دارند، تأسیس خیریه ها، و ساخت بناهای عامّ المنفعه، مانند: مدرسه، خوابگاه، مراکز نگهداری ایتام و سالمندان و معلولین، بیمارستان، درمانگاه، حمّام عمومی، پل، جاده، کتابخانه و... بالاخص در مناطق محروم، و نام گذاری آن ها به نام امام زمان علیه السلام یا القاب شریف حضرت است، که از کارهای بسیار اثرگذار برای جلب توجّه مردم به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و ایجاد و ازدیاد محبّت حضرتش در قلوب مردم است و سبب فراوانی یاد و ذکر نام آن بزرگوار در طبقاتمختلف جامعه می شود.]

1- . وسائل الشیعه: 10/ 467 ح 3.

بخش سوم : گنجینه فواید دعا برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

ص: 125

بسم الله الرّحمن الرّحيم وهو حسبي

از جمله مهمّات، خاصّه در این اوقات، اهتمام بر دعا به وجود مبارک اعلی حضـرتِ اشـرفِ ارفعِ امجـدِ اقدس، خاتم الوصـیّین، و مجمع کمالاـت الأئمّـة الرّاشـدین، مولانا حجّـة بن الحسن علیهما السـلام، و درخواستِ تعجیل در فرج و ظهور حضـرتش، از حضـرت واجب الوجود جلّ شأنه است؛ و این مطلبی است که ائمّه اطهار علیهم السلام اهتمام تمام بر آنداشته اند، و بسیاری از دعاهای آن ها، مخصوصاً برای آن بزرگوار یـا مشـتمل بر دعـای به وجود مبـارک آن حضـرت و طلب فرج ایشـان از حقّ تعالی است، و علمای امامیّه در کتب خود روایت کرده اند.

و برای این امر، فوایـد و خواصّ دنیوی و اخروی فراوانی است که از آیات و روایات اسـتفاده می شود، و آن چه این اقلّ عباد جمع کرده ام، بیش از صد فایده است که کتاب «مکیال المکارم» را به خاطر آن تألیف نموده ام و چون آن کتاب عربی است، لذا تصمیم گرفتم اکثر فواید را به صورت مختصر به زبان فارسی، محض خدمتگزاری به آن بزرگوار و برادران ایمانی جمع کنم که از این فواید محروم نمانند،

ونامیدم این مختصر را به کتاب «کنز الغنائم في فوائد الدّعاء للقائم علیه السلام»(1).

1- . ترجمه فارسـی آن کتاب به نام «گنجینهٔ فواید دعا برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف» به عنوان نام این بخش قرار داده شده است.

مطلب اوّل : ادای حقّ مؤمن برترین اعمال است

اشاره

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«عبادت نشده است خداوند عالم جلّ شأنه به چیزی که برتر از ادای نمودن حقّ مؤمن باشد.»(1)

امام حسن عسکری علیه السلام نیز می فرمایند:

«هر کس معرفتش به حقوق برادران مؤمن خود بیش تر باشد، و حقوق آن ها را نیکوتر ادا کند، شأن او نزد حقّ تعالی عظیم تر است.»(2)

پس بـدان، در همـهٔ عالم هیـچ کس بر تو از امام زمانِ عجل الله تعالی فرجه الشـریف که سـیّد و سالار مؤمنان عالَم انـد، حقوقش بیش تر نیست؛ زیرا به مقتضای احادیث فراوان، هستی و بقای تو، سـکون و آرام تو، تمام نعمت هایی که به تو می رسد، غذا و آبی که می خوری و می آشـامی، همگی بـه برکت وجـود مبـارک اوست، و هر چه هست، از برکـات ذات مقـدّس اوست اگر چه در پردهٔ غیبت است؛ ماننـد: خورشید پشت ابر که هر چند پنهان است و دیده نمی شود، لکن عالَم از نور آن روشن است و فوایدش به همه چیز می رسد(3)،

1- . اصول کافی: 2/170 ح4.

2- . الاحتجاج: 2/460.

3- . هُوَ العَلَمُ الهـادی بِاِشـراقِ نورِهِ *** وَ اِنْ غـابَ عَن عَيني كَوَقتِ ظُهورِهِ اَلَم تَرَ اَنَّ الشَّمسَ يُنشَرُ ضَوءُهـا *** اِذا هِيَ تَحتَ القَرْعِ حينَ عُبورِهِ اوست آن نشانه که با درخشـش نورش هدایت کند، اگر چه از چشـمانم غایب است امّا همچون زمان ظهورش هدایتگر است.مگر نمی بینی خورشید نورش در همه جهت پراکنده می شود با این که در پس ابرهای عبورکننده قرار می گیرد. (شعر از مؤلّف)

و در روایات نیز همین تشبیه بیان شده است.(1)

اگر نبود زِ یُمن وجود اقدس او *** بپا نبود نه ارض و سما، نه ماه و نه سال

این عاصی تعدادی از حقوق حضرت را با دلیل و برهان در باب سوّم کتاب «مکیال المکارم» ذکر نموده ام،

و بزرگ ترین حقوق، حقّ امام علیه السلام بر مردم است، چنان که از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمودند:

«حقّ والی بر رعیّت (امام بر مردم)، بزرگ ترین حقّی است که حقّ تعالی واجب فرموده است.»(2)

بـدان، هر قدر سـعی کنیم، نمی توانیم حقّ حضـرت را آن طور که باید و شاید ادا کنیم، پس باید به آن چه می توانیم کوتاهی نکنیم؛ زیرا به مقتضای آیات و روایات، در قیامت این مطلب از هر کسی پرسش و بازخواست خواهد شد، چنان که در تفسیر آیهٔ: {ثُمَّ لَتُسئَلُنَّ یَومَئِذٍ عنِ النَّعیم}(3) وغیر ها، آمده است.

1- . کمال الدین: 1/207 ح22 و 253 ح3.

2- . کافی: 8/353 ح505.

3- . سوره عادیات: آیه آخر: «پس از آن سؤال می شوید در آن روز از نعمت های الهی».

طریق ادای حقوق امام زمان علیه السلام

حقوق امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بر ما بسیار و الطاف و مراحم آن حضرت از شمار بیرون است، حقوقی چون: حقّ وجود، حقّ بقا، حقّ خویشاوندی با پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم، حقّ منعم بر متنعّم، حقّ پدر بر فرزند، حقّ عالِم بر متعلّم، حقّ امام بر مردم و... که دربارهٔ هر کدام مفصّلاً در کتاب «مکیال المکارم» توضیح داده ام.

طریق ادا نمودن حقّ حضرت بعد از معرفت به ایشان، اهتمام بر اطاعت و فرمانبرداری از حضرت است؛ زیرا صاحب امراند بر ما چنان که حقّ تعالی فرموده:

{یا اَیُّهَا الّذینَ امَنُوا اَطیعُوا اللهَ و أطیعُوا الرّسولَ و اُولِی الأَمرِ مِنکُم}

«ای اهل ایمان، فرمانبرداری کنید خدا را و فرمانبرداری نمایید پیغمبر و صاحبان امر خود را»

و مقصود از صاحبان امر، امام زمان علیه السلام و یازده نفر پدران پاک ایشان هستند. و از جمله فرمان های آن حضرت که اطاعتش واجب است و در نامهٔ شریف از ایشان آمده، این است:

«وَ أکْثِرُوا الدّعاءَ بِتعجیلِ الفَرَجِ فإنَّ ذلکَ فَرَجُکُم.»

بسیار دعا کنید و از حقّ تعالی تعجیل در فرج مرا درخواست نمایید؛ زیرا باعث گشایش کار شماست.

پس باید هر مؤمنی تمام تلاش خود را در انجام این فرمایش به کار گیرد، خصوصاً آن که جمیع جهاتی که مقتضی دعا نمودن در حقّ کسی می شود، در وجود اقدس حضرتش جمع است.

مطلب دوّم : عدم منافات دعای به امام زمان علیه السلام با مقام و شأن بلند ایشان

چون دانستی یکی از اقسام ادای حقّ امام زمان علیه السلام، دعای به حضرت و درخواست تعجیل در فرج و ظهور ایشان از حقّ تعالی جلّ شأنه است، پس بدانکه منافاتی نیست بین این مطلب با این سخن که ما در تمامی امور به آن حضرت احتیاج داریم و آن بزرگوار واسطه همهٔ خیرات و برکات است؛ و بزرگترین شاهد این مدّعا (1) آن که حضرت ما را به این دعا امر فرموده اند. و این مطلب را به چند وجه می توان بیان نمود:

اول: با آن که حضرت کامل در تمام صفات و وسیلهٔ رسیدن جمیع فیوض به ما هستند، لکن به اقتضای بشریّت، بعضی امور؛ از قبیل: همّ و غمّ، محنت و ألم، بلاـ و بیماری به ایشان عارض می شود، و حقّ تعالی برای دفع آن ها اسبابی قرار داده که یکی از آن ها دعاست، لذا خود ایشان دعا می کنند، و دیگران را نیز به دعای در حقّ خویش امر می فرمایند،

پس ما به خاطر محبّت به حضرتش باید دعای به آن وجود مبارک را از اهمّ امور لازم بر خود قرار دهیم، و این اصلاً منافاتی با رفعت مقام امام زمان علیه السلام و ائمّه اطهار علیهم السلام ندارد.

1- . یعنی منافات نداشتنِ این دو مطلب.

دوم: آن که به اقتضای حدیث امیرالمؤمنین علیه السلام در کتاب «غیبت شیخ نعمانی رحمه الله» و توقیع مروی در کتاب «احتجاج» یکی از اسباب غایب شدن امام زمان علیه السلام کثرت معصیت های ماست(1)، لذا بایستی با توبه، و اهتمام در دعا و درخواست ظهور و فرج از خداوند، اقدام در رفعمانع کنیم.

سوم: آن که دعاء به منزلهٔ هدیّه است، و هدیّه دادن به شخص بزرگ دلیل حاجت او نیست، بلکه نشانهٔ احتیاج آن هدیّه برنده و محبّت اوست به آن شخصی که برای او هدیه می برد.

چهارم: آن که از روایات به دست می آید، وقت ظهور حضرت از امور بدائیه است که امکان جلو و عقب افتادن آن هست و شاید جلو افتادن آن به اهتمام اهل ایمان در دعا کردن برای تعجیل فرج مشروط باشد.

پنجم: آن که: فضل و رحمت الهی حدّ و مرز ندارد، همچنین در وجود امام علیه السلام کمبود و نقصانی که مانع پذیرش فیض الهی باشد، نیست. بنابر این هیچ مانعی نیست که با دعای مؤمنین برای آقا و مولایشان، عنایت و لطف مخصوصی از جانب پروردگار به حضرتش برسد.

و تفصیل این امور را در باب پنجم «مکیال المکارم» ذکر نموده ام.

1- . غیبت نعمانی: 141 ح2، احتجاج: 2/499، بحار الانوار: 53/177 ح8.

مطلب سوّم : اهتمام ائمه علیهم السلام در دعا به امام دوازدهم علیه السلام

کسی که تتبّع و ممارست در دعاهای أئمّه طاهرین علیهم السلام داشته باشد، می داند که چه قدر ایشان در امر دعا به حضرت صاحب الزّمان علیه السلام و درخواست فرج اهتمام داشته اند.

و اگر بخواهی اندکی از صدق این مدّعا آگاه شوی، ملاحظه کن:

دعای حضرت امیر علیه السلام را در قنوت(1)،

و دعای حضرت سیّدالساجدین علیه السلام را در روز عرفه(2) و بعد از نماز ظهر و نماز عصر روز جمعه(3)،

و دعای حضرت صادق علیه السلام را بعد از نماز ظهر(4)،

و دعای آن حضرت را صبح بیست و یکم ماه رمضان(5)،

و دعای امام موسی کاظم علیه السلام را بعد از نماز عصر(6)،

و دعای امام رضا علیه السلام را (7)،

و دعای امام محمّد تقی علیه السلام را (8)،

و دعای امام حسن عسکری علیه السلام را (9)،

1- . مهجّ الدعوات: 96.

2- . صحیفه سجادیه: ص316، د147.

3- . صحیفه سجادیه: ص349، د150.

4- . فلاح السائل: ص308.

5- . اقبال الاعمال: 1/366.

6- . فلاح السائل: ص353، ح6.

7- . جمال الأُسبوع: ص311.

8- . کافی: 2/548 ح6.

9- . مهجّ الدعوات: ص85.

و دعای روایت شده از خود آن حضرت را (1) ،

و قنوت نماز ظهر جمعه(2)،

و دعای بعد از دو رکعت اول نماز نافله شب(3)،

و دعای روز بیست و پنجم ماه ذیقعده(4)،

و دعای صبح های روزهای جمعه(5)،

و دعای بعد از نمازهای فریضه(6)،

و دعای وقت رفتن به مسجد در روز جمعه(7)،

و دعای افتتاح(8)، و غیر این ها (9) که ذکرش موجبطولانی شدن است،

و از عبارت دعای روز عرفه، و روایت در «جمال الأسبوع» در باب قنوت روز جمعه و بعضی ادلّه دیگر آشکار می شود، مؤمن هر دعایی که می کند، باید ابتدا با دعا برای حضرت صاحب الزّمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و ظهور حضرتش شروع کند.

چون در این رساله بنا بر اختصار است به همین مقدار اقتصار می نمایم.

1- . کمال الدین: 2/428 ح2.

2- . جمال الأُسبوع: ص256.

3- مصباح المتهجّد: ص139 و669.

4- . مصباح المتهجّد: ص139 و669.

5- . بحار: 102/314.

6- . کافی: 2/548.

7- . اقبال: 1/476.

8- . اقبال: 1/138.

9- . تمامی ادعیهٔ امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و دعاهایی که از ائمه معصومین علیهم السلام دربارهٔ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به ما رسیده، در مؤسسة الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف زیر نظر مرحوم آیة الله سیّد محمد باقر موحد ابطحی در کتاب «الصحیفة المهدیة الجامعة» جمع آوری و تحقیق شده است. این کتاب در همین مؤسسه ترجمه و انتشارات دارالامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آن را منتشر کرده است.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«شب های جمعه، خداوند متعال فرشته مخصوص خود را به آسمان دنیا فرستد، چون صبح جمعه شود آن ملک بر عرش الهی که بر فراز بیت المعمور است بنشیند و برای حضرت رسول، امیرالمؤمنین، امام حسن و امام حسین علیهم السلام منبرهایی از نور گذاشته می شود، پس از آن منبر ها بالا می روند و نزد آن ها ملائکه و ارواح پیغمبران و مؤمنان جمع می شوند و درهای آسمان گشوده می گردد.

چون ظهر جمعه فرا می رسد، پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلمدعا می کنند: خدایا! نزدیک گردان آن وعده ای را که در کتاب خود در این آیه داده ای: { وَعَدَ اللهُ الّذینَ آمَنوا و عَمِلُوا الصّالِحاتِ لَیَستَخْلِفَنَّهُم فِی الاَرض... }(1)» و این همان وعدهٔ ظهور و استیلای امام زمان علیه السلام و رجعت حقّه و دولت مُنتَظَر ائمّه اطهار علیهم السلام در آخر الزّمان است. حضرت در ادامه می فرمایند: «پس ملائکه و پیغمبران نیز مثل این دعا می کنند، آن گاه حضرت رسول و امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین علیهم السلام سجده می نمایند و می گویند: «خدایا! غضب کن بر کسانی که حرمت تو را هتک کردند، و بندگان برگزیدهٔ تو را کشتند، و بندگان نیکوکار تو را خوار کردند»، پس خداوند آنچه را می خواهد تقدیر می فرماید، در روزی که نزد او معلوم است.»(2)

1- . سورهٔ مبارکهٔ نور، آیه 55؛ یعنی «وعده داده است خداوند متعال به کسانی که ایمان آورده اند و عمل نیکو می کنند، به این که البتّه آن ها را در زمین جانشین خواهد نمود.»

2- . غیبت نعمانی: ص276، ح56.

حقیر گوید: مراد، زمان ظهور و استیلای حضرت صاحب الأمر علیه السلام است، چنان چه در روایات دیگر تصریح شده است.

سؤال: اگر کسی شبهه کند که البته دعاهای آن بزرگواران مستجاب است، پس چرا این قدر ظهور آن حضرت عقب افتاده است؟

می گوییم: ما از وقت ظهور آن حضـرت آگاه نیستیم، پس اگر پیامبر، ائمّه، ملائکه، أنبیاء و مؤمنان برای تعجیل ظهور حضـرت دعا نکنند، بعید نیست خداوند ظهور حضـرت را در زمان بسیار دوری قرار دهد؛ و اگر دعا نمایند، خداوند ظهور حضرتش را در زمان نزدیک تر مقدّر بفرماید اگر چه هنوز آن زمان نزدیک تر هم فرا نرسیده است.

امام باقر علیه السلام می فرمایند:

«از زمانی که خداوند دعای موسی و هارون را مستجاب فرمود تا زمانی که بر فرعونیان غلبه کردند چهل سال طول کشید.»(1)

پس مؤمن باید صبر کند و از دعا کردن خسته نشود.

و جواب های دیگر هم از این شـبهه داده ام، مانند:امتحان و آزمایش بندگان، ارادهٔ پروردگار بر جاری شدن سنّت های انبیای گذشته در آن حضرت، ضایع نشدن ودایع خداوند، و موارد دیگر که با توضیح در «مکیال المکارم» بیان شده است.(2)

1- . بحار الانوار: 13/128 ح29

2- . مکیال المکارم: 1/181 حرف «غ».

مطلب چهارم : سرّ اهتمام زیاد أئمّه طاهرین علیهم السلام در دعای به صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

در این مختصر به یک وجه اکتفا می نمایم: همانا دعا کردن به کسی فرع محبّت داشتن به اوست، و بزرگ ترین علّت محبّت داشتن به شخصی، بودن خیر و برکت در اوست. پس هرقدر معرفت شخص به وجود خیر در کسی کامل تر شد محبّتش به او زیادتر می شود، و هر قدر محبّتش زیادتر شد تعلّقش به او و اهتمامش بر دعای به او بیش تر می گردد، و واضح است حقیقت معرفت حضرت صاحب الزّمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و خیرات وجود اقدس او به نحو اکمل برای هیچ احدی میسّر نیست مگر حضرت رسول الله و ائمّهٔ طاهرین علیهم السلام؛ زیرا آن ها از یک شجرهٔ طیّبه اند، و شخص دیگری نمی تواند به شئوون آن ها احاطه پیدا کند، لذا محبّت آنان هم به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اکمل و اعظم محبت هاست، و همین برای شدّت اهتمام شان بر دعا به وجود مبارک حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه الشریف و درخواست فتح و نصرت وفرج ایشان کافی است. و با این بیان، نکتهٔ فرمایش امام صادق علیه السلام در این حدیث آشکار می شود که فرمودند:

«اگر من زمان حضرت قائم علیه السلام می بودم، تا زنده بودم به او خدمت می کردم.»

و بر همین اساس هر کدام از مؤمنان که معرفت شان به حضرت و خیرات وجود مبارک او کامل تر است، محبّت شان هم کامل تر است، و هرچه محبّتشان کامل تر باشد، اهتمام شان بر دعای به حضرت زیادتر است.

مطلب پنجم : فواید دنیوی دعا برای حضرت علیه السلام

در این جا به ذکر ده فایده اکتفاء می کنم:

اول: طول عمر.زیرا دعا به حضرتش صلهٔ رحم پیغمبر صلی الله علیه وآله و سلم است، و در تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام آمده:

«صله رحم پیغمبر صلی الله علیه وآله و سلم برتر و واجب تر از صله رحم خود شخص است.»(1)

بنابراین، فوایدی که صلهٔ رحم خود شخص دارد، همان فواید را به طریق اولی و اکمل توجّه به صلهٔ رحم پیغمبر صلی الله علیه وآله و سلم دارد، و از جمله فواید صله رحم طول عمر است.

امام باقر علیه السلام می فرمایند:

«صله رحم، اعمال را پاکیزه می کند و بلاء را دفع می نماید وباعث آسانی حساب قیامت می شود و عمر را دراز می کند.»(2)

پس هر نوع خدمتی به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باعث رسیدن به این فواید هست. و به خصوص در ثواب دعای دوّمی که در مطلب دهم (ص 162) ذکر می گردد، روایت شده که موجب طول عمر می شود.

1- . تفسیر امام عسکری علیه السلام: ص330.

2- . کافی: 2/346 ح1.

دوّم : دفع بلا ها و وسعت روزی

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«دعا کردن در حقّ برادر دینی در غیاب او، روزی را زیاد و مکروه را دفع می کند.»(1)

مسلّماً هر قدر مقام و منزلت برادر مؤمن بالاتر باشد، حصول این فایده به دعا در غیاب او کامل تر خواهد بود.

پس دعای به صاحب الزّمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که اصل و معدن ایمان است، بیش از دعای به هر مؤمنی سبب رسیدن به این فایدهٔ بزرگ می شود.

سوّم: استجابت سایر دعاها.

همانا مداومت مؤمن در دعای به حضرت، سبب استجابت دعاهایی می شود که مؤمن در حقّ خود یا دیگران می کند، و البتّه آن بزرگوار هم در حقّ دعاکننده دعا می کنند.

و ده وجه برای این مطلب در کتاب «مکیال المکارم» ذکر نموده ام.(2)

پس سزاوار است مؤمن دعاهایش را با دعای برای حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف آغاز کند.

چهارم: شرفیابی به ملاقات حضرتش در خواب یا بیداری.

چنان چه در خصوص دعای عهد(3) و بعضی دعاهای دیگر روایت شده است. در کتاب «بحار» و غیره از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است:

1- . کافی: 2/507 ح2.

2- . مکیال المکارم: 1/439 مکرمت 14.

3- . بحار الانوار: 102/111.

«هر کس بعـد از نمـاز صـبح و ظهر بگویـد: «اَللّهُمَّ صَلِ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ» نمیرد تا به فیض ملاقات حضـرت قائم علیه السلام مشرّف شود.»(1)

و ظاهر این است که مقصود، مداومت بر این عمل است.

پنجم: زیاد شدن نعمت های الهی.

زیرا شکر نعمت به نصّ آیه قرآن، سبب زیاد شدن آنمی شود(2)؛

و چون وجود مبارک امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف بزرگ ترین نعمت الهی و واسـطهٔ تمام نعمت های ظاهری و باطنی است، ـ چنان که در اخبار متواتره ذکر شده، از جمله امام زین العابدین علیه السلام به ابی حمزه ثمالی فرمودند:

«ای أباحمزه! مبادا بین الطّلوعین خواب باشـی! زیرا در آن ساعت حقّ تعالی ارزاق بندگان را تقسیم می فرماید و آن ها را به دست ما جاری می گرداند.»(3)

پس شکرگزاری آن وجود مبارک، لازم و سبب فراوانی نعمت است، و دعای به حضرتش نوعی از شکرگزاری ایشان است.

در «کمال الدین» و غیره از محمّد بن زیاد أزدی روایت شده که گفت:

پرسیدم از امام کاظم علیه السلام در مورد تفسیر آیهٔ: {وأسبَغَ عَلَیکُم نِعَمَهُ ظاهِرَةً وباطنةً}(4). فرمودند:

«نعمت ظاهرة» امام ظاهر و «نعمت باطنه» امام غایب است.

گفتم: آیا از امامان کسی هست که غایب شود؟

1- . بحار الانوار: 83/77 ح11.

2- . سوره ابراهیم: آیه 7.

3- . بصائرالدرجات: 1/343 ح9.

4- . سوره لقمان: آیه 20.

فرمودند: «بلی، غایب می شود از چشم های مردم شخص او، و غایب نمی شود از دل های مؤمنین یاد او. او دوازدهمی ماست، که آسان می کند حقّ تعالی برایش هر مشکلی را، و هموار می کند برای او هر ناهمواری را، و آشکار می فرماید برایش گنج های زمین را، و نزدیک می کند برای او هر دوری را، و نابود می کند به وسیله او هر سرکش ستمکاری را، و هلاک می کند به دست او هر شیطان نابکاری را. او پسر سیّدهٔ کنیزکان است، مخفی می شود بر مردم ولادت او، و حلال نیست برای آن ها بردن نام اصلی او، تا زمانی که حقّ تعالی او را آشکار گرداند، پس پر کند زمین را از عدل و داد همچنان که پر شده باشد از ظلم وستم.»(1)

ششم: موجب یاری خدا، و غلبه دعا کننده بر دشمنان.

زیرا دعا به حضرت یاری اوست، و یاری او یاری خداست، و حقّ تعالی در قرآن مجید در چند موضع وعده فرموده است که یاری کند کسی را که یاری نماید او را؛ :

یکی: {وَ لَیَنصُرَنَّ اللهُ مَن یَنصُرُهُ}(2)،

و دیگر: {إنْ تَنصُرُوا اللهَ یَنصُرْکُم}.(3)

1- . کمال الدین: 2/368 ح6.

2- . سوره حجّ: آیه 4 ؛ «قسم باد که خداوند یاری خواهد کرد کسی را که یاری می کند خدا را».

3- . سوره محمّد: آیه 7 ؛ «اگر خدا را یاری کنید او هم شما را یاری خواهد کرد.»

هفتم: برگشت به دنیا در زمان ظهور حضرت.

چنان چه در «حدیقة الشیعه» از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است(1)، و به خصوص در فضیلت دعای عهدنامه در کتب متعدّد؛ مانند: «بحار الانوار» و غیره نقل گردیده است(2).

هشتم: سبب ثبوت ایمان، و نجات از مهالک و فتنه های آخرالزّمان.

و دلیل آن حدیثی است که شیخ صدوق از احمد بن اسحاق قمّی آورده، که گوید:

به محضر امام حسن عسکری علیه السلام رسیدم و می خواستم از امام و جانشین بعد از ایشان بپرسم، پس حضرت پیش از سؤال من فرمودند:

«ای احمد بن اسحاق! همانا خداوند خالی نگذارده زمین را از زمان خلقت آدم تا کنون، و خالی نمی گذارد تا قیامت از کسی که حجّت باشد از زمان خلقت آدم تا حال، و خالی نمی گذارد تاقیامت از شخصی که حجّت باشد بر خلق؛ زیرا به وسیلهٔ او بلا را از اهل زمین دفع می کند، و به برکت او باران می بارد، و برکات زمین را بیرون می آورد.»

احمد گفت: یابن رسول الله! کیست امام و جانشین بعد از شما؟

حضرت فوراً به اندرون خانه رفتند و بیرون آمدند در حالی که بر دوش حضرت پسری بود حدوداً سه ساله که رویش مثل ماه شب چهارده می درخشید. پس فرمودند: ای احمد بن اسحاق! اگر به خاطر کرامت تو نزد خدا و حجّت هایش نبود، این پسرم را به تو نشان نمی دادم، او هم نام و هم کنیه پیغمبر صلی الله علیه وآله و سلم است که زمین را پر از عدل و داد

1- . حدیقة الشیعة: ص762.

2- . مصباح الزائر: ص546؛ بحار: 102/111

می کند، چنان چه پر از ظلم و جور شده باشد. ای احمد بن اسحاق!

مَثَل او در این امّت، مَثَل خضر و ذوالقرنین است.

به خـدا قسم، غایب خواهد شد، غایب شدنی که نجات نمی یابد از هلاکت در زمان غیبتش، مگر کسـی که خدا ثابت بدارد او را بر قول به امامتش، و توفیق دهد تا دعا کند برای تعجیل ظهور او.»

احمد بن اسـحاق گفت: مولای من! نشانه ای به منبنما که دلم مطمئن شود. ناگاه آن پسر به عربی فرمودند: «منم بقیّة الله در زمین، و انتقام گیرندهٔ از دشمنان خدا، پس ای احمد بن اسحاق، بعد از دیدن من دیگر نشانه ای نخواه.»(1)

نهم: دفع بلا و عقوبت از کسانی که مستوجب آن اند.

زیرا این امر شـریف سـبب ثبوت بر ایمان و نجات از فتنه های آخرالزّمان است، و از حصول این فایـده حاصل می شود فایـده دیگر که آن محفوظ بودن دیگران از بلا ها و عقوبات ناگهانی است به برکت وجود دعاکنندگان برای این مطلب، چنان که در کتاب «بحار» از حضـرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند:

«می آید بر مردم زمانی که امام آن ها غایب می شود، خوشا به حال کسانی که ثابت هستند بر امر ما در آن زمان، همانا کم ترین ثواب آنها این است که حقّ تعالی آنان را نـدا می فرمایـد: ای بنـدگان من! ایمان آوردید به سـرّ من و تصدیق کردید حجّت غایب مرا، پس مژده باد بر شما به نیکویی ثواب من. شمایید بندگان و کنیزان من،

1- . کمال الدین: 2/384 ح1؛ بحار الانوار: 52/23 ح16.

همانا از شـما قبول می کنم اعمال خوبتان را و عفو می کنم اعمال زشـتتان را و می آمرزم شما را. به برکت شما بر بندگانم باران می بارم، و بلا را از آنان دفع می کنم، همانا اگر شما نبودید، عذابم را بر آنان نازل می کردم.»(1)

دهم: زودتر واقع شدن فرج و ظهور حضرت.

شاهد آن حدیث امام صادق علیه السلام است که فرمودند:

«حقّ تعالی وحی فرمود به حضـرت ابراهیم علیه السـلام که پسری به او عطا می فرماید، چون خبر به ساره داد، گفت: چگونه از من فرزند متولّد می شود با آن که پیر شده ام و زمان آبسـتنی ام گذشـته است؟! پس خدای عزّ وجلّ به ابراهیم وحی فرمودند: به همین زودی فرزندی از ساره متولّد خواهد شد، و به جزای این که وحی ما را از روی تعجّب رد کرد، فرزندان او چهارصد سال به دست دشمنان گرفتار و معذّب خواهنـد شد، و آن زمانی بود که بنی اسـرائیل گرفتار فرعونیان بودند.و چون زمان گرفتاری آن ها طول کشـید، به زاری درآمدند و چهل روز گریه کردند و به سوی خدا توجّه کردند و طلب فرج نمودند،

حقّ تعالی به موسی و هارون وحی کرد که آنان را از عذاب فرعونیان خلاص خواهد نمود با آن که یکصد و هفتاد سال از آن چهارصد سال باقی مانده بود.» آن گاه حضرت صادق علیه السلام فرمودند:

«شـما هم اگر این گونه رفتـار کنیـد البته حقّ تعـالی فرج را می رسانـد، امّا اگر ماننـد آن ها عمل نکنیـد این امر به منتهایی که بایـد خواهد رسید.»(2)

1- . کمال الدین: 1/330 ح15.

2- . تفسیر عیّاشی، 2/315 ح49.

مطلب ششم : فواید اخروی دعا برای حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف

اهتمام و مداومت در دعا به وجود مبارک امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و درخواست تعجیل در ظهور و فرج ایشان از حضرت ربّ الارباب را فواید زیادی است که با دلیل و برهان و آیات و روایات مفصّلاً در «مکیال المکارم» ذکرنموده ام، و چون در این رساله بنابر اختصار است، آن فواید را به طور فهرست و اجمال می شمارم تا خوانندگان را موجب ملال نشود.

1 رستگاری و رسیدن به شفاعت حضرت رسول صلی الله علیه وآله و سلم در قیامت.

2 رستگاری و رسیدن به شفاعت حضرت فاطمه؟سها؟.

3 رستگاری و رسیدن به شفاعت حضرت صاحب الزّمان عجل الله تعالی فرجه الشریف.

4 دعای به حضرت، اظهار محبّت به ایشان است.

5 دعای به حضرت نشانهٔ انتظار است و انتظار ثواب بسیار دارد.

6 احیای امر امام و دیگر ائمّه است و سبب آمرزش می شود.

7 سبب دوری شیطان از دعا کننده می شود.

8 تعظیم خداوند است و آن اعظم عبادات، بلکه روح آنهاست.

9 بعضی از حقوق امام عجل الله تعالی فرجه الشریف فی الجمله ادا می شود.

10 نوعی توسّل به «وسیله الهیّه» در آیه 35 سوره مائده است.

11 مزد رسالت حضرت رسول صلی الله علیه وآله و سلم في الجمله ادا می شود.

12 باعث آمرزش گناهان می گردد.

13 در زمره برادران رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم قرار می گیرد.

14 پیروی و اقتدا به پیامبران و ائمه طاهرین علیهم السلام است.

15 نوعی از وفای به «عهدالله» است که در قرآن امر فرموده.

16 فضیلت رعایت و ادای امانت الهیّه یعنی امام علیه السلام را دارد.

17 باعث زیاد شدن اشراق نور امام علیه السلام در قلب او می شود.

18 کمک به گسترش نیکی و تقواست.

19 باعث هدایت یافتن به نور قرآن می شود.

20 اعمال صالح به برکت دعای به حضرت قبول می شود.

21 ثواب طلب علم دارد، اگر قصدش استفاده از علوم حضرت باشد.

22 از عقوبت ها و سختی های روز قیامت ایمَن می شود.

23 به سبب آن، اجابت دعوت خدا و رسول صلی الله علیه وآله و سلم حاصل می شود.

24 در قیامت با امیرالمؤمنین علیه السلام و در درجهٔ ایشان قرار می گیرد.

26 عزیزترین مردم نزد خاتم پیغمبران صلی الله علیه وآله و سلم می شود.

25 محبوب ترین خلق نزد خداوند عالمیان جلّ شأنه خواهد بود.

27 از اهل بهشت خواهد شد.

28 دعای حضرت رسول صلی الله علیه وآله و سلم شامل حالش می شود.

29 خداوند او را در امر عبادت یاری می فرماید.

30 ثواب کمک به مظلوم را دارد.

31 ثواب اجلال و احترام به بزرگ حاصل می شود.

32 ثواب خون خواهی سید الشهدا و سایر شهدای کربلا را دارد.

33 شایستگی و توانایی تحمّل (وفهم) احادیث ائمه علیهم السلام را می یابد.

34 در قیامت نوری از او ساطع می شود که دیگران بهره می برند.

35 اجازه دارد هفتاد هزار نفر از گناهکاران را شفاعت کند.

36 اطمینان و آرام بودن قلب در روز قیامت حاصل می شود.

37 با مواظبت و اهتمام بر آن ثواب بیست حجّ حاصل می شود.

38 ثواب عمره دارد.

39 ثواب اعتکاف دو ماه در مسجدالحرام دارد.

40 ثواب دو ماه روزه با اعتکاف در مسجد الحرام دارد.

41 از آزاد کردن هزار بنده در راه خدا افضل است.

42 از دادن هزار اسب به جهاد کنندگان در راه خدا بهتر است.

43 از ده مرتبه طواف دور خانه کعبه مشرّفه افضل است.

44 دهزار حاجت او در روز قیامت روا می شود.

45 با حضرت رسول و ائمّه طاهرین علیهم السلام محشور می شود.

46 وقت مردن به او بشارت می دهند، و با نرمی رفتار می شود.

47 ملائکه در حقّ او دعا می کنند.

48 سبب خراش روی شیطان و جراحت قلب او می شود.

49 بهره مندی در صحرای محشر از طعام بهشتی.

50 از آفتاب قیامت محفوظ می ماند.

51 در عالم برزخ از عذاب ها و هول های آن عالم ایمن می گردد.

52 مایهٔ خشنودی خداوند و رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم می گردد.

53 این دعا در قبر و برزخ رفیق و مصاحب نیکویی برای اوست.

54 حساب او در قیامت آسان است و با شدت برخورد نمی شود.

55 در های بهشت برای او گشوده می شود.

56 اعتصام به «حبل الله» که قرآن فرموده، حاصل می شود.

57 دعای حضرت سیّدالسّاجدین علیه السلام شامل حال او می شود.

58 تمسّک به ثقلین (قرآن و عترت) که پیامبر فرمود، حاصل می شود.

59 باعث رسیدن به ثواب عبادت جمیع بندگان می شود.

60 سبب کامل شدن ایمان می شود.

61 ثواب شهادت در رکاب پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام دارد.

62 ثواب شهادت زیر پرچم صاحب الزّمان علیه السلام را دارد.

63 ثواب احسان نمودن به امام عجل الله تعالی فرجه الشریف را دارد.

64 ثواب اکرام عالم که از جمله عبادات بزرگ است، دارد.

65 ثواب اکرام شخص کریم را دارد.

66 جبران بعضی از احسان های حضرت در حقّ ما می شود.

67 به سبب آن اطاعت از «اولی الأمر» في الجمله حاصل می شود.

68 رسیدن به درجات شهداء بلکه شهدای در خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام.

69 حضور ملائکه در مجلسی که دعا به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می شود.

70 ایمنی از تشنگی روز قیامت، و پیغمبر صلی الله علیه وآله و سلم سیرابش می کنند.

71 دعای به حضرت در زمان غیبت، بهتر از زمان ظهور است.

72 امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای دعاهای دیگر او دعا می کنند.

73 آثار و برکات و ثواب نیکی به پدر برای او حاصل می شود.

74 اصحاب اعراف در قیامت او را شفاعت می کنند.

75 گناهانش آمرزیده شده و به حسنات تبدیل می شود.

76 مشمول دعای امیرالمؤمنین علیه السلام در قیامت می شود.

77 در قیامت، هدیه و تحفه ویژه بهشتی دریافت می کند.

78 در بهشت خدمت گذاران بهشتی او را خدمت می کنند.

79 خداوند به فرشتگانش به خاطر این عمل مباهات می کند.

80 ثواب خیرخواهی مؤمن در نامه عمل او نوشته شود.

81 فرشتگان برای او استغفار و طلب آمرزش می کنند.

82 باعث بالا رفتن درجات بهشتی او می شود.

83 مادامی که مشغول دعاست در سایهٔ گستردهٔ خداوند است.

84 برای او ثواب محبوب ترین اعمال نوشته می شود.

85 خداوند در بهشت به او حکومت می دهد.

86 برای او ثواب تعظیم شعائر الهی ثبت می گردد.

87 باعث سرور و خشنودی دل امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می شود.

88 باعث استجابت دعای ائمه علیهم السلام در حقّ حضرت می شود.

89 سبب تحقق دعای همه انبیاء و اوصیاء و وعدهٔ آن ها می گردد.

90 ثواب خون خواهی حضرت زهرا علیها السلام و سایر ائمّه را دارد.

مطلب هفتم : شرایط فائز شدن به نحو کمال به تمام فوایدی که ذکر شد

این عمل شریف، از نظر ثواب های بسیار و فواید خوب فراوان، جامعیّتی دارد که سایر عبادات ندارند. لکن بنابر آن چه از آیات و روایات به دست می آیـد، فائز شـدن و دست یافتن به آن فواید و ثواب ها به نحو کمال و تمام، منوط به اهتمام و مداومت بر بسـیاری دعا برای تعجیل فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده و مشروط به سه شرط است:

شرط اول: ایمان.

مقصود، یقین قلبی و اقرار زبانی به اصول دین و مذهب است که این اصول مشتمل بر سه چیز می باشد:(1)

1_ شناخت و معرفت به خداوند، و وحدانیّت و صفات ثبوتیّه(2) و صفات سلبیّه(3) او.

2_ شـناخت و معرفت به پیامبر اسـلام صـلی الله علیه وآله و سـلم و خاتمیّت و حقّانیّت آن چه فرموده است که از آن جملهٔ آن ها مسألهٔ معاد و سایر ضروریّات دین است.

1- . مکیال المکارم: 1/441.

2- . صفات ثبوتیه: آن دسته از صفاتی که از کمال خداوند حکایت دارد و باید به ذات اقدسش نسبت داد، مثل: عادل، عالم، رازق و حکیم بودن و...

3- .صـفات سـلبیّه: منزّه داشـتن خداوند از صـفاتی که بر نیاز، نقص، و محدودیت حکایت دارد و نباید به او نسـبت داد، مثل: جسمیت، خوردن، آشامیدن و . . .

3_ شناسایی و معرفت به دوازده امام، که اوّلین آن ها، حضرت امیرالمؤمنین علیّ بن ابي طالب علیه السلام، و آخرین آن ها، حجة بن الحسن امام زمان علیه السلام که زنده و غایب است و نخواهد مُرد تا ظهور کند و عالَم را پر از عدل نماید.

پس هرگاه _ نعوذ بالله_ کسی در یکی از امور مزبور شک کند و یا منکر یکی از ضروریّات دین شود، مؤمن نیست و هیچ یک از اعمالش قبول نمی شود، و اگر در آن حالت بمیرد، نجات نمی یابد. و مراد از ضروریات دین آناحکامی است که واضح و ظاهر باشد بر هر مسلمانی که در اسلام و محیط اسلامی نما و رشد کرده است و به عنوان حکم دین اسلام شناخته شده باشد، مثل: وجوب نمازهای یومیه و روزه و حرمت ربا و شرب خمر و مانند این ها.

شرط دوّم: حصول تقوای حقیقی.

تقوی به معنی پرهیزکاری است، و چهار درجه دارد، که بر اساس آن ها درجات قبولی و ثواب اعمال تفاوت پیدا می کند.

درجه اوّل: پرهیز از گناهان کبیره؛

و هرگاه شخص به این درجه رسید، گناهان صغیرهٔ او بخشیده می شود و به ثواب اعمال خیر و دخول در بهشت فائز می شود، و دلیل آن آیهٔ شریفهٔ: {إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبائِرَ ما تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئاتِكُمْ وَ نُدْخِلْكُمْ مُدْخَلاً كَريماً}(1) بوده و روایات هم مطابق آن وارد شده است.

1- . سوره نساء: آیه 30. «اگر از گناهان بزرگی که نهی می شوید دوری کنید، گناهان کوچکتان را محو می کنیم و شما را به جایگاهی ارزش مند وارد می کنیم.»

پس هر مؤمنی لازم است گناهان کبیره را بشناسد تا از آن ها بپرهیزد. و پوشیده نماند، هر گناه صغیره ای را که اصرار بر انجام آن گردد، گناه کبیره می شود، چنان که در روایات وارد شده و علما نیز بر آن اجماع دارند.

درجه دوّم: پرهیز نمودن از تمام گناهان است؛

و هرکس بتواند به این درجه برسد، ثواب عباداتش کامل تر است. و تحصیل این دو درجه به مقتضای آیات و روایات واجب است.

درجه سوّم: ترک مکروهات به خاطر ترس از افتادن در محرّمات؛

درجه چهارم: ترک مباحات، به خاطر ترس از افتادن در مکروهات و محرّمات.

و این دو درجه، مقام مؤمنین کامل است که هر عملی از آن ها صادر می شود مقرون به رضای خداوند است.

شرط سوّم: تهذیب نفس از صفات رذیله و رفتارهای زشت و ناپسند.

یعنی صفات خبیثه ای که در باطن انسان کمین کرده، و او را از ساحت قرب الهی دور می کنند، مثل: تکبّر، حرص، حسد، کینه، نفاق، عُجب، حبّ دنیا و غیر این ها را از خود دور نماید؛ زیرا شخص با وجود آن ها به مطلوب خود نخواهد رسید، بلکه بعضی از صفات خبیثه چنان اثر دارد که او را به کلّی از ثواب محروم می کند و حتّی باعث زوال ایمانش می شود؛ مانند: حبّ دنیا و مانند آن.

و چون دعا به ویژه برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و تعجیل فرج از بهترین عبادت هاست، باید نیّت از هر هوای نفسانی و شیطانی خالص باشد، زیرا خلوص نیّت شرط قبولی عبادت است.

من آنچه شرط بلاغ است با تو می گویم *** تو خواه از سخنم پندگیر، و خواه ملال

پس هرگـاه مؤمن بـا حصول این شـرایط، اهتمـام و مـداومت بر دعا به وجود مبارک امام زمان علیه السـلام و درخواست تعجیل در فرج و ظهور حضرت از خداوند عالم جلّ شأنه نمود، به تمامی فوایدی که ذکر گردید به نحو کمال ان شاء الله تعالی خواهد رسید.

سؤال: گاهی برخی کوته نظران استبعاد می کنند و می گویند: چگونه به ازای یک عمل کوچک و مختصر این همه ثواب داده می شود؟!

سه جواب دارد:

جواب اوّل: این عمـل شـریف نزد اهـل بصـیرت کوچک نیست، تا آن که جای این اسـتبعاد باشـد، بلکه در نهایت بزرگی و کمال عظمت است و عـارف و عالم به آن، کوچکی و بزرگی هر چیزی را تعیین می کنـد؛ مِثل آن که گاهی یک جواهر کوچک چنـد صـد میلیون قیمت دارد و جواهرشـناس و خبره آن را مشخّص می کند و نادان حق ندارد اعتراض کند، چرا این قیمتِ بالا را روی این جواهر گذاشتی؟! و عالِم به ارزش و قیمت این دعا نیز خلّاق عالمیان و خاتم پیغمبران صلی الله علیه وآله و سلم و ائمه طاهرین علیهم السلام هستند.

و مَثَل دعای به امام زمان روحی و أرواح العالمین فداه مَثَل شـهادتین است که کوچک و مختصـر بوده امّا کافر با گفتنش، مسـلمان و اهل بهشت می شود، و کسی حق ندارد به بهانهٔ اختصار این دو کلمه و آسانی آن، احکام و آثارش را انکار کند.

جواب دوّم: ثواب هـایی که حقّ تعـالی به ازای هر عملی عطـا می فرمایـد، از راه لطف و تفضّـل خویش است، نه آن که حقیقتـاً شـخص مسـتحقّ آن باشـد. مَثَلِ این دعا و سایر عبادات مَثَل هـدیه ای است که فرد محتاج به شـخص کریم پیشـکش می کند، و بزرگ و کریم بی توجّه به قیمت هدیّه بلکه به اقتضای کَرَم خود به او انعام می دهد.

در حدیث است: یکی از کنیزان امام حسین علیه السلام یک شاخهٔ گُل به حضرت هدیه کرد، پس آن حضرت او را آزاد نمودند.(1)

جواب سوّم: تمام این ثواب و پاداش هایی که به دعا کنندهٔ امام زمان علیه السلام داده می شود، در حقیقت عطیّه خداوند به خود حضرت و اکرام و بزرگداشت ایشان است، و واضح است که حضـرت استحقاق این مراتب و مافوق آن ها را دارند؛ مثل آن که بزرگی، شخص بزرگ دیگری را مهمـان کنـد، پس به هر یـک از همراهـان و غلامـان او احسان هایی می کنـد که به خودی خود لیاقت آن گونه انعام و احسان را ندارنـد، لکن به سـبب انتسـاب و تعلّقشـان به آن شـخص بزرگ مورد الطـاف میزبـان قرار می گیرنـد و این ها در حقیقت تجلیل و تعظیم صـاحب آن هـاست و کوتاهی در احترام آنان باعث رنجش خاطر و گِلِهٔ آن شـخص بزرگ می گردد، چنان که ثواب و عطای فراوانی که به زائران و گریه کنندگان سیّد الشّهداء علیه السلام عنایت می شود به سبب انتساب ایشان به حضرت است، نه به خاطر استحقاق خودشان.

نثار حُسن جمال حبیب اگر آرند *** دو عالَمی ز کریمان عجب نپندارند

1- . عوالم العلوم، 17/64 ح3.

[مطلب هشتم چگونگی دعا به ویژه برای تعجیل فرج و ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

اوّل : از روایات بر می آید، دعا به هر زبانی، چه فارسی، چه عربی و چه زبان های دیگر ممکن است.

دوّم : دعا می توانـد به نظم باشـد یا به نثر، و تفاوت نمی کنـد دعا را خود دعا کننـده انشا کرده باشـد یا غیر او، ولی ادعیهٔ ائمّه اطهار علیهم السـلام قطعاً بهترین دعاهاست و تأثیرشان بیش تر است؛ زیرا آنان چگونگی درخواست و مناجات و اظهار بندگی به درگاه پروردگار را می دانند و فرشتگان تسبیح و تقدیس خداوند را از آن ها آموختند.

سوّم : اگرچه ذکر و یاد خداوند در قلب کافی است، امّا گذراندن دعا از دل بدون اینکه بر زبان جاری شود ظاهراً کفایت نمی نماید و عنوان دعا جز با جاری کردن بر زبان صدق نمی کند.

چهارم : شـیخ جعفر در کتاب «کشف الغطاء» می نویسد: دعا، در حال ایسـتاده، بهتر از نشسـتن، و در حال نشسـته، بهتر از دراز کشیدن است.

پنجم : باید ترتیب جملات و اذکار و دعاهایی که از ائمه معصومین علیهم السلام رسیده رعایت شود، و به آن گونه که به ما رسیده بخواند، و نبایـد چیزی بر آن ها افزود یا از آن ها کاست؛ زیرا هر دعا و ذکری اثر خاصّ ی دارد؛ مانند: داروها و ترکیبات طبّی، وقتی اثر می کنند که دستور استفاده از آنها دقیقاً و بی کم و کاست اجرا شوند. چنان که عبدالله بن سنان می گوید:

امـام صـادق علیه السـلام امر فرمودنـد در زمان غیبت دعای غریق بخوان: «یا اَللّهُ یا رَحْمانُ یا رَحِیمُ یا مُقَلِّبَ الْـقُلُوبِ ثَـبِّتْ قَلْبِي عَلیٰ دینِكَ»

پس من گفتم: «یا الله یا رحمان یا رحیم یا مقلّب القلوب و الأبصار ثبّت قلبي علی دینک»، و حضرت فرمودند: خداوند دگرگون کننده دل ها و دیده هاست ولی آن طور که من می گویم تکرار کن، پس بگو: «یا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلیٰ دینِكَ».(1)

ششم : گر چه سـخن گفتن در بین دعا با کمال عمل منافات دارد، امّا اگر به اندازه ای نباشد که عرفاً دعا را تحت الشـعاع قرار دهد، اشـکال ندارد، و الّا بهتر است دعا را از ابتدا بخواند.

هفتم : مسـتحبّ است، دعا بالاخص دعای برای تعجیل و فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف با صـدای بلنـد باشد، به ویژه در مجالسی که برای دعا تشکیل شده است، زیرا نوعی تعظیم شعائر خداوند است.

هشتم : مستحبّ است، دعا گروهی و جمعی باشد.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«پـدرم، امام باقر علیه السـلام چنین بود که هرگاه مسأله یا حادثه ای او را انـدوهگین می کرد، زنان و کودکان را جمع می نمود، سـپس دعا می کرد و آن ها آمین می گفتند.»(2)

نهم : مستحبّ است، ثواب دعا برای حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف و تعجیل فرج و ظهورشان را به ارواح نیکوکار مخصوصاً پدر و مادر و خویشاوندان

1- . کمال الدین: 2/ 351.

2- . کافی: 2/ 487.

هدیه کند، به دلیل روایاتی که درمورد هدیه فرستادن برای اموات است، چنان که امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«هرکدام از مؤمنین کار نیکی به نیابت از مرده ای انجام دهد، خداوند به او دو برابر پاداش دهد و آن متوفّی را از ثواب آن بهره مند نماید.»(1)

دهم : مستحبّ است، در این عمل مبارک از زنده ها نیز نیابت شود، به ویژه از طرف والدین و اساتید و کسانی که حقّی بر گردن انسان دارند، به دلیل روایات متعددی که وجود دارد. امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«چه چیز باز می دارد شما را نسبت به والدین خود در حال زنده بودن یا پس از مرگشان نیکی کنید، از سوی آنان نماز بگزارید، صدقه دهید، حج به جا آورید و روزه بگیرید؟ همانا آنچه انجام دهید برای آنان خواهد بود و برای خودتان نیز همانند آن ثواب هست، پس خداوند به جهت نیکی و صله تان، خیر بسیار به شما عطا می فرماید.»(2)

یازدهم : خضوع و حضور قلب و توجه کامل به درگاه خداوند هنگام دعا بسیار اهمیت دارد و مقصود اصلی از دعا همین است، و سزاوار است با کمال تضرّع و زاری دعا کند؛ مثل کسی که برای عزیزترین اهل خودش که مضطر و گرفتار شده، با تمام وجود دعا می کند.

دوازدهم : آمین گوی دعای کسی باشد که برای فرج و ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دعا می کند، چون واژهٔ «آمین» یعنی «مستجاب کن» و این خودش دعاست.

1- . وسائل الشیعه: 5/ 369، ح 25.

2- . وسائل الشیعه: 5/365.

سیزدهم : از خداونـد بخواهـد، در هر زمان هر کس برای تعجیل و فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف دعا می کند، مسـتجاب سازد.

چهاردهم : از خداوند بخواهد، اسباب و مقدّمات و زمینه های زود واقع شدن فرج و ظهور فراهم شود و موانع تحقّق آن برطرف گردد.

پـانزدهم : در دعاهـایش برای برآورده شـدن حوائـج دوسـتان حضـرت دعا کنـد و از خداونـد نابودی دشـمنان حضـرتش به ویژه آنان که وجودشان مانع فرج شده را بخواهد.

شانزدهم : قبل از شـروع دعا از گناهانش اسـتغفار کند و از خداوند بخواهد توفیق ترک گناه به او عطا فرماید وگناهانی که از او یا اهل ایمان باعث تأخیر در فرج و ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شده، بیامرزد.

هفدهم : از خداوند بخواهد، اجر عبادات و اعمال نیکش را فرج و ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار دهد.

هجـدهم : از خداونـد بخواهـد، دست سـتمگران را از سـر مؤمنان کوتاه سازد، عدالت را در شـرق و غرب عالم گسترش دهد و آسایش و خوشی را به مردم بچشاند؛ زیرا این امور جز با ظهور حضرت تحقّق نمی یابد.

نوزدهم : از خداونـد بخواهـد، دین حق و اهل ایمان را بر همهٔ ملل و ادیان پیروز کند و انتقام خون اهل بیت علیهم السـلام را از دشـمنان دین و ستمکاران به ویژه غاصبان ولایت و شهدای کربلا بگیرد که جز با ظهور محقّق نمی شود.

بیستم : از خداوند زدودن اندوه از قلب مقدّس حضرت علیه السلام و رفع مظلومیّت و غربتش را بخواهد.]

مطلب نهم اوقات و حالات دعا برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

و در این مختصر به ذکر جمله ای از آن ها اکتفاء می نمایم:

اوّل : در قنوت نماز ها، چنان که ائمّه علیهم السلام در قنوت های متعدّدشان برای تعجیل فرج حضرت دعا کرده اند، از جمله روایت شده:

حضرت صادق علیه السلام به شیعیان امر می فرمودند: در قنوت بعد از کلمات فرج: «لا إله إلّا الله الحلیم الکریم ...» این دعا را بخوانند:

«اَللّهُمَّ اِلَیْ شَخِصَتِ الْاَبْصارُ وَنُقِلَتِ الْاَقْدامُ وَرُفِعَتِ الْاَیْدي وَمُدَّتِ الْاَعْناقُ، وَاَنْتَ دُعیتَ بِالْاَلْسُنِ، وَ اِلَیْ سِرِّهُمْ وَنَجْواهُمْ فِي الْاَعْمالِ، رَبَّنَا افْتَحْ بَیْنَنا وَبَیْنَ قَوْمِنا بِالْحَقِّ، وَاَنْتَ خَیْرُ الْفاتِحین.اَللّهُمَّ اِنّا نَشْکُو اِلَیْ فَقْدَ نَبِیِّنا (وَغَیْبَةَ اِمامِنا) وَقِلَّةَ عَدَدِنا وَکَثْرَةَ عَدُوِّنا وَتَظاهُرَ الْاَعْداءِ عَلَیْنا، وَوَقُوعَ الْفِتَنِ بِنا، فَفَرِّجْ ذلِ اللّهُمَّ بِعَدْلٍ تُظْهِرُهُ، وَاِمامِ حَقٍّ تَعْرِفُهُ، اِلهَ الْحَقِّ آمینَ رَبَّ الْعالَمینَ.»(1)

حقیر گوید: هرگاه نتواند این دعا را بخواند، یا وقت تنگ باشد، کافی است بگوید: «اَللّهُمّ عَجِّلْ فَرَجَ مَولانا صاحِبَ الزَّمان، وَعَجِّلْ خِزْیَ اَعْدائِهِ.»

دوّم : در سجده

1- . مستدرک الوسائل: 4/404 ح7؛ صحیفه علویّه: ص484، د311.

سوّم : بعد از هر نماز واجب.

چهارم : بعد از هر دو رکعت از نماز نافلهٔ شب.

پنجم : هر صبح و شام.

ششم : اوقاتی که با خواندن زیارت نامه، حضرت را زیارت می کنی.

هفتم : بعد از ذکر مصیبت سید الشهداء علیه السلام

هشتم : هر وقت می خواهی برای خود دعا کنی، ابتدا برای حضرت دعا کن، سپس برای خودت.

نهم : روزهای پنجشنبه. در «جمال الأسبوع» آمده:

پنجشنبه ها مستحبّ است صد مرتبه بگویند: «اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَ أَهْلِ عَدُوَّهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَ الْاِنْسِ، مِنَ الْاَ وَّلینَ وَ الآخِرینَ» و آن فضیلت بسیار دارد.(1)

دهم : روزهای جمعه، مخصوصاً وقت زوال و بعد از نماز ظهر و عصر. حضرت صادق علیه السلام می فرمایند:

با فضیلت ترین اعمال روز جمعه آن است، بعد از نماز عصر صد مرتبه بگویی: «اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ.»(2)

یازدهم : روز عاشورا.

دوازدهم : روز و شب نیمه شعبان.

سیزدهم : تمام ماه رمضان، خصوصاً شب های آن.

1- جمال الأُسبوع: ص121 و ص277.

2- . جمال الأُسبوع: ص121 و ص277.

چهاردهم : شب ها و روزهای قدر.

پانزدهم : خصوص روز بیست و یکم ماه رمضان، بعد از نماز صبح.

شانزدهم : روز عید فطر.

هفدهم : روز بیست و پنجم ماه ذیقعده (دحوالأرض).

هجدهم : روز عرفه.

نوزدهم : روز عید قربان.بیستم : روز عید غدیر.

بیست و یکم : ایام نوروز. با توجّه به حدیث «معلّی بن خُنیس» در «زاد المعاد» که حضرت صادق علیه السلام فرمودند:

«هیچ نوروزی نیست، مگر آن که ما اهل بیت انتظار فرج می کشیم.»(1)

بیست و دوم : هر وقت همّ و غمّی عارض می شود، باید برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دعا کند، و از خدا بخواهد همّ و غمّ حضرت را دور نماید.

زیرا امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«هر وقت همّ و غمّ بر قلب امام عارض می شود، آن غم در قلوب شیعیانش اثر می کند.»(2)

از این نظر گاهی قلب مؤمن محزون و غمناک می شود و حال آنکه علّت ظاهری برای آن نمی یابد.

و دلایل دعا در این اوقات را در کتاب «مکیال المکارم» آورده ام.(3)

1- . بحار الانوار: 53/308 ح87.

2- . بصائر الدرجات، ص260، ح2.

3- . ر.ک: جلد دوّم، باب ششم، ص7 _ 66.

مطلب دهم دعاهای ائمهٔ معصومین علیهم السلام برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

چنان چه پیشتر بیان شد، بهتر است، دعاهایی که از ائمّه اطهار علیهم السلام برای آن بزرگوار روایت شده، بخواند و آن ها بسیارند، و حقیر در این مختصر به ذکر چند دعا بسنده می کنم.

اوّل : امام جواد علیه السلام می فرمایند، بعد از هر نماز واجب این دعا را بخوان:

«رَضیتُ بِاللهِ رَبّاً، وَ بِالْاِسْلامِ دیناً، وَ بِالْقُرْانِ کِتاباً، وَ بِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه وآله و سلم نَبِیّاً، وَ بِعَلِیٍّ وَلِیّاً، وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ، وَ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ، وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ، وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ، وَ عَلِیِّ بْنِ مُوسی، وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ، وَ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ، وَ الْحُجَّةِ ابْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ اَئِمَّةً. اَللّهُمَّ وَلِیَّ الْحُجَّةَ، فَاحْفَظْهُ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَمِنْ خَلْفِه، وَعَنْ یَمینِه وَعَنْ شِمالِه، وَمِنْ فَوْقِه، وَمِنْ تَحْتِه، وَامْدُدْ لَهُ في عُمْرِه وَاجْعَلْهُ الْقائِمَ بِاَمْرِ، وَالْمُنْتَصِرَ لِدینِ. وَاَرِه ما یُحِبُّ، وَما تُقِرُّ بِه عَیْنَهُ في نَفْسِه وَ ذُرِّیَّتِه، وَ في اَهْلِه وَ مالِه، وَ في شیعَتِه، وَ في عَدُوِّه، وَ اَرِهِمْ مِنْهُ ما یَحْذَرُونَ، وَاَرِه فیهِمْ ما یُحِبُّ وَ تَقَرُّ بِه عَیْنُهُ، وَاشْفِ بِه صُدُورَنا، وَصُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنینَ.»(1)

1- . مکیال المکارم: 2/8 ح1043.

دوّم : در «بحار» و غیره، از حضرت صادق علیه السلام روایت شده، این دعا را بعد از هر نماز بخوانند:

«اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، اَللّهُمَّ اِنَّ الصّادِقَ الْمُصَدَّق عَلَيْهِ السَّلامَ قالَ: اِنَّكَ قُلْتَ: ما تَرَدَّدْتُ في شَيْءٍ اَنَا فاعِلُهُ كَتَرَدُّدی في قَبْضِ رُوحِ عَبْدِيَ الْمُؤْمِنِ، يَكْرَهُ الْمَوْتَ، وَ (اَنَا) اَكْرَهُ مَساءَتَهُ.

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ لِوَلِيِّكَ الْفَرَجَ، وَالْعافِيَةَ وَالنَّصْرَ، وَلا تَسُؤْني في نَفْسي، وَلا في اَحَدٍ مِنْ اَحِبَّتي.»(1)

سوم : در «فروع کافی» آمده، این دعا را در هر حال و هر وقت بخوانند، مخصوصاً در ماه رمضان و خصوص شب بیست و سوّم آن:

بعد از حمد خدا و صلوات بر خاتم انبیاء صلی الله علیه وآله و سلم می گویی:

«اَللّهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنْ صَلَواتُ عَلَيْهِ وَ عَلی آبائِهِ فِي هذِهِ السّاعَةِ وَ في كُلِّ ساعَة، وَلِيّاً وَ حافِظاً، وَ ناصِراً وَ دَليلاً وَ قائِداً وَ عَوْناً وَ عَيْناً، حَتّی تُسْكِنَهُ اَرْضَ طَوْعاً، وَ تُمَتِعَهُ فيها طَويلاً.»(2)

چهارم : دعایی که از امام رضا علیه السلام روایت شده که فرمودند:

«دعا کنید به حضرت حجّت عجّل الله فرجه با این دعا».

این دعا وقت مخصوصی ندارد، لذا هر وقت بتوانند، آن را بخوانند(3) و این عاصی را به دعای خیر یاد کنند.

1- . بحار الانوار: 86/8 ح7.

2- . کافی: 4/162 ح4.

3- . یونس بن عبدالرحمن می گوید: امام رضا علیه السلام دائماً ما را امر می فرمود به دعا کردن برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با خواندن این دعا.

«اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ادْفَعْ عَنْ وَلِيِّكَ وَ خَلِيفَتِكَوَ حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَلِسَانِكَ الْمُعَبِّرِ عَنْكَ بِإِذْنِكَ، النَّاطِقِ بِحِكْمَتِكَ ...».(1)

پنجم : در «جمال الأُسبوع» از امام حسن عسکری علیه السلام روایت است که باید صلوات فرستاد بر حضرت صاحب الأمر عجل الله تعالی فرجه الشریف به این کیفیّت:

«اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ وَلِيِّكَ وَ ابْنِ أَوْلِيائِكَ الَّذِينَ فَرَضْتَ طاعَتَهُمْ، وَ أَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ، وَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً. اَللّٰهُمَّ انْصُرْهُ وَانْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ، وَانْصُرْ بِهِ أَوْلِياءَكَ وَ أَوْلِياءَهُ وَ شِيعَتَهُ وَ أَنْصارَهُ وَ اجْعَلْنا مِنْهُمْ. اَللّٰهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ باغٍ وَ طاغٍ، وَ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَ احْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمالِهِ، وَ احْرُسْهُ وَ امْنَعْهُ أَنْ يُوصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ، وَ احْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَ آلَ رَسُولِكَ، وَ أَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ، وَ أَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَ انْصُرْ ناصِرِيهِ، وَ اخْذُلْ خاذِلِيهِ، وَ اقْصِمْ بِهِ جَبابِرَةَ الْكُفْرِ، وَ اقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنافِقِينَ وَ جَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كانُوا مِنْ مَشارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغارِبِها، وَ بَرِّها وَ بَحْرِها، وَ امْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلاً، وَ أَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلامُ، وَ اجْعَلْنِي اللّٰهُمَّ مِنْ أَنْصارِهِ وَ أَعْوانِهِ وَ أَتْباعِهِ وَ شِيعَتِهِ، وَ أَرِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ مَا يَأْمُلُونَ، وَ فِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ، إِلٰهَ الْحَقِّ(رَبَّ الْعالَمِينَ) آمِينَ.»(2)

مؤلّف گوید: چون این صلوات مشتمل است بر دعا به آن حضرت، پس در هر حال و هر وقت خواندن آن مناسب است.

1- . این دعا در بخش زیارات کتاب مفاتیح الجنان بعد از دعای عهد، تحت عنوان «دعا برای امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف» به طور کامل آورده شده است.

2- . جمال الاسبوع: ص493.

ششم : صلواتی که از خود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در «جمال الاسبوع» و بحار روایت شده، و مشتمل است بر دعا و صلوات بر حضرت:

«بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ. اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلينَ وَخاتَمِ النَّبِيّينَ، وحُجَّةِ رَبِّ الْعالَمينَ، الْمُنْتَجَبِ فِي الْميثاقِ، الْمُصْطَفى فِي الظِّلالِ الْمُطَهَّرِ مِنْ كُلِّ آفَةٍ، الْبَرىءِ مِنْ كُلِّ عَيْبٍ، الْمُؤَمَّلِ لِلنَّجاةِ....»(1)

هفتم : دعای عهد نامه کوچک که همه روزه بعد از نماز صبح بخوانند و به منزله زیارت آن حضرت است. و در «بحار الانوار» و «زاد المعاد» و غیرهما منقول است:

«اَللّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلايَ صاحِبَ الزَّمانِ ـ صلوات الله علیه ـ عَنْ جَميعِ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ، في مَشارِقِ الْاَرْضِ وَمَغارِبِها وَ بَرِّها وَ بَحْرِها وَسَهْلِها وَجَبَلِها، حَيِّ-هِمْ وَمَيِّتِهِمْ، وَعَنْ والِدَيَّ وَوُلْدى وَعَنّى، مِنَ الصَّلَواتِ وَالتَّحِيّاتِ زِنَةَ عَرْشِ اللهِ، وَمِدادَ لِماتِه، وَمُنْتَهىٰ رِضاهُ وَعَدَدَ ما اَحْصاهُ كِتابُهُ، وَاَحاطَ بِهِ عِلْمُهُ بِهِ. اَللّهُمَّ [اِنّى] اُجَدِّد لَهُ في هذَا الْيَوْمِ وَفى كُلِّ يَوْمٍ عَهْداً وَعَقْداً وَبَيْعَةً لَهُ عَلى رَقَبَتى.

اَللّهُمَّ فَما شَرَّفْتَني بِهذَا التَّشريفِ، وَفَضَّلْتَني بِهذِهِ الْفَضيلَةِ، وَخَصَصْتَني بِهذِهِ النِّعْمَةِ، فَصَلِّ عَلى مَوْلايَ وَسَيِّدي صاحِبِ الزَّمانِ، وَاجْعَلْني مِنْ اَنْصارِهِ وَاَشياعِهِ وَالذّابِّينَ عَنْهُ، وَاجْعَلْني مِنَ الْمُسْتَشْهَدينَ

1- . این صلوات که معروف است به صلوات ضراب اصفهانی، در کتاب مفاتیح الجنان در قسمت فضیلت و اعمال شب و روز جمعه در بخش ادعیه، به طور کامل آورده شده است، و حکایت مفصلی در این زمنیه وجود دارد.

بَيْنَ يَدَيْهِ، طائِعاً غَيْرَ مُكْرَهٍ، فِـي الصَّفِّ الَّذي نَعَتَّ اَهْلَهُ في كِتابِ، فَقُلْتَ: {صَفّاً اَنَّهُمْ بُنْيانٌ مَرصُوصٌ}(1) عَلى طاعَتِ وَطاعَةِ رَسُولِ وَ آلِه عليهم السلام، اَللّهُمَّ هذِه بَيْعَةٌ لَهُ في عُنُقي اِلى يَوْمِ الْقِيامَةِ.»(2)

هشـتم : دعای عهدنامه با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف در «زاد المعاد» و غیر آن از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: «هر کس چهل صـبح این عهد نامه را بخواند، از یاوران قائم ما باشد، و اگر پیش از ظهور حضـرت حجّت عجل الله تعالی فرجه الشـریف بمیرد، خداونـد او را از قبر بیرون آورد که در خـدمت حضـرتش باشـد، و حق تعـالی به هر کلمه، هزار حسـنه به او کرامت فرمایـد و هزار گناهش را بیامرزد:

«اَللّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظيمِ، وَ رَبَّ الْكُرْسـيِّ الرَّفيـعِ، وَ رَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْـجُورِ، وَ مُنْزِلَ التَّوْراةِ وَ الاِنْجيـلِ وَ الزَّبُورِ، وَ رَبَّ الظِّلِّ وَ الْحَرُورِ وَ مُنْزِلَ الْفُرقانِ الْعَظيمِ، وَ رَبَّ الْمَلائِكَةِ الْمُقَرَّبينَ، وَ الْاَنْبِياءِ وَ الْمُرْسَلين ...»(3)

1- . سوره صف: آیه 4.

2- . زاد المعاد: ص322؛ بحار: 102/110؛ صحیفه صادقیه: ص703، د1069.

3- . زاد المعاد: ص223؛ بحار: 86/284 ح47؛ صحیفه صادقیه: ص328، دعای 396. این دعـا به طور کامل در بخش زیارات کتاب مفاتیح الجنان آورده شده است.

خاتمه : عریضه نویسی به محضر حضرت ولیِ عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

بایـد در برگه ای این عریضه را بنویسـد و مهر و امضا کنـد و در میان گِل پاکی بگذارد و در نهر یا چشـمه ای بیندازد، و در وقت انداختن به یکی از چهار سفیری که در زمان غیبت صغری نایب حضرت صاحب الامر علیه السلام بوده اند متوسّل شود و نام او را بگوید و این دعا را بخواند:

«یا سَیِّدي [مثلاً بگوید: یا اَباالْقاسِم یا حُسـینِ بْنِ رُوح] سَلامٌ عَلَیَ اَشهَدُ أنَّ وَفاتَ في سَبیلِ اللهِ وَ أنَّ حَیٌّ عِنْدَ الله مَرْزُوق وَقَدْ خاطَبْتُ في حَیاتِ الَّتي لَ عِنْدَ اللهِ عَزّ وجَلَّ وَ هٰذِهِ رُقْعَتي وَ حاجَتي إلی مَوْلانا علیه السلام فَسَلِّمْها اِلَیْهِ فَاَنْتَ الثِّقَةُ الْاَمین.»

متن عریضه که باید بنویسد چنین است :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ.

کَتَبْتُ [إِلَیْكَ] یَا مَوْلَایَ صَ لَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْكَ مُسْ تَعِیناً وَ شَكَوْتُ مَا نَزَلَ بِي مُسْتَجِیراً بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، ثُمَّ بِكَ مِنْ أَمْرٍ قَدْ دَهَمَنِي وَ أَشْغَلَ قَلْبِي وَ أَطَالَ فِكْرِي وَ سَ لَبَنِي بَعْضَ لُبِّي وَ غَیَّرَ خَطِیرَ نِعْمَةِ اللَّهِ عِنْدِي، أَسْ لَمَنِي عِنْدَ تَخَیُّلِ وُرُودِهِ الْخَلِیلُ، وَ تَبَرَّأَ مِنِّي عِنْدَ تَرَائِي إِقْبَالِهِ إِلَيَّ الْحَمِیمُ، وَ عَجَزَتْ عَنْ دِفَاعِهِ حِیلَتِي وَ خَانَنِي فِي تَحَمُّلِهِ صَبْرِي وَ قُوَّتِي،

فَلَجَ أْتُ فِيهِ إِلَيْكَ وَ تَوَكَّلْتُ فِي الْمَسْأَلَةِ لِلّٰهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْكَ فِي دِفَاعِهِ عَنِّي عِلْماً بِمَكَانِكَ مِنَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَلِيِّ التَّدْبِيرِ وَ مَالِكِ الْأُمُورِ، وَاثِقاً بِكَ فِي الْمُسَارَعَةِ فِي الشَّفَاعَةِ إِلَيْهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ فِي أَمْرِي، مُتَيَقِّناً لِإِجَابَتِهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِيَّاكَ بِإِعْطَائِي سُؤْلِي.

وَ أَنْتَ يَا مَوْلَايَ جَدِيرٌ بِتَحْقِيقِ ظَنِّي وَ تَصْدِيقِ أَمَلِي فِيكَ فِي أَمْرِ كَذَا وَ كَذَا [حاجت خود را بنويسيد] فِيمَا لَا طَاقَةَ لِي بِحَمْلِهِ وَ لَا صَبْرَ لِي عَلَيْهِ، وَ إِنْ كُنْتُ مُسْتَحِقّاً لَهُ وَ لِأَضْعَافِهِ بِقَبِيحِ أَفْعَالِي وَ تَفْرِيطِي فِي الْوَاجِبَاتِ الَّتِي لِلّٰهِ عَزَّ وَ جَلَّ [عَلَيَّ]،

فَأَغِثْنِي يَا مَوْلَايَ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْكَ عِنْدَ اللَّهْفِ وَ قَدِّمِ الْمَسْأَلَةَ لِلّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي أَمْرِي قَبْلَ حُلُولِ التَّلَفِ وَ شَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ، فَبِكَ بُسِطَتِ [النِّعَمُ] النِّعْمَةُ عَلَيَّ، وَ اسْأَلِ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ لِي نَصْراً عَزِيزاً وَ فَتْحاً قَرِيباً فِيهِ بُلُوغُ الآمَالِ وَ خَيْرُ الْمَبَادِي وَ خَوَاتِيمُ الْأَعْمَالِ وَ الْأَمْنُ مِنَ الْمَخَاوِفِ كُلِّهَا فِي كُلِّ حَالٍ، إِنَّهُ جَلَّ ثَنَاؤُهُ لِمَا يَشَاءُ فَعَّالٌ وَ هُوَ حَسْبِي وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ فِي الْمَبْدَإِ وَ الْمَآلِ.»(1)

1- . بلد الامين: ص157، بحار: 94/29.

«ذکر صحیح»

مستحبّ است، مداومت این دعای شریف که در «مهجّ الدعوات» از امام محمّد باقر علیه السلام به سند معتبر روایت شده، و در این خصوص برای این عاصی واقعه شریفه ای رخ داد که ذکرش منافی با اختصار است،(1) و آن دعا این است:

«اَللّهُمَّ اِنَّ تَریٰ وَ لا تُریٰ، وَ اَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلیٰ، وَ اِنَّ اِلَیَ الْمُنتَهیٰ وَ الرُّجْعیٰ، وَ اِنَّ لَکَ الآخِرَةَ وَ الْاُولیٰ، وَ انَّ لَ الْمَماتَ وَ الْمَحْیي، رَبِّ اَعُوْذُ بِ أنْ أُذَلَّ وَ اُخْزیٰ.»(2)

خدایا! همانا تو می بینی در حالی که دیده نمی شوی و تو در چشم انداز برتری، و نهایت و بازگشت همه به سوی توست، و آخرت و دنیا و مرگ و زندگی به دست توست، پروردگارا! به تو پناه می آورم از اینکه خوار یا رسوا شوم.

1- . شرح کامل این واقعه را به قلم مؤلّف در دست نوشته های ایشان یافتم و چون تاکنون منتشر نشده و حاوی لطایف ارزشمندی است، آن را تحت عنوان «رؤیای صادقه» ذکر می کنیم.

2- . مهج الدعوات: ص216؛ بحار: 94/268 ح3.

رؤیای صادقه

شب شنبه، پنجم ماه ذی قعدة الحرام سنهٔ یک هزار و سیصد و دو هجری در عالم رؤیا دیدم:

جناب عالم ربّانی و فاضل صمدانی عمدة العلماء الفاضلین، ابوالمفاخر و المکارم، مولانا السیّد ابوالقاسم الدهکردی مدّ ظلّه العالی منزل حقیر تشریف دارند و در صحن خانه نشسته اند، و بنده هم رو به روی ایشان نشسته ام،

شخصی آمد و یک جلد کتاب «وظیفة الانام في زمن غیبة الامام علیه السلام»(1) از احقر خواست، پس آن را به او دادم. آن شخص به نزد ایشان ـ یعنی آیة الله العظمی دهکردی ـ رفت و نسخهٔ دعایی گرفت و سپس آن را بهنزد حقیر آورد و گفت: «این را برای من در پشت این کتاب بنویسید.»

پس حقیر برگه را گرفتم و ملاحظه نمودم، دیدم در آن دعایی نوشته و اول آن دعا این است: «اَللّهُمَّ اِنَّ تَرىٰ وَ لا تُرىٰ، وَ اَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلىٰ». چون در معنای این کلمات تأمّل نمودم، شروع کردم به گریه کردن و بسیار گریستم، سپس دعا را پشت آن کتاب نوشتم که چهار سطر کوچک شد و کتاب را به آن شخص برگرداندم.

1- . مرحوم مؤلّف آیة الله سید محمّدتقی فقیه احمدآبادی، این کتاب را در سال 1331ه-.ق نوشته اند، که در بخش دوم همین کتاب با عنوان «وظایف ما در عصر غیبت» گذشت.

پس آن شـخص به پیش ایشان (آیت الله دهکردی) رفت و پنج قِران پول سـفید که دو عدد دو قِرانی(1) و یک عدد یک قِرانی چرخی بود به عنوان هـدیه نزد آن بزرگوار گذاشت که ایشان برداشـتند، آن گاه نزد حقیر آمد و از جیب راست خود یک آینهٔ نقرهٔ مرغوب نویی درآورد و به حقیر داد و خداحافظی کرد و رفت.

چون از خواب بیدار شدم، دانسـتم در دعای مذکور خصوصیّاتی است، پس در مقام یافتن آن در کتب ادعیهبرآمدم و قدری تفحّص نمودم اما نیافتم. تفصیل خواب خود را به آقای معظّم (آیة الله العظمی دهکردی) عرض کردم، امّا ایشان نیز مصدر آن دعا را نمی دانستند.

بعـد از آن، تفصـیل ماجرا را به جناب عمـدة العلماء الراشـدین واسوة المروّجین لدین المبین الاخ الاعزّ الایمانی، العالم الصدیق السدید، والفاضل الحِبر الرشید، آقای میرزا محمد باقر ایمانی(2) "سلّمه الله تعالی وابقاه واعطاه کلّ ما یتمنّاه" عرض کردم، ایشان دو سه شبانه روز در کتب ادعیه به دنبال یافتن دعایی که ابتدایش آن مضـمون باشد، اهتمام نموده و کتاب «مهجّ الدعوات» سـیّد بن طاووس اعلی الله مقامه را از اول تا آخر تفحّص کرده بودند، امّا دعا را نیافته بودند، تا آن که روز

1- . «قِران» واحـد پول ایران در دوران قاجاریه بود. و در تقسـیم بندی، قِران با ریال برابری داشـته و هر تومان در آن زمان با 10 قِران برابری می کرد. نام قِران کوتاه شده «صاحب قِران» است؛ لقبی که ناصرالدین شاه قاجار به خود داده بود.

2- . مرحوم آیة الله شـیخ محمد باقر فقیه ایمانی همچون مرحوم صاحب مکیال یکی از دلدادگان و شـیفتگان راستین امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بود و با یکدیگر عقد اخوّت و پیمان برادری داشتند.

جمعه، یازدهم شهر ذی قعده مذکور، حوالی ظهر استخاره نمودم که به منزل ایشان (آیت الله ایمانی) بروم، استخاره خوب آمد، در بین راه نزدیکی منزلشان بودم که آن بزرگوار را ملاقات کردم در حالی که داشتند به منزل حقیر تشریف می آوردند. و کتاب «وظیفة الانام» را که نزد ایشان بودهمراه آورده بودند، پس به اتفاق منزل جنابشان رفتیم، بعد از قدری صحبت فرمودند: اذن بدهید بروم خربزه ای بگیرم تا میل کنید و ایشان تشریف بردند.

در همان جا کتاب «مهج الدّعوات» بود، آن را برداشتم و باز نمودم، با کمال تعجّب دیدم که اول صفحه، دعای مذکوری که دنبال آن بودیم، هست، به غایت مسرور شدم و چون جنابشان تشریف آوردند، بشارت یافتن آن دعای مذکور را به ایشان دادم، آن بزرگوار نیز بعد از اظهار سرور فرمودند: من هم بشارتی دارم و آن رؤیایی است که شب گذشته (شب جمعه) دیدم.

همانا بنده پس از جست و جوی بسیار، از یافتن این دعا مأیوس شدم، لذا پریشب و دیروز دیگر در کتب ادعیه جستجو نکردم، تا آن که دیشب خواب دیدم، در مکانی مملوّ از جمعیّت هستم در حالی که عَلَم ها برپاست و می خواهند مرا بِبَرند و رفتن من موجب صدمه و گرفتاری است. در این شرایط، پریشان و مضطرب شدم، در این حال بودم که سیّد جلیل القدری به هیأت و شمایل شما ظاهر شدند و فرمودند: «چرا آن "ذکر صحیح" را نمی نویسی و مسامحه می کنی؟!» پس به محض شنیدن آن فرمایش نجات یافتم.

چون از خواب بیدار شدم، گمان مطلب دیگری نمودم و الان روشن شد، مقصود همین ذکر بود که من از فکر یافتن آن بیرون رفته بودم.

حقیر (صاحب مکیال) گوید: به سند این دعای شریف مراجعه کردیم، دیدیم سند صحیح است و راویان آن ثقه هستند، همچنان که در رؤیا به ایشان گفته بودند: «ذکرصحیح».

در این مقام، دعای مذکور را با سندش از کتاب مزبور نقل می کنم، سپس به توثیق روات آن اشاره می نمایم بعون الله تعالی. همچنین اذن می دهم به عموم مؤمنان و متدیّنان در روایت کردن آن به طریقی که از مشایخ عظام به سوی ائمّه معصومین گرام علیهم السلام دارم.

«قال السیّد الاجل العالم العابد رضي الدين عليّ بن موسى بن جعفر بن محمّد بن محمد الطاوس الحسني رفع الله درجته: روينا باسنادنا إلى محمّد بن الحسن الصفار في كتاب فضل الدعاء عن أحمد بن محمد بن عيسى عن الحسن بن عليّ بن فضّال وعليّ بن الحكم عن أبي جميله عن جابر عن أبي جعفر عليه السلام قال: قال جبرئيل: يا نبيّ الله، اعلم إنّي لم أحبّ نبيّاً من الأنبياء كحبّي إيّا، فأكثر أن تقول:...»

ترجمه: سیّد بن طاووس به سند خود نقل می کنداز امام باقر علیه السلام که می فرمایند: جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم نازل شد و عرض کرد: ای پیامبر خدا! بدان، هیچ یک از انبیا را به اندازۀ شما دوست ندارم، پس این دعا را زیاد بخوانید:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَرَى وَ لَا تُرَى وَ أَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى ...»

بخش چهارم : ثواب و فضیلت انتظار ظهور

اشاره

ص: 173

بسم الله الرّحمن الرّحيم

الحمدُ لِلهِ المُنعِمِ المَنّان، الّذی جَعَلَ انْتِظارَ مولانا صاحبِ الزّمانِ، أفضَلَ عِباداتِ اَهلِ الایمان، وَالصّلاةُ علی نَبیِّهِ و صِفِیِّهِ مُحمّدٍ الّذی نُزِّلَ عَلَیهِ القُرآن، و علی آلِهِ المعصومینَ اُمَناءِ الرّحمان، وَحُجَجِ اللهِ علَی الإنسِ والجانّ، و لَعنةُ اللهِ علی اَعدائِهِم أهلِ الکفرِ و الطُّغیان.

امّا بعد، بنده شرمنده، محمّد تقي بن عبد الرزّاق الموسویّ الاصفهانيّ عَفَی اللهُ تعالی عنهما، به عرض برادران ایمانی می رساند:

چون برترین عبـادات، انتظـار فرج و ظهور خاتم أئمّه اطهار، المُـدَّخَر لأخـذِ الثّار و الإنتقام من الاَشـرار و الکفّار، أعني الإمامَ الغایبَ عَنِ الأبصار، القائم المنتظر المهـدیّ، الحجّة بن الحسن العسـکري عجل الله تعالی فرجه الشـریف است، لذا محض خدمت به آن بزرگوار و راهنمایی به این أمر جلیل، جمع نمودم در این مختصر، بعضی از آنچه در روایات ائمّهٔ اطهار علیهم السلام در فضیلت این انتظار آمده، به امید آن که روزِ شمار، در زمرهٔ انصار آن امام ابرار باشم.

و آن را «نور الأبصار فی فضیلة الإنتظار»(1) نامیدم، و در یک مقدّمه، سه مقصد و یک خاتمه تنظیم کردم.

1- . ترجمه فارسی آن به نام «ثواب و فضیلت انتظار ظهور» را به عنوان این بخش قرار دادیم.

مقدّمه مفهوم تعجیل در فرج حضرت مهدی علیه السلام

همانا مؤمن نباید در امر فرج و ظهور تعجیل کند، بلکه باید منتظر ظهور حضـرت باشد و قصدش از انتظار، فرمانبرداری خداوند و محبّت به رسول و ائمّه اطهار علیهم السلام باشد تا به همهٔ ثواب های انتظار فائز و رستگار شود، ان شاءالله.

در روایات ائمّه اطهار علیهم السـلام، از تعجیل در امر ظهور حضـرت صاحب الأمر علیه السلام نهی شده و فرموده اند: «سبب هلاکت می شود.»(1)

و این روایات منافات ندارد با اخباری که به دعا برای تعجیل در فرج و ظهور، امر فرموده اند.

همانا عجله ای که در امر ظهور از آن مذمّت شده و موجب هلاکت و خسران انسان می شود، بر سه قسم است(2):

اوّل: عجله ای که سبب نا امیدی از ظهور شود؛ مثلاً بگوید: «غیبت امام زمان علیه السلام خیلی طول کشیده، اگر ظهور شدنی بود تا حال باید شده باشد.» و این گونه حرف ها _نعوذ بالله_ به انکار ظهور امام قائم منتظر علیه السلام و حتّی اصل وجود حضرتش منجر شود.

1- . مراد از هلاکت، کفر و خروج از ایمان است.

2- . مرحوم مؤلّف در کتاب «مکیال المکارم» چهارده گونه عجلهٔ مذموم و مفاسد آن را که حتی به کفر می انجامد، بیان کرده اند.

دوّم: عجله ای که مُنافی تسـلیم و رضای به امر خداونـد باشـد؛ مثلاً بگویـد: «چرا خدا حضـرت را ظاهر نمی کند، پس برای کِیْ گذاشـته شده؟» و گفتن این گونه سخنان، اعتراض به خداوند است و معترض تابع شیطان. البتّه باید برای ظهور دعا کرد، و اگر حقّ تعالی در اجابت تأخیر فرمود، آن را مطابق حکمت بداند.

سوّم: عجله ای که سـبب پیروی از مـدّعیان دروغین و داعیـان باطل شود، یعنی چون تعجیل دارد و در امر ظهور کم طاقت است، پیش از ظاهر شدن علامت های حتمی ظهور به مدّعیان دروغین اعتماد کند، و به محض خیال و شـبهه، به بعض از این شـیاطینِ انسان نما ارادت پیدا می کند به آن امید که او همان مهدی موعود است، چنان که عدّه ای از مردم به همین سبب هلاک شدند.

در حالی که از برای امام عجل الله تعالی فرجه الشریف علامت های قطعی و مخصوصی هست مطابق عقل و نقل، و تا آن ها در شخصی یافت نشود، نباید بر او اعتماد نمود:

1 _ هیچ وقت معصیتی نکرده باشد؛

2 _ به شخص و نسب معروف باشد؛

3 _ عالِم به همهٔ احکام الهی و جمیع زبان و لغات باشد، و در پاسخ به هیچ مسئله ای ناتوان و نیازمند پرسش و پژوهش و مطالعه نباشد؛

4 _ معجزه داشـته باشد؛ مثل: سخن گفتن درختان و حیوانات با او، زنده شدن مرده به دعای او، عدم تأثیر آتش بر بدن او و امثال این ها که بارها از أئمّه اطهار علیهم السلام صادر شده است.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«هرگاه کسی ادّعای قائم بودن کرد، از او انجام کارهای بزرگی بخواهید که کسی غیر امام از عهده آن ها برنمی آید.»(1)

5 ـ او مبیّن احکام دین خاتم انبیا صلی الله علیه وآله و سلم باشد، نه آن که چیزی جعل کند.

و غیر این ها از اموری که در این مختصر گنجایش ندارد.

و از برای وجود مبارک امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و ظهور او، علامت های ویژه ای تعیین شده، به گونه ای که برای هیچ کس پنهان نماند و سبب شبهه نشود و جمیع جهانیان با اختلاف زبان ها از آن ها مطّلع گردند،و علمای سابقین؛ مانند: شیخ نعمانی، شیخ صدوق، علّامهٔ مجلسی و غیر این ها رحمهم الله تعالی در کتاب های خود، آن ها را آورده اند.

بعضی نشانه های ظهور و کیفیت دوران حضور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

همانا بر اساس دلایل عقلی و نقلی از جمله مطالب مهمّ و لازم، دانستن صفات و خصوصیات حضرت صاحب الامر علیه السلام است. و چون این مختصر گنجایش بیان تمام آن ها را ندارد لذا بیست مورد از آن ها را در این کتاب به اختصار از کتب معتبره؛ مانند: «کافی»، «کمال الدین»، «المحجّة»، «بحار» و «نجم الثاقب» نقل می کنم:

اول : خروج حضرت برای جهاد از مکهٔ معظّمه است، آن هم ظهوری آشکار که همه از آن مطّلع می شوند.

1- . غیبت نعمانی: ص173 ح9؛ کافی: 1/340 ح20.

دوم : همزمان با ظهور حضـرت، منادی در آسـمان به اسم، آن حضرت، پدر بزرگوار و اجدادش تا حضرت سیدالشهداء علیه السلام را ندا می کنـد، به طوری که همه می شـنوند و به زبان خودش می فهمنـد، و از هیبت آن نـدا هر کس خواب باشد، بیدار شود و هر کس ایسـتاده باشد، بنشیند و هر کس نشسته باشد، برخیزد، و آن ندای جبرئیلاست.(1)

سوم : در ابتدای ظهور، لشکر سفیانی ـ که در برخی روایات سیصد هزار نفر ذکر شده اند ـ برای قتل حضرتش از مدینه به جانب مکّه روند، و چون به بیابانی ما بین مکّه و مدینه رسند، جبرئیل صیحه زند: «ای زمین! این ها را فرو ببر.» پس به یک دفعه تمام آن ها جز دو یا سه نفر با حیوانات و اسباب جنگ در زمین فرو روند.(2)

چهارم : به علم باطنی خود حکم می فرماید، و تمام کفّار و منافقین را می کُشد اگرچه ظاهراً در زمرهٔ اصـحاب او باشند، و دین اسلام را در تمام کرهٔ زمین رواج می دهد و جزیه قبول نمی کند.(3)

پنجم : بر تمام پادشاهان پیروز می شود و سلطنت او درتمام عالم آشکار و مستولی می گردد.(4)

ششم : حیوانات وحشی و اهلی با هم اُنس می گیرند.(5)

هفتم : حق تعالی به اعجاز و برکت حضرتش، بسیاری از مخالفین را برای گرفته شدن انتقام ازآن ها، زنده گرداند.(6)

1- . غیبت نعمانی: ص254.

2- . بحار الانوار: 52/238.

3- . بحار الانوار: 52/325 ح39.

4- . بحار الانوار: 52/191 ح24.

5- . بحار الانوار: 52/316 ح11.

6- . کمال الدین: 1/252 ح2.

هشتم : سنگ ها با اصحاب حضرت سخن می گویند، و اگر کافری زیر سنگی پنهان شود، سنگ به مؤمن ندا می کند: «این جا کافری پنهان شده، او را بکش.»(1)

نهم : همیشه ابری سفید بر سر مبارکش سایه می اندازد و از میان آن ابر صدایی بر می آید که: «این است مهدی خلیفة الله، از او پیروی کنید.» و این حدیث را علمای سنّیهم روایت کرده اند.(2)

دهم : نور جمالش عالم را روشن می کند به طوری که مردم از برکت آن، به نور خورشید و ماه محتاج نمی شوند.(3)

یازدهم : آشکار می فرماید، سنگی را که حضرت موسی علیه السلام عصای خود را به آن زد و دوازده چشمه جاری شد، و چون می خواهد از مکه حرکت فرماید، منادی حضرت ندا می کند: «هیچ کس طعام و آب برای توشه راه برندارد.» پس آن سنگ را بر شتری بار می کنند و به هر منزلی می رسند نصب می نماید، از آن چشمه هایی جاری می شود که با آن، هر که گرسنه باشد، سیر شود و هر که تشنه باشد، سیراب گردد و چهارپایانشان نیز سیراب شوند، تا در نجف منزل کنند.(4)

دوازدهم : آشکار می فرماید عصای حضرت موسی علیه السلام راکه مخالفان را می ترساند و بسیاری از آن ها را می بلعد، و هر کاری که موسی با آن عصا می کرد آن حضرت هم می فرماید.(5)

1- . بحار الانوار: 52/388، ضمن ح206.

2- . بحار الانوار: 51/81 ح16.

3- . غیبت طوسی: ص280.

4- . کافی: 1/231 ح3.

5- . اختصاص: ص263.

سیزدهم : صبح آن شبی که حضرت در مکّه ظهور می فرماید، هر مؤمنی در هر نقطه ای از خواب بر می خیزد، زیر سرش صحیفه ای می بیند که بر آن نوشته شده: «طاعة معروفة» (پیروی از قائم کار خوبی است).(1)

چهاردهم : به اعجاز حضرت، مؤمنان در شهرهای دور حضرتش را می بینند، چنان که گویی نزد آن هاست.(2)

پانزدهم : زمانی که ظهور می شود تمام مؤمنین بیمار شفا پیدا می کنند.(3)

شانزدهم : تمام فقرای مؤمنین را بی نیاز می گرداند به طوری که یک نفر فقیر در دنیا پیدا نمی شود و قرض تمام شیعیان را ادا می فرماید.(4)

هفدهم : همگان به احکام دین دانا می شوند تا جایی که هیچ کس نیازی به دیگری ندارد.(5)

هجدهم : حضرت تمام درهای علوم را بر بشریّت آشکار می کنند.(6)

نوزدهم : تمام راه ها و بلاد امن می شود.(7)

بیستم : در روایات شیعه و سنّی آمده: در زمان ظهور چنان عدل حضرت دنیا را پر می کند که هیچ کس به دیگری ظلم نمی کند.(8)

و بنده روایات مطالب مذکوره را در کتاب «مکیال المکارم» ذکر نموده ام.

1- . کمال الدین: 2/654 ح22.

2- . کامل الزیارات: ص120.

3- . خصال: 2/541.

4- . بحار الانوار: 52/390 ذیل ح212.

5- . بحار الانوار: 52/352.

6- . بحار الانوار: 52/336.

7- . بحار: 52/338، ضمن ح83.

8- . بحار الانوار: 52/195.

مقصد اوّل ثواب و فضیلت انتظار

اوّل : بهترین عبادت ها ومحبوب ترین اعمال نزد خداوند

- حضرت رسول صلی الله علیه وآله و سلم می فرمایند:

«افضل عبادت ها انتظار فرج است.»(1)

- حضرت امیر علیه السلام می فرمایند:

«منتظر فرج باشید، و از رحمت خداوند نا امید نباشید، همانا پسندیده ترین اعمال نزد حقّ تعالی انتظار فرج است.»(2)

- امام زین العابدین علیه السلام نیز می فرمایند:

«انتظار فرج، از افضل اعمال است.»(3)

دوّم : جهاد در رکاب پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم و شهادت در راه خدا

- امام سجاد علیه السلام به ابی خالد کابلی فرمودند:

«طولانی می شود زمان غیبت ولیّ خدا که دوازدهمین اوصیاء حضرت رسول صلی الله علیه وآله و سلم است. ای اباخالد! همانا مؤمنانی که در زمان غیبت او هستند، و به امامتش اعتقاد و یقین دارند، و انتظار ظهور او را می کشند، از اهل هر زمانی بهترند؛ زیرا خداوند تبارک و تعالی

1- . بحار الانوار: 52/128 ح21.

2- . بحار الانوار: 10/94 ح1.

3- . کمال الدین: 1/320.

چنـان عقـل و هوشـی به آن هـا عطا فرموده که غیبت امامشان با حضور او نزد ایشان یکسان است، و قرار داده آنان را در آن روزگار به منزلهٔ کسانی که با شمشـیر در رکاب حضـرت رسول صلی الله علیه وآله و سلم با کفّار جهاد کردند، همانا آن ها مؤمنان خالص، شیعیان راستین ودعوت کنندگان به دین خدا در آشکار و پنهان هستند.»(1)

● امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«کسـی که منتظر ظهور امام دوازدهم علیه السـلام باشد، مانند کسی است که در رکاب رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم با شمشیر از او دفاع می کند.»(2)

● و به نقل از پدران خود از امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند:

«عمل کننـده به امر ما فردای قیامت در حضـیرة القدس با ما خواهد بود، پس هر کس انتظار فرج داشـته باشد، مانند کسـی است که در راه خدا در خون خودش غلطیده باشد.»(3)

سوّم : اجر شهدای جنگ بدر و احد

● امام سجّاد علیه السلام می فرمایند:

«هر مؤمنی ثابت بماند بر ولایت ما در زمان غیبت، حقّ تعالی عطا می فرماید به او ثواب هزار شهید، مثل شهدای بدر و اُحد.»(4)

مؤلّف گوید: چون باقی بودن بر حال انتظار لازمه ثبوت ولایت و علامت آن است، می توان این ثواب را برای آن اثبات کرد.

1- . احتجاج: 2/318.

2- . بحار الانوار: 52/ 123 ح 7.

3- . کمال الدین: 2/645 ح6.

4- . کمال الدین: 1/323 ح13.

● امام صادق علیه السلام نیز می فرمایند:

«هر کس از شما (شیعیان) بمیرد در حالی که انتظار فرج داشته باشد، نزد حقّ تعالی از بسیاری از شهیدان بدر و احد افضل است.»(1)

چهارم : حضور در خیمه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و خدمتگذاری به حضرتش

در «کمال الدّین» از حضرت صادق علیه السلام روایت شده:«هر کس با ولایت ما اهل بیت علیهم السلام بمیرد در حالی که منتظر باشد، مثل کسی است که در خیمهٔ حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف در خدمت حضرتش باشد.»(2)

پنجم : ثواب روزه دارِ شب زنده دار

امام باقر علیه السلام می فرمایند:

«بدانید، پاداش منتظر امر فرج، همچون روزه دار شب زنده دار است.»(3)

ششم : زنده شدن هنگام ظهور و دعوت به حضور در رکاب حضرت علیه السلام

● مفضّل بن عمر می گوید:

در محضر امام صادق علیه السلام دربارهٔ حضرت قائم علیه السلام و شخصی از اصحاب که مُرد در حالی که انتظار ایشان را می کشید، صحبت می کردیم، پس حضرتش به ما فرمودند:

«چون حضرت قائم علیه السلام ظهور کند، کسی بر سر قبر مؤمن می آید و می گوید که ای فلان بن فلان! همانا ظاهر شد صاحب تو، پس اگر

1- . کمال الدین: 2/645 ح7.

2- . کمال الدین: 2/644 ح1.

3- . کافی: 2/ 222 ح 4.

می خواهی به او ملحق شوی ، ملحق شو و اگر می خواهی اقامت کنی در نعمت پروردگار، پس اقامت داشته باش.»(1)

مؤلّف گوید: از این حدیث معلوم می شود: زنده شدن در زمان ظهور، از جمله فواید انتظار است، چنان که این فایده در دعا برای حضرت نیز آمده است.

● محمد بن عبدالله به حضرت رضا علیه السلام عرض کرد: پدرم نقل می کند از یکی از اجداد شما که فرموده اند:

«کسی که انتظار امر ما را می کشد، اگر زمان ظهور زنده باشد، مانند کسی است که با رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم در جنگ بدر شرکت کرده باشد، و اگر در حالت انتظار بمیرد، چون کسی است که با قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف در خیمه اش این چنین باشد ــ و دو انگشت سبابه دو دست خود را کنار هم نشان داد ــ و نمی گویم این چنین ــ و انگشت وسط و سبابه اش را نشان داد ــ زیرا که این بزرگ تر از آناست.

در اینجا امام رضا علیه السلام فرمودند: آری، درست روایت کرده است.(2)

هفتم : جهاد در رکاب حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه الشریف و شهادت در راه ایشان

● عبدالحمید واسطی گوید:

به امام محمّد باقر علیه السلام عرض کردم: جمعی از ما شیعیان به انتظار فرج، از بازار و کسب خود دست برداشته ایم،

به نحوی که نزدیک است بعضی از ما فقیر و سائل شود.

1- . غیبت شیخ طوسی: ص459.

2- . غیبت نعمانی: 41.

فرمودند: «عبدالحمید! آیا گمان می کنی کسی که خود را در مسیر خدا نگاه دارد (وقف خداوند کند)، خداوند فرج و گشایش برای او قرار نمی دهد؟ آری! والله یقیناً خداوند برای او گشایش قرار می دهد. خدا رحمت کند بنده ای که خود را برای یاری ما نگاه می دارد، خدا رحمت کند بنده ای که امر ما را زنده می نماید.»گفتم: اگر پیش از ظهور قائم در حال انتظار بمیرم، چه ثوابی دارم؟ فرمودند: «اگر چنین کسی در چنین حالی از دنیا برود در حالی که عزم یاری حضرتش را در زمان ظهور داشته باشد، مثل کسی است که در رکاب او جهاد کرده و شهید شده باشد.»(1)

- ابی حمزه ثمالی می گوید:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم، پیر و ناتوان شده ام و اجلم نزدیک شده، می ترسم پیش از وقوع فرج بمیرم.

حضرت فرمودند: «ابا حمزه! هر کس به ما ایمان آورد و سخن ما را تصدیق کند و منتظر زمان فرج باشد، مِثل کسی است که زیر پرچم حضرت قائم علیه السلام شهید شده، بلکه ثواب کسی را دارد که در رکاب حضرت رسول صلی الله علیه وآله و سلم شهید شده باشد.»(2)

- حضرت صادق علیه السلام می فرمایند:

«هر کس بمیرد در حالی که انتظار ظهور امام زمان علیه السلام را داشته باشد، مانند کسی است که با حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف در خیمه ایشان باشد. آن گاه اندکی ساکت شدند و فرمودند: بلکه مانند کسی است

1- . کافی: 8/80 ح37.

2- . بحار الانوار: 68/141 ح86.

که در رکاب ایشان جهاد کند. نه والله، بلکه مانند کسی است که در رکاب حضرت رسول صلی الله علیه وآله و سلم شهید شده باشد.»

حقیر گوید: در این حدیث، سه درجه از ثواب را تدریجاً ذکر فرموده اند که از برای منتظرین ظهور حضرت قائم علیه السلام هست.

هشتم : بهره مندی از ثواب کامل عبادات و احکام صحیح واقعی در قیامت

در «بحار» از امیرالمؤمنین علیه السلام روایتی نقل شده که خلاصه اش این است:

«حقّ تعالی به کسانی که در زمان غیبت انتظار ظهورش را می کشند، و دین خود را محکم نگاه می دارند، ثواب های کاملی را که به ازای عمل نمودن به احکام واقعی و عبادات صحیح عطامی فرماید، به شخص منتظر می دهد، اگرچه او به سبب غیبت حضرت، دسترسی به فهمیدن حکم های واقعی و عبادات حقیقی را نداشته و نتوانسته است به آنها عمل کند.»

یعنی یکی از فضایل انتظار فرج آن است که خداوند به منتظر ظهور، در مقابل اعمال و عبادات ظاهری که بنابر تکلیف فعلی خود به جا می آورد، ثواب اعمال و عبادات کامل حقیقی را مرحمت می کند.

نهم : محشور شدن در زمره آل محمد

- از مسعده روایت شده که می گوید:

«در محضر مبارک حضرت صادق علیه السلام بودم، پیرمرد قد خمیده ای وارد شد در حالی که به عصایش تکیه زده بود، پس سلام کرد و

حضـرت جواب سلامش دادند، آن گاه عرض کرد: یابن رسول الله صلی الله علیه وآله و سلم! دستتان را بدهید تا ببوسم. حضرت دستشان را دادند و او بوسید و گریست.

حضـرت فرمودند: شیخ! چرا گریه می کنی؟ عرض کرد: فدایت شوم، صد سال است که عمرم در انتظار قائم شما گذشته؛ هر ماه که نو می شود، می گویم: این ماه ظهور می کند، هر سال جدیدیکه می آید، می گویم: ظهور امسال واقع می شود، اکنون پیر و ناتوان شده ام و مرگم فرا رسـیده امّا هنوز به مراد دلم نرسـیده ام و فرجتان را ندیده ام، پس چرا گریه نکنم در حالی که بعضی از شما اهل بیت را آواره و بعضی را کشته به ظلم اعدای دین می بینم؟(1)

پس حضـرت صادق علیه السـلام گریان شد و فرمودند: «شیخ! اگر زنده بمانی تا قائم ما را ببینی، در مقام رفیع بسیار عالی هستی واگر پیش از ظهور در انتظارش مُردی، روز قیامت در زمره آل محمّد علیهم السلام محشور خواهی شد، و آن ها ماییمکه پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم به تمسّک ما امر نموده در آنجا که فرمودنـد: «اِنّي مُخْلِفٌ فیکُمُ الثَّقَلَینِ، فتَمَسَّکوا بِهِما لَنْ تَضِلّوا کَتابَ اللهِ وَ عِترَتي اَهْلُ بَیْتي» همانا من دو چیز گران سنگ در میان شما می گذارم، پس به آن ها متوسّل شوید تا هرگز گمراه نشوید، یکی قرآن و دیگری اهل بیت ام.»

1- . از مؤلف : گذشت عمر من اندر فراق یار، دریغ *** زهجر، غرقه خون شد دلِ فکار، دریغ گذشت عمر و بِمُردَم در انتظار، دریغ

پیرمرد وقتی این بشارت عظیم را شنید، گریه اش آرام گردید و گفت: با این بشارت از مرگ باکی ندارم.(1)

● در روایت دیگری امام کاظم علیه السلام می فرمایند:

«خوشا به حال شیعیان ما که در زمان غیبت به دوستی ما چنگ می زنند و در دوستی ما و بیزاری از دشمنان ما استوارند! آن ها از ما و ما از آنان هستیم، آن ها به پیشوایی ما راضی شدند و ما به شیعه بودن آنها خشنودیم. خوشا به حال آن ها، به خدا قسم! آنان روز قیامت با ما و در مرتبهٔ ماهستند.(2)

دهم : قرار گرفتن در زمره اولیاء و نداشتن حزن و ترس در روز قیامت

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«خوشا به حال شیعیان قائم ما که در زمان غیبت، انتظار ظهورش را دارند و در زمان ظهور، ازاو اطاعت می کنند. اینان اولیای خدا هستند که در روز جزا ترس و ناراحتی ندارند.»(3)

تذکّر: اختلافی که برای ثواب انتظار در بعضی اخبار مشاهده می شود، به سبب اختلاف منتظران در درجات معرفت، تقوی و انتظار است، البتّه هر کس از این نظر کامل تر باشد، ثوابش هم بیش تر است.

1- . بحار الانوار: 36/408.

2- . بحار الانوار: 51/151.

3- . کمال الدین: 2/357 ح54.

مقصد دوّم وجوب انتظار و شرط آن در قبولی اعمال

● اسماعیل جعفی می گوید:

شخصی به محضر امام باقر علیه السلام رسید و همراهش صحیفه ای بود، حضرت علیه السلام به او فرمودند: «آیا این همان نوشتهٔ مخاصم است که در آن سؤال کرده از دینی که به واسطه آن اعمال انسان قبول می شود؟» عرض کرد: بلی، خدا شما را رحمت کند، به همین جهت آمدم.

حضرت فرمودند: «دینی که اعمال با آن قبول می شود: شهادت به یگانگی خدا و رسالت خاتم انبیا صلی الله علیه وآله و سلم، و اقرار به حقّانیت تمام آن چه خبر داده از جانب حضرت حقّ تعالی، و دوستی با ما اهل بیت، و بیزاری از دشمنان ما، و فرمانبرداری امر ما، و پرهیزگاری از گناهان، و تواضع، و انتظار ظهور حضرت قائم علیه السلام است.

همانا برای ما دولتی است که هر وقت خدا بخواهد، آن را ظاهر می گرداند.»(1)

● از ابو بصیر روایت شده: حضرت صادق علیه السلام فرمودند:

«می خواهید شما را خبر دهم از چیزی که حقّ تعالی با نبودن آن هیچ عملی را از بندگان نمی پذیرد؟ گفتم: بلی.

1- . کافی: 2/22 ح13.

فرمودند: شـهادت به یگانگی خدا و پیامبری حضرت محمّد صلی الله علیه وآله و سلم، و اقرار به آنچه خدا امر فرموده، وقبول ولایت ما، و بیزاری از دشـمنان ما، و اطاعت و پیروی از ما، وپرهیزگاری از گناهان، و کوشـش در ادای واجبات شرعیّه، و یقین در اصول دین و حقیقت امر ائمّه اطهار، و انتظار ظهور حضرت قائم علیه السلام.

سپس فرمودند: برای ما دولتی است که حقّ تعالی هر وقت بخواهد آن را ظاهر می کند.»(1)

- حضرت عبدالعظیم حسنی می فرماید:

به محضـر سـرورم، امام محمّد تقی علیه السلام وارد شدم، و قصد داشتم از آن حضرت در مورد امام قائم سؤال نمایم، که آیا همان مهدی است؟ پسحضرت پیش از سؤال من فرمودند:

«اباالقـاسم! به درستی قـائم همـان مهـدی است که انتظـارش در زمـان غیبت و پیروی او در زمـان ظهورش واجب است، و او سوّمین از فرزندان من است.»(2)

- از حضرت صادق علیه السلام نیز روایت شده که فرمودند:

«نزدیـک ترین حالات بنـدگان به خداونـد که در آن حال خوشـنودتر از هر زمانی است، وقتی است که امام آن ها غایب است و مکانش را نمی دانند، ولی یقین دارند که حجّت خداوند وجود دارد، پس باید هر صبح و شام منتظر فرج باشند.»(3)

1- . غیبت نعمانی: ص200 ح16.

2- . کمال الدین: 2/377 ح1.

3- . کمال الدین: 2/338 ح10.

مؤلّف گوید: هر صبح و شام، کنایه از استمرار و دوام است که در هیچ حال و وقتی نباید از ظهور امام علیه السلام مأیوس باشند، بلکه هر چه غیبت حضرتش طولانی تر می شود، باید امیدشان به نزدیکی ظهور بیش تر گردد، و یقین ایشان به وجود مبارک او استوارتر شود؛ زیرا اینطول غیبت از امور غیبیّه ای است که ائمّه ما علیهم السلام پیش از وقوع آن خبر داده اند.

از مؤلف:

هر دم در انتظار تو عمرم گذر کند *** آنِ دگر امید مرا بیشتر کند

نوعی اثر نموده به قلبم جدایی ات *** کاندر رگی ضعیف، اثرِ نیشتر کند

ص: 191

مقصد سوّم معنای انتظار و مقدار واجب آن

انتظار امریست قلبی، که از آن امور بدنی بسیاری ظاهر و پدیدار می شود، که به حسب اختلاف درجات انتظار متفاوت است.

مقدار واجب از انتظار قلبی برای ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بر اساس آن چه از اخبار به دست می آید، این است:

مؤمن باید یقین داشته باشد حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه الشریف، امام دوازدهم و فرزند بی واسطهٔ امام حسن عسکری علیه السلام است، و از تولّد تاکنون زنده است، و با همین بدن باقی و در همین عالم است، و نمرده و نخواهد مرد، تا با همین بدن ظهور کند و عالم را پر از عدل نماید، و اسلام را در جهان رواج دهد، و ظهورش وقت معیّنی ندارد، و نباید مؤمن در هیچ حال و سالی از ظهور حضرت نا امید گردد، بلکه بایستی همیشه به ظهور موفور السّرور آن بزرگوار امیدوار باشد.

پس این که بعضی نادان ها بر اساس خیالات و حدسیّات می گویند: حالا حالاها امام علیه السلام ظهور نمی کند، یا تا صد سال دیگر هم ظاهر نمی شود، اشتباه و خلاف دستور ائمّه اطهار علیهم السلام است؛ بلکه در اخبار متعدّد، تصریح فرموده اند، ظهور حضرت ناگهانی است، و نشانه های حتمی ظهور، مثل: خروج سفیانی، صیحهٔ آسمانی و قتل نفس زکیّه همه در یک سال واقع می شود، چنان چه مشروحاً در «مکیال المکارم»

ذکر نموده ام، پس ممکن است ظهور در سال جاری واقع شود و ممکن است در سال های بعـد، و مؤمن نبایـد هیـچ وقت از ظهور نا امید گردد.

همچنین اعتقـاد قطعی به این که تا فلان وقت یا فلانسال ظهور واقع می شود، اشـتباه است، بلکه در روایات امر فرموده انـد، هر کس برای ظهور وقت تعیین کرد، او را تکذیب نمایید، زیرا زمان آن را تنها خداوند می داند.

و مقدار واجب از انتظار بدنی که از انتظار قلبی ظاهر و پدیدار می شود، این است:

مؤمن از گناهان اجتناب نماید، صـفات بد را از خود دور نماید و خود را به صـفات خوب متّصف کند، تا اگر زمان ظهور حضرت را درک نمود، مشمول مرحمت و احسان حضرتش باشد، و ایشان از او خشنود باشند، نه دل آزرده.

حضرت صادق علیه السلام ابی بصیر فرمودند:

«هر کس دوست دارد از اصـحاب حضـرت قائم علیه السلام باشد، باید در حالی که منتظر ظهور حضرتش است، عملش بنابر پرهیزگاری باشـد، و خود را به صـفات خوب و اخلاـق حمیـده متّصف نمایـد، پس اگر قبل از ظهور از دنیا برود، ثواب کسـی را دارد که فیض حضور حضرت صاحب الزمان علیه السلام را درک نموده و از یارانش باشد، پس تلاش کنید برای پرهیزکاری و طاعت و منتظر ظهور باشید.»(1)

و در توقیعی (نامه) که از ناحیهٔ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف رسیده، می فرمایند:

1- . بحار الانوار: 52/140.

«بایـد هر یـک از شـما کاری کنـد و نوعی رفتار نمایـد که به محبّت ما نزدیک شود، و پرهیز کنـد از عملی که او را به غضب ما نزدیک می نماید.»(1)

امّا انتظار قلبی کامل، پس به این حاصل می شود که:

مؤمن در هیچ حالی از حالات، و هیچ وقتی از اوقات، و هیچ مکانی از مکان ها از یاد امام و انتظار قدوم مبارکش غافل نباشد، بلکه اگر در مجالس و محافل مردم حاضر شود و با اهل عالَم گفت وگو کند، قلبش پیش امام زمان علیه السلام باشد و در انتظار و فکر و شوق وصال او به سـر برد، مثل شخصـی که تنها یک فرزند داشـته باشد و آن یک نفر هم به جمیع کمالات آراسـته باشد و وجودش برای او سراسر خیر و منفعت باشـد، از قضـا به سـفری برود و این پـدر از جا و منزل او خبر نداشـته باشـد، بـدیهی است حتّی ساعتی بی خیال او نمی شود و از جستجویش غفلت نمی کند، به طوری که گویی فرزندش در تمام لحظات شب و روز پیش نظرش مجسّم است،

و چون مؤمن محبّتش به امام زمان علیه السـلام به این درجه و مرحله رسید، ایمانش کامل می شود، چنان که پیغمبر صلی الله علیه وآله و سلم فرمودند:

«ایمان مؤمن کامل نمی شود، مگر وقتی که من نزد او از خودش عزیزتر باشم، و فرزنـدانم در نظر او از فرزنـدان خودش عزیزتر باشـند، و خانوادهٔ من نزد او از خانواده اش عزیزتر باشند، و امور متعلّق به من در نظر او از امور متعلّق به خودش مهم تر باشد.»(2)

1- . احتجاج: 2/322.

2- .علل الشرایع: 1/140 ح3.

خاتمه : آثار درجه کمال انتظار

آن دوازده مورد است که به اختصار عرض می کنم:

اوّل : منتظر همیشه در فراغ محبوبش محزون است، چنـان که حضـرت رضـا علیه السـلام در وصف حـال مؤمنـان در زمـانغیبت فرموده اند.(1) علاـوه بر این، دلایل دیگری هم برای حزن مؤمن در زمان غیبت موجود است؛ مثل: ضـعف مسـلمانان و غلبه معانـدین، آشـکار نبودن احکام واقعی، سلطنت نداشتن ظاهری امام زمان علیه السلام و غیر این ها.

دوّم : گریان بودن در انتظار حضرت علیه السلام، چنان که از امام صادق علیه السلام روایت شده است.(2)

سوّم : همیشه به یاد حضرت بودن و لحظه ای از ذکر و فکرش فارغ نشدن.

چهارم : کناره گرفتن از اهل دنیا و ترک معاشرت مگر به قدر ضرورت.

پنجم : دعا به حضرت و طلب ظهورش در اوقات و اماکن مظانّ اجابت.

ششم : تشویق مؤمنـان به دعای برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف، حتّی التماس این امر را از آنان کردن، بلکه منتظر به هر وسیله ای که احتمال

1- .مکیال المکارم: 2/192 ح1269.

2- . بحار الانوار: 52/281 ح9.

نزدیک شدن به محبوب را می دهد، باید تمسّک کند.

هفتم : هر چه غیبت طولانی تر می شود، شوق منتظر شدیدتر می گردد.

هشتم : در انتظار محبوب خود، بر سختی ها صبر کند، و آن ها را در مقابل این امر بزرگ، آسان و کوچک شمارد.

نهم : وقتی شخص منتظر به حدّ کمال رسید، از مشکلات و سختی هایی که در مسیر انتظار مولایش بر او وارد می شود، لذّت می برد و به سبب شوقی که به لقای محبوبش دارد، آن سختی ها و دردها را احساس نمی کند.

دهم : چون انتظـار و محبّت شدیـد شـد، خواب و خوراک شـخص می شود، تا جایی که دیگر به خودش هم توجّه نمی کنـد، بلکه کار به جایی می رسد که از خود بی خود می شود، چنان که این حال برای ائمّه ما علیهم السلام در حال نماز اتّفاق می افتاد.

یازدهم : آن گاه که انتظار کامل شد، از هیچ چیزِ دنیا لذّت نمی برد، بلکه لذّت او منحصر به ذکر محبوبش می شود.

و شیخ سعدی، چه زیبا گفته:

گر مرا هیچ نباشد نه به دنیا نه به عقبی *** چون تو دارم همه دارم دگرم هیچ نباید

دوازدهم : مهیّا بودن از برای ظهور محبوب و عمل نمودن به وظایف منتظران در زمان غیبت که پیش تر بیان شد.

بخش پنجم : اشعار فارسی و عربی از شهید انتظار، آیت الله سید محمّد تقی فقیه احمدآبادی رحمه الله

اشاره

ص: 197

مقدّمه

آیة الله فقیه احمدآبادی قدس سره، علاوه بر آثار قلمی، علمی و تحقیقی متعدد که میراثی گران بها و مصداق «الباقیات الصالحات» است، سروده های فارسی و عربی به یادگار نهاده اند که در بر دارندهٔ مضامینی ارزشمند و سوز و گداز و شور و حالی عمیق است که عشق و ایمان، ذوق و عرفان و درد هجران در آن ها تجلّی دارد، و به دل ها شوق و شعف، جوش و خروش، و امید و ضیا می بخشد.

این اشعار ارزشمند نشانهٔ دل بیدار، قلب مطمئن و روح بلند این مجتهد ادیب است که غالب آن ها دربارهٔ انتظار و فراق مولایش امام زمان علیه السلام می باشد.

در این بخش آنچه از اشعار این عاشق دلباختهٔ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در آثار منتشر شده و مخطوط(1) به جای مانده از ایشان یافتیم، به محضر علاقمندان و دوستداران آن بزرگوار، و دلدادگان و شیفتگان حضرت بقیة الله الأعظم، حجة بن الحسن العسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف تقدیم می نماییم.

1- . اشعاری که در آثار مخطوط یافتیم و برای اوّلین بار در اینجا به طبع می رسد با علامت ستاره «*» مشخص شده است.

مرحوم صاحب مکیال در یکی از آثار مخطوط خود نوشته اند:

«حقیر گوید: ظاهر است که هرگاه شخص، گرفتار مِحنت و شدّتی باشد و نداند که این سختی و شدّت _آیا_پایانی دارد یا ندارد و پایان آن چه خواهد شد، خیلی اصعب و سخت تر است از آن که در آن سختی و شدّت بداند که آخر این امر، فرج و گشایش است و منتظر آن گشایش باشد. پس یقینی است که در صورت علم به انتهای امر فرج و گشایش، قلب او ساکن می شود و سختی آن سبک می گردد.

و این رباعیات که ذکر می شود در اظهار انتظار و شوق به ظهور حضرت صاحب الدار بالبداهة بر قلم تحریر این حقیر کثیر التقصیر جاری شده است .

و چون مدتی قبل در عالم رؤیا دیدم که اشعاری به من می گویند و حقیر در صفحه ای می نویسم و آن ها متعلّق بود به حضرت امیر و حضرت صاحب الزمان علیهما السلام و هنگام بیداری از خاطرم محو شده بود، در این وقت چنان گمان دارم که این اشعار تعبیر آن ها باشد که در خواب به من گفته بودند، و فعلاً فراموش کرده ام که گوینده چه کسی بود، لکن مظنونم آن است که خود آن بزرگوار بودند، پس با خود اندیشه کردم که «هذا تَأْویلُ رُءْیایَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَها رَبِّي حَقًّا»...(1)

1- . مؤلّف رحمه الله سپس رباعیات را ذکر می کنند.

رباعیات در فراق حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه الشریف

از طعنه دشمنان دون، صد فریاد *** و ز دیده کوته نظران، صد فریاد

بر غربت دین احمدی، صد افسوس *** و ز غیبت صاحب الزمان صد فریاد

* * *

ای ذکر تو نقل مجلس درویشان! *** وی نام تو مَرهَم دلِ دلریشان!

بیچاره منم که از رخت مهجورم *** از کینه وریّ و جور بداندیشان

* * *

ای پادشه جهان! جهان پر شور است *** دشمن به هزار گونه عیش و سور است

ای کاش که من رخ نکویت بینم *** دور است بسی ز بخت من این دور است

* * *

ای وصل تو غایة المراد دل ما! *** وی ذکر تو زیب و زیور محفل ما!

اندر دل ما لشکر غم منزل کرد *** زآن روز که دور گشتی از منزل ما

* * *

ای زادهٔ عسکری، امام همه خلق! *** از بهر هُدی، مَهِ تمام همه خلق

راهی بِدِه ام به سوی خود بهر خدا *** کافسرده شدم، ز خاص و عامِ همه خلق

* * *

ای گشته خیال تو قرار دل من! *** و ز دوستی ات سِرشته آب و گل من

نه طاعت و نه عبادتی دارم، لیک *** حبّ تو، ز عمر من بُود حاصل من

ای چارهٔ درد خستگان! ادرکنی *** ای مونس و یار بی کسان! ادرکنی

من بی کَسَم وخسته ومهجور وضعیف *** یا حضرت صاحب الزمان!ادرکنی

* * *

ای وارث یازده امام بر حق! *** ای بر همهٔ خلق، ولیّ مطلق!

دارم طمع نظاره ای بر رویت *** ای مصدر فیض و ماسِوایت مشتق!

* * *

راز دل زار من، تو می دانی و بس *** مانده است ز من ناله و افغانی وبس

شد خانهٔ دل خراب و از غیر، تهی *** در خانه خرابه ام، تو مهمانی و بس

* * *

از دوری تو خانه خرابم به خدا *** رنجور و نحیف و دل کبابم به خدا

لعل لب توست آب حیوان، بینی؟ *** من تشنه یک دو قطره آبم به خدا

* * *

از حضرت تو ترحّمی می خواهم *** وز لعل لبت تبسّمی می خواهم

تو شاهی و من گدا و از بخشش تو *** یک قطره ز بحر قَلزُمی(1) می خواهم

* * *

ای پادشه، ز من صلایی در ده *** ماییم گدای تو، نوایی در ده

دل های فِگارِ(2) ما پر از درد و غم است *** از بهر خدا به ما شفایی در ده

* * *

ای آتش عشق تو به دل های فِگار! *** از غیبت رویت، ای مه هر دو دیار

چون آتش طور موسی، اندر شب تار *** روزانهٔ عاشقان شده چون شب تار

1- . اقیانوس، دریا.

2- . زخمی

ای مهدی صاحب الزمان! دریابم *** ای جان همه جهانیان! دریابم

از دوری روی تو بدین سان گشتم *** بی چاره و زار و ناتوان، دریابم

* * *

گر جرم و گناه و خجلتم بسیار است *** امیّد به عفو و رحمتت بسیار است

اندک نظری به حال افگارم کن *** کز تو، لطف اندکی بود بسیار است

* * *

ای بحر محیط، قطره ای از کرَمت! *** وی روی زمین، بساط خوان نِعَمَت!

مُردم ز غم ندیدن چهرهٔ تو *** بنما نظری بر این گرفتار غمت

* * *

تا دیدن روی دوست، حاصل نشود *** مقصود من از حیات، حاصل نشود

حاصل نشود مرادش اندر دو جهان *** آنکس که مرادش به تو حاصل نشود

* * *

ای سرور جمله پادشاهان! نظری *** ای صاحب خون بی گناهان! نظری

من مور ضعیف و تو سلیمان جهان *** بر مور ضعیف، ای سلیمان! نظری

* * *

گردیده کنون فلک به کام دشمن *** باز آ تو برای انتقام دشمن

تا صارم(1) انتقام تو بردارد *** از صفحه روزگار، نام دشمن

* * *

بازآ که جهان پرشده از ظلم و فساد *** از کینه و جور ظالم بد بنیاد

باز آی و بگیر داد مظلومان را *** از آن که ز اول این بنا کج بنهاد

1- . شمشير.

هر دم در انتظار، عمرم گذر کند *** آنِ دِگر، امیدِ مرا بیش تر کند

نوعی اثر نموده به قلبم، جدایی ات *** کاندر رگی ضعیف، اثرنیشتر کند

* * *

گذشت عمر من اندر فراق یار، دریغ *** زهجر، غرقه خون شد دلِ فگار، دریغ

شد از فراقش روزم سیاه چون شب تار *** گذشت عمر و بِمُردَم در انتظار، دریغ

* * *

عید آمد و شد ز لاله بستان، پر نور *** هر کس به خیالی به جهان شد مسرور

ما را غم و محنت و اَلم شد بسیار *** زآن رو که جمالت بُود از ما مستور

* * *

ای ما حصل مراد از کون و مکان! *** بازآ که شود جهان به تو رَشکِ جَنان

بی دیدن طلعت تو ای جانِ جهان! *** حظّی نبود مرا ز باغ و بستان

* * *

این دل که به مهر تو سِرشت از آغاز *** افتاده ز دوری تو در سوز و گداز

زان پیش که خصم دون به ما طعنه زند *** ما را به یکی نَظاره، شاها بنواز

* * *

یا رب! آن طلعت زیبا ز پس پرده غیب *** تو برون آور و ما را به لقایش برسان

آن چه مانع ز ظهورش شده، از جا بردار *** وآن چه اسباب ظهور است، برایش برسان

دشمنان را همه تن ها، ز روان خالی ساز *** دوستانش همه را، بوسه به پایش برسان

رباعیات در مصائب حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام

در عرصه کربلا حسین گشت شهید *** آن روز که عرش کبریایی لرزید

هستی تو ولیّ خون شاه مظلوم *** بنما، طلب خون وی از آل یزید

* * *

آن سر که سرِ دوشِ نبی داشت مقام *** شد بر سر نِی، ز کینهٔنسل حرام

آن سر که گرفت عرش ازو زینت؛ شد *** از جور یزید زینِ دروازهٔ شام

* * *

آن سر که بُدی مصداق آیه نور *** جا داد ز کینه، خولي اش کُنج تنور

بد عهدی دورِ آسمان را بنگر *** رأس شه دین کجا و کفّ مخمور؟

* * *

آن لب که بداد بوسه اش، خیر انام *** زد چوب بر او یزید، آن نسل حرام

می گفت به خنده و تبسم: «الحمد *** کامروز مرا دور فلکگشته به کام»

* * *

اولاد نبی به بزم خود حاضر کرد *** از بهر تماشا، همه کس ناظر کرد

مسلم نپسندد که به کافر بیند *** ظلمی که به آل نبی، آن کافر کرد

غزلیات در فراق حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه الشریف

غزل اول

ای بپا از یُمن ذاتت هفت ارض و نُه فلک! *** ایستاده چون غلامان بر دَرت، خیل ملَک

ریزه خوار خوانِ احسان تو، خلق برّو بحر *** مرغ ها، اندر سما و در ته دریا، سمک

چشم های عاشقان، خون بار شد از هجر تو *** بازآ، ای چشمِ عالم را به جای مردمک

تا که شد مجروح، دل های محبّان از غمت *** دشمنان پاشند بر زخمِ دلِ آن ها، نمک

طالَما أضمرْتُ أحْزاني و كاتَمتُ الهَوى *** في حبيبٍ غابَ عن عيني و قَلبي قد مَلَك

آن شهنشاهی که ذاتش مظهر عدل خداست *** وآن که حُبّش، کفر و ایمان راستْ معیار و محک

مالکِ مُلکِ جهان، فرمانده دنیا و دین *** حامیِ شرع پیمبر، ماحیِ طغیان و شک

عاشقان مُردند در هجرانُ، نیامد آن نگار *** کاش می گشتی خراب از این تَطاوُل، ای فلک

ای که «جاء الحقّ» به وصفت آمده اندر نُبی(1) *** هان بیا تا مضمحل گردند، اهل ریب و شک

کی شود بینم که بهر انتقام آیی برون *** زان که کرد از دختر ختمِ رسل، غصبِ فدک

کی شود بینم جمال بی مثال انورت *** تا بگویم شرح غم های دل خود، یک به یَک

دوش می کردم شکایت از حسودان پیش دوست *** در جوابم این ندا آمد که «اللهُ مَعَك»

دست از دامان مهدی برنگیری، ای «تقی» *** قَدْ نَجا مَن اَمَّه(2)، مَن اَعْرَضَ عَنْهُ هَلَك

غزل دوم

وقت آن آمد که آه و ناله را افزون کنم *** عالَمی را از فراق یار خود دلخون کنم

گر بگویم شمّه ای وصف جمالش بهر خلق *** عاقلان را از فراق طلعتش مجنون کنم

ور نمایم وصف نورِ رویِ پاکش آشکار *** سر به زیر از شرمساری، موسیِ عِمران کنم

1- . نُبی: قرآن.

2- . اَمَّه: قصد کردن چیزی (توجه کردن به...).

ور بگویم ذرّه ای از زهد او را در جهان *** منفعل عیسای زاهد بر سَرِ گردون کنم

آن که احمد بر وجود او همی کرد افتخار *** من کی ام تا نام او را با زبان مقرون کنم

آن که از رفعت بِبُردندَش ملائک تا به عرش *** من که چون خاک زبونم، مدح او را چون کنم

مهدی صاحب زمان، آن مظهر عدل خدا *** کی توانم وصف ذات مَظهر بی چون کنم

شد دلم خون از غم هجران و صبرم شد تمام *** خونِ دل باید ز راه دیدگان بیرون کنم

شد رُخم زرد از فراق روی آن سلطان دین *** روی خود باید ز آب چشم خود گلگون کنم

عمر از کف رفت و ساز و برگی اندر کف نماند *** من به این بی برگ و سازی در قیامت چون کنم

سوخت طومار عمل را آتش عصیان من *** این زمان باید زمین را ز اشک خود جیحون کنم

با همه عصیان رَوَم در روضه رضوان اگر *** مهدی صاحب زمان را دست بر دامان کنم

ای «تقی» بس کن که گر این سان نمایی شرح غم *** بگذرم از اهل عالَم، روی در هامون کنم

غزل سوم

ای غایب از نظر! نظری سوی ما فکن *** آشفته بین زغیبتِ روی تو، مرد و زن

پوشیده نیست حالت افگار ما ز تو *** حاضر میان جمعی و، غایب ز انجمن

از بس که دور گشت زمان ظهور تو *** نزدیک شد که جان من آیدبرون ز تن

گر بشنوم ظهور تو را بعدِ مردنم *** از شوق، زیر خاک بِدَرَّمْ به تن کفن

از محنت زمانه و از جور روزگار *** پا بستِ غم نهانم و افسرده در علن

دارم نصیحتی ز خرد یاد، ای «تقی» *** فارغ شوی ز غصّه، اگر بشنوی زِ من

بگذر از این جهان که نیاید به کار تو *** جز مهر حجّت بن حسن، شاهد زَمن

غزل چهارم

ز دوری رخت ای پادشاه حُسن و جمال! *** رسیده جان به لب عاشقان، تَعال تَعال

به ذکر حُسن تو کرّوبیان عالَمِ قدس *** یُسبِّحونَ لَه بِالغُدوِّ وَ الآصال

امام مهدیِ هادی، شهنشه دو جهان *** سمّی ختم رسل، ماحیِ رسومِ ضَلال

اگر زبانِ همه ممکنات بُوَد مرا *** نمی شدی که تو را گفت وصف شأن وجلال

به پیشِ نور تو، خورشید ذرّه ای موهوم *** به وصف ذات تو، گویند گان، تمامی لال

اگر نبود ز یُمن وجود اقدس تو *** به پا نبود، نه ارض و سما، نه ماه و نه سال

چنان چه نعمت حق هست از حساب برون *** تو را برون زحساب است علم وقدر وکمال

بیا بیا که همه عاشقان، سَر، از سَرِ شوق *** به کف گرفته، مهیّا برای استقبال

گذشت عمر من و، وصل تو نصیب نشد *** مگر به خواب ببینم شبی، زمان وصال

به عجز و لابه، توان دید روی یار «تقی» *** به عجز کوش و به زاری، مکن تو استعجال

غزل پنجم

گرَم نصیب شود یک نظر به روی حبیب *** نثار او بنمایم روان، به رغمِ رقیب

به پای خود اگرم بوسه ای روا دارد *** نَهم به تارک(1) شاهان قدم ز حشمت و ریب

غم فراق و دلِ پر ز خون و اشکِ بَصر *** مرا ز روز ازل این سه چیز گشته نصیب

دلا! به محنت و غم صبر کن که بوده و هست *** به هر نشیب، فرازیّ و، هر فراز، نشیب

جهان به مهدی موعود گلستان گردد *** در آن زمان که نماید، ظهور با فر و زیب(2)

«تقی» تو را به دل ار مهر او نهان باشد*** مدار رنجه دلِ خود ز هول روز حسیب

1- . فرق سر، کلاهخود.

2- . با شکوه، زیبا.

غزل ششم

مرا به جز رَهِ عشق تو نیست، هیچ طریق *** اگر به وصل جمالت رسم، زهی توفیق

منِ خراب کجا و، وصالِ یار کجا *** چه سان رسد پَرِ کاهی به قعر بحر عمیق؟

مرا ز عشق مترسان که فاش می گویم *** که نیست مقصد پروانه هیچ، غیر حریق

به جز حدیث محبّت هر آنچه گفته شود *** تمام ضایع و باطل بود، علی التّحقیق

نگار ما چو گُشاید دهان به وقت سخن *** بَرد ز خاطر ما، ذکر سلسبیل و رحیق

خرد به کُنْه کمالش کجا رسد، هیهات *** که غرقه اند در این لُجّه، فکرهای دقیق

«تقی» به گوشهٔ عزلت نشین و دم در کش *** که یافت می نشود، یک نفر رفیق شفیق

غزل هفتم

روزی که ساخت خانهٔ دل را خدای دل *** از بهر عشقِ رویِ تو کردْ او بنای دل

دل را فدای عشق تو کردم من از نخست *** با آن که هر چه بود نمودم فدایدل

راهی که رهروانِ دو عالم نیافتند *** پیموده ام به یک قدم، آن را به پای دل

در نردِ عشق، هستی خود را بباختم *** کردم تمام کون و مکان را فنای دل

حاجی به سوی کعبه روان می شود از آنک *** راهی نیافت در حرمِ با صفای دل

آن آتشی که خرمن ایجاد را بسوخت *** اندک نمونه ای بُود از داغ های دل

در سر نه یاد گلبن و نِی فکر گلشن است *** آن را که دامن است پُر از پاره های دل

بس ای «تقی» که با خبر از راز دل، کسی *** نبْوَد به غیر حق، که نموده بنای دل

غزل هشتم

یک دم اگر به خاک عزیزان گذر کنی *** از ما سوایِ حق، همه قطع نظر کنی

گر حبّ غیر حق، ز دل خود برون کنی *** در یک نفس، جهان همه زیر و زبر کنی

در نزد پیر عشق، بخوان درس عشق را *** تا عشق غیر حق، ز دلِ خود برون کنی

خاکت به سر که هیچ نکردی به جز گناه *** اکنون ز جای خیز، که خاکی به سر کنی

آماده باش و توشهٔ راه سفر بساز *** شاید سفر به ناگه از این رهگذر کنی

از آبِ دیده، آتش عصیان خموش کن *** زان پیش، کز ندامت خود، ناله سر کنی

«ربِّ ارجعون» بگویی و سودی نبخشدت *** هر چند آه و ناله، از آن بیش تر کنی

هان ای «تقی» ز خدمت مهدی متاب روی *** خواهی اگر به خُلد برین، مستقر کنی

غزل نهم

هر که اندر خم گیسوی تو در دام افتاد *** بِگُذشت از همه عالم و آرام افتاد

هر دلی را که در او عشق تو ننمود اثر *** سنگ خاری ست که بی فایده و خام افتاد

ما گرفتار توئیم و، تو ز ما فارغ چند *** دلِ افسردهٔ ما پر غم و ناکام افتاد

ما ضعیفان اگر امروز شرابی بخوریم *** خون دل هاست که از هجر تو در جام افتاد

لب و دندان تو حیف است کُنم تشبیهش *** که دُری در صدف گلبویِ گلفام افتاد

ای «تقی» غم مخور از هجرت آن یار که روز *** از فِراقش به نظر، تیره تر از شام افتاد

غزل دهم

دل رفت و عمر رفت و نیامد نگار من *** وز دوری اش ز دست برون شد قرار من

امّید داشتم که رخ دوست بنگرم *** رحمی نکرد، بر دل امّیدوار من

مُردم در انتظار و ندیدم رخ نگار *** ترسم که به حشر کشد انتظار من

داغ جدایی ات دل من را کباب کرد *** بنما ترحّمی به دل داغدار من

افسوس و آه و درد، از جور دشمنان *** در پرده مانده است، جمالِ نگار من

ترسم که عالَمی بشود غرقهٔ فنا *** گریان شود، اگر مُژهٔ اشکبار من

ای آنکه وصف کرده خدایت به «اضطرار» *** رحمی نمای بر من و بر اضطرار من

ای دل! امید دار وصالِ جمالِ یار *** چون نیست خُلف وعدهٔ پروردگار من

قصیدهٔ شعبانیه در میلاد پر سرور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

هلال ماه شعبان تا که گردید از افق پیدا *** جهانِ پیر شد از شوقِ وصلِ رویِ‌او بُرنا

شهی کز روی او شد آیتی جنّات و ما فیها *** که بردندش ملایک در مقام قرب أو أدنی

امام مهدی هادی، ولیّ خالق یکتا

دلا! اکنون زمان عشرت و ایّام شادی شد *** که روزِ مولدِ شاهنشهِ مهدیِ هادی شد

شهی کز پرتو نورش همه خلق اَیادی شد *** جمال انورش پنهان چو از ظلم اَعادی شد

شب و روز منِ افسرده از هجرش مساوی شد

بیا در ده ز صهبای محبّت جرعه ای، ساقی! *** که سرمست از هوای او شَوَم در عین مشتاقی

نباشد درد ما را غیر وصلِ دوست، تریاقی *** از آن مِی کو دهد ما را، حیاتی بی غش و باقی

أدر کأساً و ناولها ألا یا أیّها السّاقی!

بشارت باد یاران را، که نصفِ ماه شعبان شد *** جهان از مَولِد شاهنشه دین رَشکِ رضوان شد

چو نور طلعت او بر بسیط خاک تابان شد *** زمین بر آسمان و عرش و کرسی، جمله نازان شد

که اندر او چنین نوری ز صنع حقّ فروزان شد

شهنشاهی که عدل حقّ شود از ذات او ظاهر *** سمیّ احمد مرسل، امام حامد حاشر

نباشد غیر حبّ او مرا در اوّل و آخر *** شفیعی روز رستاخیز نزد خالق قادر

ندارد بهره از ایمان کسی کو شد به او کافر

شهی کز یُمن او، بر پا زمین و آسمان باشد *** که دریاهای فیض از فیض جود او روان باشد

سر و جان، در جناب او، محقّر ارمغان باشد *** روا نبود که از اعمال زشت ما نهان باشد

به خود باز آ که وقت گریه و آه و فغان باشد

مه ثانی عشر، فرمانده کَون و مکان یکسر *** که مدحش کرد اندر وحی مُنزَل، خالق داور

گهی غیب اش به نام آورده(1) وگاهِ دگر مضطرّ(2) *** از آن روزی که عشق او مرا افتاده اندر سر

روا باشد نمایم فخر بر کلّ شهان یکسر

وصیّ عسکری، شاهنشه دین، حجّت قائم *** که دارد انتظار حضرتش خیل مَلَک دائم

شه فرخنده ناصح، امام محسن منعم *** که انوار امامت را شد از جاه و شرف خاتم

بود ممکن ولی ممکن به ذات او بود قائم

1- . اشاره به آیهٔ 3 سوره بقره: «اَلّذینَ یُؤمِنونَ بِالغَیْب» .

2- . اشاره به آیهٔ 62 سوره نمل: «أم مَن یُجیبُ المُضطَرَّ اِذا دَعاه».

شهنشاه دو عالم حامی دین، ماحی عدوان *** که باشد نعمت ذاتش برون از حیّزامکان

اگر خواهی نجات ای دل! مدارش دست از دامان *** که بی حبّش نباشد هیچ کس را بهره از ایمان

تبارک بر چنین جاه و جلال و رفعت و این شأن

قصیده غدیریّه در مدح حضرت امیرالمومنین علیه السلام

قَد تاهَ عقلی و حارَ فی فَضلِ یومِ الغدیر *** قَد عَجَزَ الواصِفونَ عَن ذِکرِ مدحِ الأمیر

عیدی چو صبح وصال، فرخنده و دلپذیر *** شاهی که مدّاح او گشت خدای قدیر

هلا هلا دوستان! آمده عید غدیر *** عیدی چو صبح وصال، فرخنده ودلپذیر

ای برتر از عقل و وهم! تو را مقام منیع *** وی برتر از لامکان! تو را مکان رفیع

در حضرت کردگار، حبّ تو باشد شفیع *** امروز از قدسیان، آید به گوش سمیع

هلا هلا دوستان! آمده عید غدیر *** عیدی چو صبح وصال، فرخنده و دلپذیر

خیل ملک در سما با زینتی بس عجیب *** اندر جنان حوریان، به هیئتی دلفریب

با نغمه دلنواز، در بوستان عندلیب *** و اندر زمین شیعیان، گویند با فرّ و زیب

هلا هلا دوستان! آمده عید غدیر *** عیدی چو صبح وصال، فرخنده و دلپذیر

امروز ابواب فیض، به سوی ما باز شد *** به منصب سروری، علی سرافراز شد

کرّوبیان را به عرش، این سخن آغاز شد *** عشق و خرد با زبان، هریک هم آواز شد

هلا هلا دوستان! آمده عید غدیر *** عیدی چو صبح وصال، فرخنده و دلپذیر

امروز شد بهر خلق، نور خدا آشکار *** حقّ را واضح نمود، پیغمبر تاجدار

گفتا به خمّ غدیر، که ای صغار و کبار! *** به پادشاهی ز حقّ، علی شده برقرار

هلا هلا دوستان! آمده عید غدیر *** عیدی چو صبح وصال، فرخنده و دلپذیر

دوستِ او را بود، جایْ به خلد نعیم *** دشمن او تا ابد، هست به دوزخ مقیم

یاور او را بود یار، خدای کریم *** هرکه از او روی تافت، گشت چو شیطان رجیم

هلا هلا دوستان! آمده عید غدیر *** عیدی چو صبح وصال، فرخنده و دلپذیر

گویم به حکم خدای، من به شما این سخن *** طاعت او واجب است، برهمهٔ مرد و زن

هر که محبّ علی است، هست هوا خواه من *** زین مژده شادی کنند، جمله به سرّ و علن

هلا هلا دوستان! آمده عید غدیر *** عیدی چو صبح وصال، فرخنده و دلپذیر

فرمود چون این سخن، با جملهٔ شیخ و شابّ *** کردند یکسر همه، در حضرتش این خطاب

گفتند از روی شوق، با شاه ختمی مآب *** ما جمله فرمان بریم، از حضرت بوتراب

هلا هلا دوستان! آمده عید غدیر *** عیدی چو صبح وصال، فرخنده و دلپذیر

آن کس که اوّل نمود، بیعت با شاه دین *** گفتا که بخّ بخّ به تو، ای سرور مومنین

آن بود کاوّل شکست، عهد مودّت ز کین *** بر او لعنت کنند، اهل سما و زمین

هلا هلا دوستان! آمده عید غدیر *** عیدی چو صبح وصال، فرخنده و دلپذیر

آن کو ز آغاز کار، خشت ستم را نهاد *** بر عترت مصطفی، دست تعدّی گشاد

هرچه ستم شد به خلق، ز اهل جور و فساد *** به گردن او نهند، جرمش به روز تَناد(1)

هلا هلا دوستان! آمده عید غدیر *** عیدی چو صبح وصال، فرخنده و دلپذیر

ای ملجأ مومنان! ای چاره بی کسان! *** پر شد زجور و ستم، سرتاسر اینجهان

ظاهر شو از بهر عدل، ای غایب از مردمان *** تا با زبان فصیح، گوییم شادی کنان

هلا هلا دوستان! آمده عید غدیر *** عیدی چو صبح وصال، فرخنده و دلپذیر

رباعی در محبت امیرالمؤمنین علیه السلام*

خاکم به سر که غیر خطا نیست کار من *** وز معصیت چو شام شده روزگار من

امید نبستم به قیامت به جز دو چیز *** حبّ علی و مرحمت کردگار من

1- - اشاره به آیهٔ 32 از سوره غافر از زبان حزقیل، مؤمن آل فرعون که گفت: {و یاقَوْمِ اِنّی اَخافُ عَلَیکُمْ یَوْمَ التَّناد}..

اشعار گوناگون

سایر اشعار

در وصف عشق*

علم نبود غیرِ علمِ عشق دوست *** کاوست مغز و جمله اینها هست پوست

بشنو ای دل! پوست از خود دور کن *** خویش را از عاشقی پر نور کن

چون ز علم عاشقی آگه شوی *** ای خود موسی کلیم الله شوی

چون که آن موسی مخلّی شد ز پوست *** از برای او تجلّی کرد دوست

امر «اِخلَع» را از او بشنیدچون *** علقه های خویش کرد از دل برون

چون که موسی گشت فارغ از قیود *** حق برای او تجلّی ها نمود

تا به کی در بند این نحویّ و صرف؟ *** تا به کی در قید اسم و فعل و حرف؟

نیست غیر اسم، این اعمال ما *** نیست غیر حرف، این افعال ما

نیست در آن، واقعیّت خردلی *** با چنین حالت، کِ-ی از اهل دلی؟

نیست این ها غیر صورت، سر به سر *** جمله بی مغز است و معنی ای پسر

مغز آن ها عشق و یاد مهوش است *** مستی از آن باده های دلکَش است

مغز نَبْوَد غیر اخلاص و خلوص *** نیست از تحریر و اسفار و فصوص

نیست مغز آن، شفای بوعلی *** عشق پیدا کن اگر ز اهل دلی

چند چند از این هیولا و صُوَر؟ *** خواست کِی این ها ز تو خیر البشر؟

اهل حکمت هستی، امّا نیستی *** خوش نظر کن، بین غلام کیستی؟

آنِ احمد یا از آنِ بوعلی؟ *** بوذری یا آن که کورموصلی؟

عشق باشد دوستیِّ آن نگار *** و انقطاع تو ز غیر کردگار

مغز گیر و دل مخلّا کن ز پوست *** چونکه در یک دل نمی گنجد دو دوست

عشق را تعریف ممکن نیست، نیست *** نِی توان گفتا که عشقِ یار چیست

زنده از عشق اند جمله کائنات *** زندگی بی عشق باشد چون ممات

غیر علمِ عشق، فانی می شود *** عشقِ جانان جاودانی می شود

ای چه خوش گفته حکیم مولوی *** گفته اندر مثنوی معنوی

هر چه گویی، عشق از آن برتر بود *** عشق، امیرالمؤمنین حیدر بود

گر نبودی سینه ها تنگ و ضعیف *** ور نبودی قلب ها سخت و کثیف

در مدیحش داد معنی دادمی *** غیر این منطق لبی نگشادمی

چونکه با کودک سر و کارم فتاد *** پس زبان کودکان باید گشاد

خالی کردن دل از محبّت اغیار *

گر همی جویی وصال یاررا *** کن برون از قلب خود اغیار را

چون که آن یعقوب، شیخ المرسلین *** حبّ یوسف گشت در قلبش مَکین

چونکه غیر آمد به دل، دلدار رفت *** شد مقام ظاهر و، أسرار رفت

حق تعالی خواست بیدارش کند *** فارغ از هر چیز، جز یارش کند

مبتلایش کرد بر درد فراق *** ماهِ رویِ یوسفش شد در محاق

چون محبّت داشت او را در رَسَن *** ساخت بهر خود یکی بیت الحزن

نام یوسف بود ذکرش سر به سر *** بهر وی نِی غیر وی ذکر دگر

روزی آمد مقبلی او را به پیش *** دید او را تن ضعیف و سینه ریش

گفت: وَیحَک چیست این حال ای نبی *** وز برای کیست، در تاب و تبی؟

این سخن بر زخمِ او شد چون نمک *** آهِ یوسف، یوسفش، شد بر فلک

گفت: از هجران تنم این سان شده *** دیده ام گریان و دل بریان شده

جبرئیل آمد به فرمان خدا *** گفت: کای یعقوب، شیخ

الأنبيا

ص: 224

هشت و چارت، من پسر کردم عطا *** غیر یک تن شان، نشد از تو جدا

این همه نالیدنت از بهر چیست؟ *** وین همه زاریدنت از هجر کیست؟

زین سپس، نامش نیاور بر زبان *** ور نه محوت سازم از پیغمبران

یعنی ای یعقوب! نام من بگوی *** نام کس را غیر نام من مجوی

باز در دل، حبّ یوسف داشت چون *** روزها می آمد از خانه برون

نام یوسف را از مردم می شنید *** دل تسلّا می نمود آن نا امید

جبرئیل آمد به امر کردگار *** گفت با یعقوبِ زارِ دل فِگار

گر دهی گوشَت به نام او فرا *** می کنم نامت برون از انبیا

حزن خود را داشت پنهان، آن سلیم *** زین سبب فرموده حق، فهو کظیم

خانه حق، چون دل عبد است و بس *** پس نباید در وی آید هیچ کس

حبّ حق خواهی، به غیرش رو مکن *** دل اسیر خط و خال و مو مکن

پرهیز از عشق ما سوی الله *

روزی اندر کاخ خود آمد خلیل *** آن خلیلِ حضرتِ ربّ جلیل

دید اسماعیل را آراسته*** خوش ز زیور، هاجرش پیراسته

علقه ای در دل فتادش از پسر *** خلّتی از وی فتاد او را به سر

چونکه شب خوابید گفتندش بخواب: *** کی مهیّا کن یکی تیغ و طناب

ذبح کن فرزندت اسماعیل را *** ور نه بردار افسر تخلیل را

کی محبّت را ز غیر ما بِبُر *** از پسر خالی شو و از دوست پُر

عشق اسماعیل از خود دور کن *** خویش را از عشق ما پر نور کن

اظهار فقر و نیاز*

یا ربّ! فرجی، که ما اسیریم *** یا ربّ! کرمی، که ما فقیریم

ماییم لئیم و تو کریمی *** ما غرق گناه و تو رحیمی

در عالم جسم پا نهاده *** در بحر تعلّق اوفتاده

در عالم جسم بازمانده *** یک کام ز معرفت نرانده

از عالم روح دور گشته *** یک پارچه غرور گشته

گر لطف خدا نبود در کار *** بودیم از این بتر گرفتار

دل مُظلَم و تیره از گناهان *** پذِرُفته نه حرف نیک خواهان

یا ربّ! سببی که «شرعی» زار *** گشته است در این قفس گرفتار

در تنزیه و تحمید پروردگار*(1)

عنوان صحیفه نام یار است *** تمجید خدای کردگار است

آغاز به نام دوست کردم *** آن چیز که او نکوست کردم

ای خالق نُه رواق گردون *** ای صانعِ ذو الجلالِ بی چون

ای ذات تو علم و علم، ذاتت *** کس نیست شریک درصفاتت

در ذات تو اهل هوش، بی هوش *** هم عقل و رسل جمیع، مدهوش

هم عالِم و هم محبّ عِلمی *** بیرون ز خیال و شکّ و وهمی

تسبیح تو در بیان نیاید *** تحمید تو از زبان نشاید

حمد تو شده است زیب اوراق *** ای خالق عقل و نفس و آفاق

حمد تو ز کلک ما برون است *** نی نی که ز ما سوا برون است

شکر دگر است شکرت ای یار *** یا ربّ، تو به شکرمان نگه دار

1- . صاحب مکیال، کتاب «انیس المتفرّدین» خود را با سرودن این شعر آغاز کرده اند.

در وصف خداوند*

ای آن که بیاورده به ایجاد، عدم را! *** ای صانع صورت گر و هم لوح و قلم را

ای نام تو مشهورُ، بُوَد کنه تو مستور! *** اندر تو تحیّر بود ارباب همم را

ای نعمت تو شامل هر مؤمن و کافر! *** وی ریخته در کَون و و مکان بحر کرم را

هر چیز بغیر تو بود ممکن و حادث *** در غیرِ تو معدوم بدیدیم قِدَم را

موعظه ای در گذر عمر*

توشه از دست شد و، ما همه در راه هنوز *** سال ها رفت و، ما را به نظر، ماه هنوز

کاروان رفت و، جرس می کشد آواز رحیل *** ما از این حادثه ها، ناشده آگاه هنوز

همرهان، خاک نشین گشته و ما، در خوابیم *** همه در فکر هوا و هوس و جاه هنوز

ای توانگر! تو مشو غرّه که جاوید نماند *** کس در این خانه، نه از مفلس و نِی شاه هنوز

همه در غفلت و ناگه، همه خاموش شویم *** با وجودی که سخن هاست در افواه هنوز

هاتفی گفت به «شرعی» که به بیهوده گذشت *** عمر و، تو بهر حیاتی ز چه دلخواه هنوز

در موعظه سختی روز قیامت

امّتان مصطفی! دست است و بار *** شیعیان مرتضی! دست است و بار

بار بربندید، وقت رفتن است *** از پی این زندگانی، مردن است

الرّحیل ای کاروانان! الرّحیل *** ره خطرناک است و می باید دلیل

تشنگی ها دارد ای غمدیدگان! *** آب بردارید از اشک دیدگان

چون فراوان است در آن مار و مور *** همره ما هست تریاقی ضرور

جاده تاریک و منزل های دور *** کی کنی بی روشنی زآن ها عبور؟

بهر این راهِ خطرناک مخوف *** توشه باید برد ای صاحب وقوف

فرصت از دستت برون شد، ای عمو! *** توشهٔ راهِ خطرناکِ تو کو؟

آن دلیل ره، امیر المؤمنین *** سرور و سر حلقه اهل یقین

عمر او شد صرف طاعت سر به سر *** باز در دل داشت خوف این سفر

از کمیِّ توشه در اندیشه بود *** ز اضطراب و خوف و دهشت کی غنود(1)

گریه ها می کرد در شب های تار *** بود از خوف خدا جسمش نزار

در دل شب ناله های زار کرد *** رهروان خفته را بیدار کرد

ای فرومانده به قید ابتلا! *** ساعتی آخر به حال خود بیا

آخر ای غافل! دمی بیدار شو *** تا به کی مستی؟ دمی هشیار شو

آخر ای عاقل! زمانی هوش دار *** بر کلام پیرِ این ره گوش دار

گفت هر شب با رفیقان: الرّحیل *** چون خطرناک است راه و بس طویل

1- . این چند بیت اشاره دارد به خبر ضرار بن ضمرة که بر معاویه (لعنه الله) وارد شد و معاویه از او دربارهٔ امیرالمؤمنین علیه السلام پرسید و ضرار تعریف هایی از حضرت نمود تا رسد به اینجا که: آن حضرت در نیمهٔ شب با گریه و ناله می گفتند: «آه مِنْ قِلَّةِ الزَّادِ وطُولِ الطَّریقِ و

بُعدِ السِّفَرِ و مَخُوفِ المَورِد»: نهج البلاغه حکمت 75 .

مرکبی می خواهد ای افتادگان! *** توشه باید برد ای آزادگان!

توشه بردارید بهر این سفر *** که بُوَد عمر شما اندر گذر

توشهٔ این راه باشد بندگی *** تو چه داری گو، به جز شرمندگی؟

چهره و دل، هر دو از عصیان سیاه *** قامتت خم گشته از بار گناه

با چنین حالت در این ره چون رَوی؟ *** جز که پندی از من اکنون بشنوی

دست زن بر دامن حبل المتین *** عروة الوثقی، امیر المؤمنین

حبّ حیدر گر تو را در دل بُود *** از برایت سهل، هر مشکل بود

زان سپس ای مانده در بحر بلا! *** گریه کن بهر شهید کربلا

آن امام رهنما، نور دو عین *** آن قتیل أشقیا، یعنی حسین

آه زآن ساعت که با حال فِگار *** در میان آورد طفلشیرخوار

گفت یا الله و الخطب الفظیع *** هل أنا المذنب أم هذا الرضیع؟

جرعهٔ آبی بدین طفل صغیر *** که ندارد تاب و نه آب و نه شیر

ناگه از آن قومِ بی رحمِ عنود *** کافری سویش کمان کین گشود

از کمانش تا رها گردید تیر *** کرد جا در حلق آن طفل صغیر

گفتی او را از خدنگ آن عدو *** آب و آتش هر دو شد اندر گلو

خون چو از حلقوم او فواره زد *** آتش اندر ماسوی یکباره زد

آن چنان فواره زد آن خون پاک *** که نیامد قطره ای از آن به خاک

بود چون فوارهٔ او دست شاه *** سوی بالا رفت تا عرش إله

همچنان در مخزن غیب خدا *** مانده از او باقی تا روز جزا

تا برای عاصیان دریا شود *** آتش عصیان به آن اطفا شود

ای «تقی» بس کن که دل را تاب نیست *** طاقت و آرام در احباب نیست

اشعار عربی در فراق حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

شعر اول

تولّی شَبابي في الفراقِ فأسْرعا *** و آذنَ عُمري بالرَّحيلِ فَودَّعا

حَييت بِشَوقِ الوَصْل دَهراً و لم أكُن *** بشيءٍ سِوىٰ تِذكارِه مُتَمَتَّعا

قَد اشتدَّ شوقي فيك يا غايةَ المُنىٰ *** وَ يَا خَيْرَ مَن صَلّىٰ و يا خَيْرَ مَن دَعا

و يا خَيْرَ مَقْصُودٍ و يا خَيرَ مَوْئِلٍ *** و يا خَيْرَ مَن لَبّى وَ يا خَيْرَ مَن سَعىٰ

و قد طالَ صبري فِي النَّوى اِذْ تَرَكْتَني *** كَئيباً غَريباً باكِياً مُتَوَجِّعا

فيا مُهْجَتي، يا رَوْحَ قَلْبي وَ رَاحَتي *** أغِثْني، فَقَلبي كَادَ أَنْ يَتَصَدَّعا

نَظَرتُ بأبوابِ المُلُوكِ فَلَم أجِد *** سِوىٰ بابَ العالي مَلاذاً وَ مَفْزَعا

وَ اذْ نَزَلَ المَعْرُوفُ و العَدْلُ و السَّخا *** فما اختارُ إلّا في فِنائِكَ مَوْضِعا

أغِثْني بِفَيضٍ مِن نَداكَ فَإنّه *** لَقَدْ صَارَ مِنهُ البَرُّ والبَحْرُ مُتْرعا

فَلُولاكَ سَاخَ الْأَرْضُ بِالخَلْقِ كُلِّهِم *** وَ صارَ بُطُونُ الْأَرْضِ لِلنَّاسِ مَضْجَعا

و لولاكَ إنْدَكَّ الجِبالُجَمِيعُها *** وَ لَولاكَ أركانُ السَّمَاء تَزَعْزَعا

وَ مَا نَبَتَتْ فِي الْأَرْضِ لَولاكَ حَبَّةٌ *** وَ لا شَجَرٌ لَوْلا وُجُودُكَ أَيْنَعا

وَ لا أَشْرَقَت شَمْسُ وَ لا نَيِّرٌ بَدا *** وَ لا نَبَعَت عَيْنٌ وَلَا الْبَرقُ أَمْصَعا

وَ صَيَّرَنَا الْأَعْدَاءُ لَولاكَ طُعمةً *** و كانَ عَلَيْنَا الذُّلُّ ثَوْباً مُلَفَّعا

وَ مَا فَازَ نَاجٍ بِالنَّجَاةِ بِغَيرِكُم *** و مَن أمَّها مِن غَيرِكُم كانَ اَلْكَعا

حَبيبي حَبيبي طالَ هَمّي و كُرْبَتي *** أغِثني سَريعاً قَبْلَ أَنْأَتَضَيَّعا

تَعالَيتَ عَن مَدحي وَمَدح الخَلائق *** وَ ما قيلَ في عُلياكَ قَد كُنتَ أرْفَعا

جوانی ام در فراق به سرعت گذشت، و عمرم در انتظار به سر آمد.

من به شوق وصال زیسته ام، و به جز یاد او از چیزی لذّت نبرده ام.

ای منتهای آرزو، شوقم به شما شدید است، ای بهترین نمازگزاران و دعاکنندگان.

و ای بهترین مقصودها و پناه دهندگان، و ای بهترین تلبیه گویان و بهترین سعی کنندگان.

کاسهٔ صبرم در دوری تو لبریز شد، چون که اندوهناک و غریب و گریان و دردمند رهایم ساخته ای.

ای روح و جانم وای راحت روانم، به فریادم رس، که نزدیک است دلم از غصّه آب شود.

به هر آستانی که نگاه کردم، جز آستانه والای تو پناهگاهی ندیدم.

از روزی که معروف و عدل و سخاوت در جهان پدید آمده، جز در درگاه تو منزل نگرفته است.از فیض بخشش خود مرا پناه ده، که همهٔ عالم از خشکی و دریا، از آن طراوت یافته است.

اگر تو نبودی، زمین همه را فرو می برد، و دلِ خاک خوابگاه مردمان می شد.

اگر تو نبودی، تمام کوه ها پاشیده می شد، و ارکان آسمان متزلزل می گشت.

اگر تو نبودی، هیچ گیاهی از زمین نمی رویید، و هیچ درختی شادابی نمی یافت،

و خورشید و ستارگان نور نمی افشاندند، و هیچ چشمه ای نمی جوشید و برقی نمی زد.

اگر تو نبودی، دشمنان ما را طعمه خود می ساختند، و لباس ننگ و ذلّت بر ما پوشانده می شد.

ای دوست من! ای دوست من! غصه و ناراحتی ام طولانی شد، زود به فریادم برس پیش از آن که وابمانم.

تو بالاتر از آنی که مدح تو گوییم، هر چه در ثنای تو گفته شود، از آن برتری.

شعر دوم

يا سَائِلاً عَنْ أَشْرَفِ الأَ يَّام *** إِنِّي مُجِيبٌ إِنْ وَعَيْتَ كَلام

إِنَّ الشَّرَافَةَ وَالسِّيَادَةَ ثَابِتٌ *** في جُمْعَةٍ إِذْ فِيهِ كَشْفُ ظَلام

قَدْ صَارَ فِيهِ النُّورُ مَخْلُوقاً لَنَا *** وَ كذاكَ تُجْلَى ظُلْمَةُ الاثام

ناهيكَ يَوْماً مَا لَهُ مِنْ مَاثِل *** إذ كان ميلاداً لِخَيْرِ أنام

الْخَيْرُ فيهِ مُضَاعَفٌ مِنْ رَحْمَةٍ *** وَ الذَّنْبُ يُغْفَرُ فِيهِ مِنْ إِعْظام

قَدْ كَانَ تَزْوِيجُ الْبَتُولِ بِجُمْعَةٍ *** فيها تكَمَّلَ مِلَّةُ الْإِسْلام

في جُمْعَةٍ وُلِدَ الْوَصِيُّ بِكَعْبَةٍ *** في خَيْرِ شَهْرٍ، في أَعَزِّ مَقام

وَ الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ ضَاهَى جَدَّهُ *** ميلادُهُ في سَيِّدِ الأيام

وَ ظُهُورُ شَوْكَتِهِ وَ عِزَّةُ أَهْلِهِ *** في جُمْعَةٍ حَتْمٌ بِغَيْرِ كَلام

يا حُجَّةَ الْجَبَّارِ عَبْدُكَ زائرٌ *** اياكَ مُشتاقاً بِأَلْفِ سَلام

رُوحِي فِدَاكَ وَ مُهْجَتِي وَ أَحِبَّي *** و هوَاكَ مَمْزُوجٌ بِمُخِّ عِظام

فَاشْفَعْ إِلَى رَبِّي لِيَغْفِرَ زَلَّتِي *** حتَّى أَفُوزَ بِجَنَّةٍ بِسَلام

ای آن که سؤال کننده ای از شریف ترین روزها، همانا من پاسخ دهنده ام، اگر کلام مرا حفظ کنی.

همانا شرافت و آقایی ثابت است برای جمعه؛ زیرا در آن برطرف شدن تاریکی است.

همانا در آن روز، نور آفریده شد برای ما، و این گونه خارج می شود تاریکی گناهان.

به تو ابلاغ کننده ام روزی را که مانندی ندارد؛ زیرا در آن تولّد بهترین مردم بوده است.

خیر و خوبی در آن مضاعف است به سبب رحمت [ویژه در آن]، و گناه در آن بخشیده می شود به خاطر عظمت[ویژه آن].

هر آینه ازدواج حضرت بتول در جمعه بوده است، و در این روز آیین اسلام تکمیل می شود.

در جمعه وصیّ پیامبر در کعبه تولّد یافت، در بهترین ماه و در عزیزترین جایگاه.

قیام کننده، حضرت مهدی که شباهت دارد به جدّش، میلاد او روز جمعه سرور ایام است.

و ظاهر شدن شوکت ونیرومندی آن حضرت، و عزّت یافتن اهلش در جمعه است به طور حتم و بدون کلام.

ای حجّت خداوند جبّار! بنده ات زائر توست با اشتیاق و هزار سلام.

روح من و خون قلبم و دوستانم به فدای تو، و دوستی تو آمیخته گشته با مغز استخوانم.

پس شفاعت کن نزد پروردگارم تا بگذرد از لغزش های من، تا کامیاب شوم به بهشت به سلامت.

شعر سوم

بِنَفْسِي مَنْ مِنْ هِجْرِهِ أَنَا ضَائِل *** وَ مَنْ لِلواء الفَتْحِ وَ النَّصْرِ حامل

بنَفْسي إماماً قائماً غابَ شَخْصُه *** و لَيسَ لَهُ فِي العَالَمِينَ مُماثل

بِنَفْسِي مَن يُحيي شَرِيعَةَ جَدِّه *** وَ يَقْضَى بِحُكْمٍ لَم يَرُمْهِ الْاوائِل

و يَجْتَثُّ أَصْلَ الظَّالِمِينَ وَ فَرعَهم *** وَ يُحيىٰ بِهِ رَسْمُ العُلى و الفَضائل

فَيَا رَبِّ عَجِّل في ظُهُورِ امامِنَا *** و هذا دُعاءٌ لِلْبَرِيَّةِ شامِل

جان به قربان کسی کز هجر او آواره ام *** او بود خورشید و من در عشق او پروانه ام

در کَفَش باشد ز سوی حق لوای فتح و نصر *** غایب از انظار خلق است آن دُر یکدانه ام

دین جدّش را کند اِحیا و باطل را فنا *** حکم داوودی کند آن صاحب دورانه ام

اصل و فرع ظالمان را جمله می سازد تباه *** جان فدای آن که من در عشق او دیوانه ام

بارالها! در ظهور حضرتش تعجیل کن *** کفر و طغیان و فساد ظالمان تعطیل کن

شعر چهارم

قَد هاجَ حُزني و قَلْبي صارَ مُنكَمِدا *** لِهجْرِ مَن حُسنُه لِلعالَمينَ بَدا

خَيْرُ الْوَرى نَسَباً، شَمسُ الهُدَى حَسَباً *** و أفْضَلُ الخَلقِ أَعْواناً و مُحْتَشَدا

قد حارَ ذو اللُّبِّ في إدراک رُتْبَتِهِ *** و العَقْلُ في نَعْتِه أَعْيا و إنْخَمَدا

بيُمنه تجد الأجبالَ ثابتةُ *** لولا كَرامَتُه أَلْفَيْتَها بَدَدا

من نُوره الشَّمْسُ وَ الْأَقْمَارُ نَيِّرةٌ *** مِن فَضْلِه قَد رَبا ما كانَ مُنهَمِدا

لم يُرزَق النَّاسُ لَولا فَيْضُ نائِله *** وَ ما بَقُوا سَاعَةً في دَهْرِهِمْ أَبَدا

شَمائِلُ المُصْطَفَى كَانَتْ شَمَائِلَه *** وَ مُحْكَمُ الذِّكْرِ فِي أَوْصَافِهِ وَرَدا

تكامَل العِلمُ وَ الْأَخْلاقُ أَكْمَلَها *** في ذاتِه القُدس طُرّاً حينَ إذ وَلَدا

باهىٰ بِهِ اللهُ سُكَّانَ السَّمَاءِ وَ قَد *** ضَجّوا إِلَى اللَّهِ اذْ قَتْلُ الحُسينِ بَدا

أن أَسْكُتُوا، أَنْتَقِم حتماً بِقائِمِهِم *** مِن كُلِّ مَن حَارَبَ المَظْلُومَ أَو طَرَدا

اندوهم شعله ور و دلم پر از درد شده، از هجران کسی که زیبایی اش جهان را چیره کرده است.

بهترین مردم در نَسَب و خورشید هدایت در حَسَب، و والاترین خلایق از جهت یاران و پیروان.

آن که خردمندان از درک رتبه اش مات و مبهوت، و عقل در توصیف جلالش درمانده و بی تحرّک است.

از یمن وجود او کوه ها برجای مانده، اگر کرامتش نبود آن ها را از هم پاشیده می دیدی.

از نور او خورشید و ماه تابناک اند، و از فضل او دل ها و زمین های مرده پرورش یابند.

اگر فیض دستش نبود مردم روزی نمی خوردند، و حتی یک ساعت در زمین زنده نمی ماندند.

شمایل او همچون شمایل پیامبر است، و در قرآن آیات محکمی درباره اش آمده است.

علم و اخلاق در وجود او در اعلی مرحله کمال هستند، از همان هنگام که از مادر متولد شد در ذات مقدّسش قرار داشته اند.

خداوند به وجود او به ساکنان آسمان مباهات فرمود، آنگاه که از کشته شدن حسین به درگاهش شکایت کردند.

(فرمودند:) آرام گیرید! قطعاً من به وسیلهٔ قائم انتقام خواهم گرفت، از تمام ستمکاران و جنگ کنندگان با مظلوم.

شعر پنجم

يا سائِلاً عَنِّي بِفَضْلٍ مُضمَر *** إسمع تأمّل في كَلامِي الْمُظْهَر

الفضلُ في حُبِّ الأئمةِ بَارِزٌ *** و مَحَبَّةِ الزَّهْرَاء يَومَ الْمَحْشر

أهْلُ التُّقَى يَبكُونَ في أحزانِهِم *** و اللَّهِ هذا الماء زادُ المَحْشر

أدخُل بنا يا صاحِ في دارٍ بِها *** أحزانُهُمْ مَذْكُورَةٌ بِالْمَنْظَر

هي دارُ إكرامٍ و دارُ الْإهتداء *** لِمُحَقِّقٍ عَلّامَةٍ مُتَبَحِّر

هو عبد رزّاقٍ إذا سَمَّيْتَه *** مِن وُلْدِ سَيِّدِنَا النَّبِيِّ الْأَطْهَر

اَبكي عَلَى الزَّهْراء يا عَينُ الدِّمَاءِ *** فقد ابْتَلَتْ بِمَصَائِب كالأبحر

سِقْطُ الجَنينِ وَكَسْرُ الجَنْبِ مِن عُمَرا *** وَ الْوَجْهُ مِن ضَرْبِ الْعِدَى بِمحَمَّر

هذا قليلٌ مِن مَصائب واقَعت *** فِي حَقِّ بِنتِ المُصْطَفَى الْمُتَطَهِّر

مَه يا «تقى» فَدَمْعُ عَيْنِي سَائِل *** و القَلْبُ مِن أحْزانِها بِمُكَسَّر

ای سؤال کننده از فضلی که پنهان شده، تأمّل کن در کلامم که آشکار است.

تمامی فضل در دوستی ائمّه و حضرت زهرا علیهم السلام در روز محشر آشکار شود.

پرهیزگاران می گریند در غم آنان، به خدا سوگند، این آب توشه محشر است.

ای فریادگر! ما را وارد خانه ای کن که، اندوه های آنان ذکر شده در چشم انداز آن.

آن جا خانه بزرگ داشت و سرای هدایت، برای محقّق علّامه و نوآور است.

او عبد الرزاق است هنگامی که بنامی او را، فرزند سرور ما پیامبر اطهر.

بر حضرت زهرا ای چشم خون گریه کن، به راستی که او مبتلا گشت به مصائبی همچون دریاها.

سقط جنین و شکستن پهلو و نیلگون گشتن چهره از ضرب دشمنان.

این کمترین مصیبت واقع شده، در حقّ دختر پیامبر مطهّر است.

آرام باش ای «تقی» پس اشک چشمم روان است، و قلب از اندوه های آنان شکسته شده است.

شعر ششم

مِنْ هِجْرِكَ يَا حَبِيبُ، قَلْبِي قَدْ ذَابَ *** أُنْظُر نَظَراً إِلَيَّ يَا بْنَ الْأَطياب

إِنْ غِبْتَ لِذَنْبِنَا فَتُبْنَا تُبْنَا *** أَوْ خِفْتَ مِنَ العِدَى فَمَا لِلأَحْبَابِ

الجَورُ فَشا عَلَى المُحِبّينَ فَقُم *** يا مُنْتَقِماً بِاَمرِ ربِّ الاَرباب

ای حبیب! از هجران تو دلم آب شد، ای فرزند پاکان به من نگاهی کن نگاهی.

اگر به سبب گناهان ما غایب شده ای که توبه می کنیم توبه، یا اگر از دشمنان می ترسی پس دوستانت چه کنند؟

ستم بر دوستان شیوع یافت بپاخیز، ای انتقام گیرنده به فرمان پروردگار همه.

شعر هفتم

بنَيتُ بِقَلبي مَنزِلاً لِجَنابِكُم *** أَقَمْتَ بِها مُذْ كُنتُ في غَايَةِ الحُبِّ

أما و الَّذِي لَو شَاءَ مَا خَلَقَ النَّوى *** لَئِنْ غِبتَ عَن عَيْنِي، فَمَاغِبْتَ عَن قَلْبِي

يُوَهِّمُنيكَ الشَّوقُ حَتّى كأَنَّما *** أناجيكَ مِن قُرب و إِن لَم تَكُن قُربى

برای جناب شما در قلبم منزلی ساخته ام، که از اوّل پیدایشم در نهایت محبّت در آن ساکن شده ای.

سوگند به آن که اگر می خواست هسته را نمی آفرید؛ اگر از چشم غایب شده ای از دلم غایب نیستی.

آن چنان شوق تو خیالت را برای من مجسّم می کند که گویی، از نزدیک آهسته با تو سخن می گویم اگر چه نزدیک من نباشی.

شعر هشتم

هُوَ الْعَلَمُ الْهَادِي بِاِشْرَاقِ نُورِهِ *** وَاِنْ غَابَ عَنْ عَيْنِي كَوَقْتِ ظُهُورِهِ

أ لَمْ تَرَ أنَّ الشَّمسَ يُنْشَرُ ضَوْءُها *** إذا كَانَ تَحْتَ الغَيْم حِينَ عُبُورِهِ

او همان نشانه ای است که با اشراق نورش هدایت گر است، همچون زمان ظهورش هر چند اکنون از چشمم پوشیده است.

آیا ندیده ای که خورشید پرتو خودش را پراکنده می سازد، اگر چه پشت ابر قرار گرفته باشد، و ابر از روبه روی آن بگذرد.

فهرست منابع و مآخذ

كمال الدين؛ ابن بابويه ، 381 ق، انتشارات اسلاميه، 1395 ش.

تفسير برهان؛ بحرانى، سيد هاشم، 1107 ق، انتشارات بعثت، 1374 ش.

الكافي؛ الكليني، 329 ق، انتشارات دارالكتب الاسلامية، 1407 ق.

غاية المرام؛ بحرانى، سيد هاشم، 1307 ق، مؤسسة تاريخ العربي، 1422ق.

تحف العقول؛ ابن شعبة حرانى، قرن4، جامعه مدرسين، 1363ش

نهج البلاغة؛ شريف الرضي، 406 ق، انتشارات هجرت، 1414 ق

مجمع البيان؛ شيخ طبرسى، 548 ق، مؤسسة اعلمى، 1415 ق.

معاني الأخبار؛ ابن بابويه، ، 381 ق، انتشارات جامعه مدرسين، 1043 ش

الخصال؛ ابن بابويه، 381 ق، انتشارات جامعه مدرسين، 1362 ش.

الإحتجاج على أهل اللجاج؛ طبرسى، 588 ق، نشر مرتضى، 1403 ق.

عيون الحكم والمواعظ؛ ليثى واسطى، قرن6، نشر دارالحديث، 1376.

الأمالي؛ ابن بابويه، محمد بن على، 381 ق، نشر كتابچى، 1376 ش.

كامل الزيارات؛ ابن قولويه، 367 ق، دارالمرتضويه، 1356 ش

الغيبة للنعماني؛ ابن أبي زينب، ، 360 ق، نشر صدوق، 1397 ش.

جمال الاسبوع؛ ابن طاووس، 664 ق، نشر دارالمرتضى، 1330 ق.

الصحيفة السجادية الجامعة؛ موحد ابطحى، 1391 ش،

مؤسسة الامام المهدي

تهذيب الأحكام؛ طوسى، ، 460 ق، نشر دارالكتب الاسلامية، 1407 ق.

التفسير المنسوب الى الامام العسكري؛ مدرسة الامام المهدي عليه السلام

الغيبة، طوسى؛ محمد بن حسن، 460 ق، دارالمعارف الاسلامية، 1411 ق.

الصواعق المهرقة؛ قاضی نورالله شوشتری، 1019 ق، مطبعة نهضت،1397ق

مرآة العقول؛ مجلسی، 1110 ق، دارالکتب الاسلامیة، 1404ق.

ص: 239

نجم الثاقب؛ نوری، حسین، 1320 ق، نشر انوار الهدی، 1415 ق.

من لا یحضره الفقیه؛ ابن بابویه، 381 ق، دفتر انتشارات اسلامی، 1413 ق.

وسائل الشیعة؛ حرّ عاملی، 1104 ق، مؤسسة آل البیت علیهم السلام، 1409 ق.

مصباح المتهجد؛ طوسی، ، 460 ق، ناشر: موسسه فقه الشیعة، 1411 ق.

فلاح السائل؛ ابن طاووس، 664 ق، نشر بوستان کتاب، 1406 ق.

مهج الدّعوات؛ ابن طاووس، 664 ق، نشر دارالزخائر، 1411 ق.

بصائر الدرجات ؛ صفار، 290 ق، نشر مکتبة آیة الله مرعشی، 1404 ق.

حدیقة الشیعة؛ محقّق اردبیلی رحمه الله،انتشارات انصاریان، 1425 ق.

تفسیر العیاشی؛ عیاشی، 320 ق، نشر المطبعة العلمیة، 1380 ق.

عوالم العلوم؛ بحرانی، قرن 12، مؤسسة الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، 1382 ش.

مستدرك الوسائل؛ نوری، حسین، 1320 ق، مؤسسة آل البیت علیهم السلام، 1408 ق.

زادالمعاد؛ مجلسی، 1110 ق، نشر اعلمی بیروت، 1423 ق.

البلد الأمین؛ کفعمی، ابراهیم، 905 ق، نشر مؤسسة الاعلمي، 1418 ق.

الإختصاص؛ مفید، محمد، 413 ق، نشر المؤتمر العالمی للمفید، 1413 ق

المحاسن؛ برقی، احمد، 274 ق، نشر دارالکتب الاسلامیه، 1371 ق

مجمع البیان؛ شیخ طبرسی، 548 ق، نشر مؤسسه اعلمی، 1415 ق.

بحار الانوار؛ مجلسی، محمد باقر، 1110ق ، دار إحیاء التراث، 1403 ق.

الإقبال؛ سید ابن طاووس، 664 ق، دفتر تبلیغات اسلامی، 1376 ش.

مصباح الزائر؛ سید ابن طاووس، 664 ق، مؤسسة آل البیت علیهم السلام، 1417 ق.

ینابیع المودّة؛ القندوزي، 1294 ق، دارالاسوة، 1416 ق.

مکیال المکارم؛ موسوی، محمد تقی، 1348، مؤسسة الامام المهدی،1385ش.

مکیال المکارم (ترجمه)؛ حائری قزوینی، عطر عترت، 1403ش.

ص: 240

درباره مرکز

بسمه تعالی

جَاهِدُواْ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه موفق به تولید نرم‌افزارهای تلفن همراه، کتاب‌خانه‌های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملا مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیباني مي‌شود.

براي خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می‌دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوییم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 88318722 ـ 021

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109

مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹